

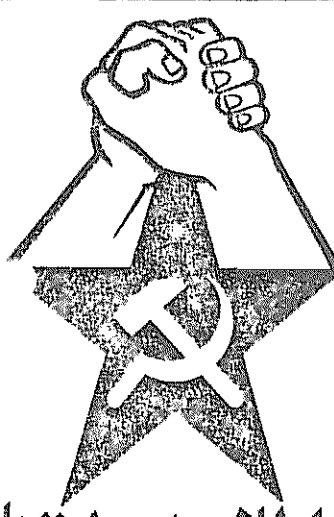
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۴ صفحه  
۷۳  
**پیکار**

سال دوم - دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ بهای ۲۵ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- محاومه مجاهد اسیر سعادتی محکوم است ۲۴ صفحه
- خطاب به رفقای دکه دار نشریات انقلابی ۱۱ صفحه
- رویزونیستهای فدایی از طرف توده‌ها افشا و طرد میشوند ۵ صفحه
- نقد فیلم "مبارزین باسکت" رویزونیست علیه آوانتوریسم ۱۵ صفحه
- رزمندگان و مسئله رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۵) ۹ صفحه
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۴) ۶ صفحه



اطلاعیه وحدت با اتحاد زحمتگشان بلوچستان

۲- بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجو"

۳- گروه "دانشجویان و روشنفکران کمونیست"

(دک) ۴- بخشی از "مبارزین طبقه کارگر"

(هسته مقاومت ۳) صفحه ۷

طبقه کارگر ایران با مبارزه متحدانه خود ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را به سرمایه داران تحمیل خواهد کرد  
صفحه ۳

افشاگری!  
سازماندهی!  
مقاومت سراسری!  
این است شعار جنبش انقلابی  
دانشجویان و دانش آموزان!

قسمت هایی از پیام سازمان به دانشجویان و دانش آموزان انقلابی بمناسبت آغاز سال تحصیلی  
صفحه ۱۹

خلق فلسطین پس از سپتامبر سیاه: ضربه ای که هرآنکشد قویترم میکند  
توطئه سرکوب انقلاب فلسطین در اردن چرا و چگونه آغاز شد؟  
نقاط قوت و ضعف انقلاب چه بود؟  
حما سه وقت خلق فلسطین و وظیفه ما در حمایت از آن  
صفحه ۱۷

مرز نشین ما قربانی نقشه های امپریالیسم، سلطه طلبیها و سیاست تفرقه افکنانه است.  
صفحه در صفحه ۱۲

سخنی با رفقا! اعضا و هواداران!  
پیرامون پرشش نامه نشریه "پیکار"  
صفحه ۹۳

اوجگیری بحران در بالا و سپاست کمونیستها در قبال آن

تشکیل کاسنه رخا ئی ادا مهجران در سات حا کمه را به مرحله حدی از ا وحکیری خود رسانده است. در شرایط کنونی حنا جهای متقابل حا کمیت به صورتی عربیان وبی برده علیه بکدیگر اعلان جنگ کرده و در این درگیریهای حا د بکدیگر در پیش توده ها رسوا میمانند آنان که روزی در پشت شعار "وحسدت و اخوت اسلامی" تصادها ی خود را میوشانند اینک بکدیگر را اریک سو "مغرب"، انصار - طلب، "مشرک"، "بیزو حرب معا وبسه" و... و از سوی دیگر "غیر کمیتی"، "لیبرال" "ملی گرا"، "غرب گرا" و... می نامند و هر یک از دو جناح اساسی حکومت از بیان آنکار عده ما "همکاری سالم" با سوسی و رزنده اما برستی تشدید میمانند تفا در درون هاب حا که چگونه قاسل توضیح است؟  
صفحه در صفحه ۲

پیرامون جنگ ایران و عراق  
مزدوران بعث به ساز امپریالیسم آمریکا میرقصدند

در هفته های اخیر تعداد حدوده ما حملات پراکنده آنها حملاتی ارتش فاشستی بعث عراق بر علیه خلقهای میهن ما افزایش یافته است. این حملات وحشیانه سوا حی مرزی، سوز و قرضشین با کنون سوا سراسری برخی از شهرها و روستا های مرزی و شهادت صدها انسان از رجمگشان مرز نشین میهن ما انجامده و صدمات مالی وحانی فراوانی بسبب هم میهنان مادر سوا حی مرزی وارد ساخته است. اس اولس نارست کز حمتگشان

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

اوجگیری

سقیه از صفحه ۱

حکومت جمهوری اسلامی از قیام به اینست و حکومت هژمونی لیبرالها قرار گرفته تا اما این اعمال هژمونی «رگزنی» توانست به معنای پایان یافتن تضادهای درون هیئت حاکمه باشد. بورژوازی متوسط سنتی و در کنار آن خرده بورژوازی مرفه سنتی در برابر بنقش رهبری کننده لیبرالها نمی توانستند برای همیشه تضادهای درونی را پنهان نگاه دارند. واقعاً سفارت و بدنبال آن سقوط دولت بازرگان نه تنها بیان آشکار تضادهای درون هیئت حاکمه بود، بلکه همچنین حکایت ارواد آمدن غربیاتی به بورژوازی لیبرال میکرد. لیبرالها اگر چه سر به خوردند، لیکن کماکان موقعیت هژمونیک داخلی خود در قدرت سیاسی را حفظ نمودند. ارتش، اقتصاد، سیاست خارجی و بخشهای مختلف دستگاه اداری، از جمله مراکز کلیدی و مهمی بودند که در تصرف لیبرالها - گاه با مشارکت کمپرادورها - باقی ماندند. حزب جمهوری اسلامی حرکت خزننده و تدریجی خود را جهت قدرت گیری بیشتر و در نهایت کسب حاکمیتی ادا نموده و در این ارتباط با یادگفت قبضه گزبانان فوه قضا شده، به کنترل درآوردن فوه مقننسه، تصرف مواضع مهمی از قوه مجریه و بدست گرفتن کنترل عمده ارگانهای تبلیغاتی مانند رادئو و تلویزیون، مشخص کننده سیر قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی میباشد. در ادامه این روند از درگیریهای درون هیئت حاکمه مسئله تعیین نخست وزیر و تشکیل دولت رجائی نشا ده راهی به مسجدهایی کشاند. در این مورد اگر چه جنگ قدرت با بیان نیافتن و "غنا شک ملا تقسیم نگشته و هنوز سرنوشت بخش مهمی از مراکز کلیدی دولت بلا تکلیف مانده است، ولی حزب جمهوری اسلامی مواضع جدیدی را متصرف میشود و ضربات جدیدی به جناح لیبرالها وارد می آید.

بدین ترتیب تضادهای "بلائی"ها که در بیشتر مبارزه طبقاتی و بحران جامعه تعمیق می یافتند، بخشهای مختلف فدا انقلاب را به روی روشی متقابل سوق میداد و بلاخره در مقطعی از رشد خود، این تضادهای دمل چرکین بحران درون هیئت حاکمه را می ترکاند: لیبرالها که ضربه خورده اند از موضع تدافعی و در عین حال جهت حفظ هژمونی لیزان خود علیه حریف رشید بیدرنگه خود را اعلان جنگ می کنند و شایدا نه توده ها را به حمایت از خود فرا می خوانند. لیبرالها که پیوسته در اتحاد با حزب جمهوری اسلامی در راهبازی نظام کشیده سر ما به داری وابسته و سرکوب جنبش و انقلاب کوشیده اند، این بار رموز را نه در برابر توده ها بلکه مظلوم نماشی بر دایره ختبه و برای مقابله با حریف پر زور خود توده ها را به کمک می طلبند. لیبرالها در راه تأمین منافع ارتجاعی خود به حزب حمله برده، روش حزب را "روش تخریب و تحریک"، سیاست او را "جاده صاف کن دشمن" و هدف او را "سرقا کردن استبداد" معرفی کرده و مطرح می نمایند که در پی "جلوگیری از حاکمیت مطلق همان گروه اقلیتی که در همه جا جنگ انداخته است و میخواهد حکومت را در دست بگیرد" میباشد (از سخنان بنی صدر در ۱۷ شهریور). بعد از تعیین نخست وزیر و بخشی از وزرای دولت که همگرا بیش با خط حزب میباشد، لیبرالها به تعرض آشکار دست میزنند؛ اما حزب جمهوری اسلامی نیز متقابلاً به تعرض روی میآورد.

حزب که برپا به سیاست آیت مزدور و تا کنون در پی آن بود تا بطور پنهانی و گاه مبهگام مبنی صدر را "سکه یک پول" بکند، این بار اهداف پنهانی خود را بطرز عریان و بیسابقه مطرح میسازد. بهشتی در توضیح اهداف حزب میگوید:

"رئیس جمهور با بدطبق این خطی که از طریق رهبری و شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی تعیین میشود حرکت کند، این وظایف کاملاً روشن است، جاشی برای آنها منبست که بگوئیم رئیس جمهور خطی را تعیین میکند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۵ شهریور).

دیگری بشما رهنمی آید. اگر چه حزب جمهوری اسلامی امروز بهمانا به نما بنده بورژوازی متوسط سنتی در موضع تعرضی بوده و در حال قدرت گیری هر چه بیشتر می باشد و اگر چه سیاست این حزب، سیاست ترور و سرکوب عریان است، لیکن این واقعیت ها بهیچوجه به این معنا نیست که بورژوازی لیبرال، مرتجعانه به سرکوب انقلاب دست نزده و بسا نخواهد زد. بر اساس یک سیاست عمومی، بورژوازی لیبرال، بورژوازی متوسط سنتی و خرده بورژوازی مرفه سنتی در برابر انقلاب عقدا تضاد داشته و آنها دشمن انقلاب توده ها می باشند. بورژوازی لیبرال که

- حزب که برپا به سیاست آیت مزدور و تا کنون در پی آن بود تا بطور پنهانی و گاه مبهگام مبنی صدر را "سکه یک پول" بکند این بار اهداف پنهانی خود را بطرز عریان و بیسابقه مطرح میسازد.
- مبارزه هیچکدام از این دو بخش بهیچوجه قابل دفاع و حمایت نمیشد و حاکمیت طبقه کارگر، کمونیستها و سایر انقلابیون از هر یک از دو بخش هیات حاکمه جزیمعناقی قبول بردگی یک بخش از هیات حاکمه ارتجاعی چیز دیگری بشما رهنمی آید.

منظور بهشتی چیست؟ پاسخ به این پرسش ها این هدف را روشن میسازد، تماماً بیسی - ایدئولوژیک آیت الله خمینی به سمت کدام نیروی سیاسی است؟ در شورای نگهبان سیاست کدام حزب اعمال میشود؟ در مجلس شورای خط مشی کدام جریان سیاسی پیاده میگردد؟ جواب روشن است، حزب جمهوری اسلامی، جوهر کسلا م بهشتی اینست که لیبرالها و رئیس جمهور با بدتحت هژمونی و سیاست حزب قرار گیرند. هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورا در پاسخ به سخنرانی بنی صدر می گوید:

"هما نقدگره ایشان (بنی صدر) از حکومت مکتبی ها احساس وحشت میکنند ما هم به همان اندازه از حکومت لیبرالها وحشت داریم". (همانجا)

روشن است که این دو جناح از یکدیگر وحشت ندارند، بلکه تنها عاملی که آنها را به وحشت میسازد، اندازه انقلاب توده ها است. چیزی که مورد اعتراض و مخالفت آقای رفسنجانی و حزب میباشد شده لیبرالها بر حکومت است، آنان میخواهند هژمونی در قدرت سیاسی را به قبضه درآوردند و لیبرالها را تابع سیاست خود نمایند، بلکه مسئله اصلی در اینجا است.

اوضاع کنونی و وظایف کمونیستها

جنگ قدرتی که جریان در دربار به تضادهای درون هیئت حاکمه ارتجاعی یعنی از یک سو بورژوازی لیبرال و از سوی دیگر بورژوازی متوسط سنتی و خرده بورژوازی مرفه سنتی قرار داده و هدفی که این جنگ قدرت تعقیب می نماید مسئله هژمونی در قدرت سیاسی است. مبارزه هر دو بخش از هیئت حاکمه دارای مضمون ارتجاعی بوده زیرا این مبارزه در جهت اعمال هژمونی بر قدرتی است که با سادار نظام اجتماعی اقتصادی و سیاسی گندیده حاکم میباشد، نظامی که در تضاد ذاتی نا پذیر با انقلاب توده ها قرار دارد. به همین لحاظ مبارزه هیچکدام از این دو بخش بهیچوجه قابل دفاع و حمایت نمی باشد و حاکمیت طبقه کارگر، کمونیستها و سایر انقلابیون از هر یک از دو بخش هیئت حاکمه جزیمعناقی قبول بردگی یک بخش از هیئت حاکمه ارتجاعی چیز

هژمونی لیزان در معرض تعرض حزب قرار گرفته می - کوشد تا خود را بطور عموم مخالف سیاست "سرکوب و دیکتاتور" نشان دهد، حال آنکه این دروغی بیش نیست. لیبرالها مخالف سرکوب جناح خود و مخالف اعمال دیکتاتور علیه خویش میباشد. حال آنکه آنان بهیچوجه مخالف سرکوب انقلاب نمی باشند. در سرکوب و کشتار کردستان، ترکمن صحرا، دانهنگاه و غیره همه بخشهای هیئت حاکمه دست داشته اند و همه بخشهای هیئت حاکمه خاشاک به انقلاب و جناحیکارند. بورژوازی لیبرال امروز عوام فریبی میکند و خود را "مظلوم" جلوه میدهد تا از توهمن آگای هی توده ها بهره جسته و از توان آنان و نیروهای سیاسی متزلزل، در راه اهداف ارتجاعی خود بهره گیری نماید. متأسفانه عدم رشد و نفوذ گسترده کمونیستها در میان طبقه کارگر و توده ها هنوز این امکان را باقی گذاشته که لیبرالها بر توهمن توده های نا آگاه سوار شوند. کمونیستها و انقلابیون راستین نباید بدیدام آنان بیافتند، هر سبستی که سیاست حمله به حزب و عدم حمله به لیبرالها و سیاست حمله به لیبرالها و عدم حمله به حزب را مطرح سازد سبک سیاست انحرافی و راستروانه نخواهد بود. زیرا این سیاست، دنباله روی از بخشی از هیئت حاکمه ارتجاعی میسازد. این سیاست، سیاست رویزیونیستها و نیروهای ناپیگیری ما نندما هدین میباشد. حزب جمهوری اسلامی و نما بنندگان خرده بورژوازی مرفه سنتی، به لحاظ عملکردها و سیاستهای آشکارا ارتجاعی شان و به همت انقلابیون پیگیر، تا حدود زیادی افشا شده اند و لیبرالها نیز به همت انقلابیونی که در دام توهسم لیبرالی فرو رفتند، بمقیاس قابل توجهی رسوا شده اند. ولی علیرغم این دستاوردها، هنوز توده های تومزده بسا رند و لیبرالها منکوشند با انگشت گذاردن بر "زبان ده رویها و انحصار طلبی ها" ی حریف انرا ضایع - های مردم بسود خود بهره گیرند. لیبرالها چنین وانمود میسازند که آنها طرح اقتصادی جهت حل بحران دارند حال آنکه "انحصار طلبان" امکان پیدا شدن آنرا نمی دهند. لیبرالها با این شرکدها در پی فریب مردم بوده و می خواهند نشان دهند که خود را مردم اند. حال آنکه

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

# اخبار کوتاه کارگری

تهران

کارگران مبارز ترانس پیک ،  
۴ ساعت کار در هفته را مورد اجرا گذاشتند

۴۰ ساعت کار در هفته از جمله حواسهای بد - کارگران و زحمتکشان است که کارگران مبارز ترانس پیک در سایه نجات دهنده همبستگی انجمن را بر آورده اند. کارگران مبارز ترانس پیک که در ماه رمضان روز - انه ۱/۵ ساعت از ساعات کار خود را کم کرده بودند (که در نتیجه ساعت کار آنها از ۴۸ ساعت به ۴۹ ساعت در هفته رسیده بود). بعد از ماه رمضان دیگر حاضر نمی - شوند بیش از ۴۰ ساعت کار در هفته انجام دهند. این کارگران ضمن پشتیبانی فاطمه و یکبار چرخه زشورای منتخب خودشان خواستار رییگری در این زمینه شده و اعلام میکنند که اگر هیات مدیره و مدیرعامل دولتی خواست آنها مخالفت کند خودشان پنجشنبه را سطر کرده و به کارخانه نخواهند آمد.

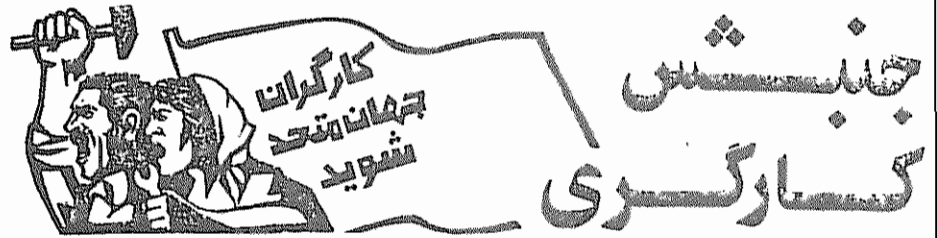
هیات مدیره و مدیرعامل دولتی که از ریکطرف شاهد همبستگی و یکبار چرخه کارگران بودند و از طرف دیگر فیلان غیر نمونه های از ابراز فاطمه و کارگران (مانند اخراج عنا مرشد کارگران کارخانه) را دیده بودند تا گزیر به خواست آنها گردن می نهند. و کارگران از هفته دوم شهریور ماه ۴۰ ساعت کار در هفته را مورد اجرا می - گذارند. این کارگران همچنین موفق شده اند که به کمک شورای خود چندی از عنا مرشد کارگران کارخانه اخراج نمایند.

اصفهان

## اخراج کارگران شرکت گسترش ممکن

بدنبال توطئه های گوناگون کارفرمایان شرکت گسترش مسکن علیه کارگران (مانند اخراج عده ای از کارگران و کارمندان مبارزان شرکت) این شرکتی مهندس مفودی، سرپرست یکی از کارخانه های این شرکت است به توطئه دیگری زده است.

در تاریخ ۵۹/۲/۲۳ ژاندارمری طی بحثنامه ای از مفودی میخواهد که کارگران. مشمول سربازی را معرفی و از ادا مه کارشان جلوگیری کند. اما از آنجا که در آن موقع کار شرکت زیاده بود، وی به حبس نامه مذکور توجه نمی نماید و در تاریخ ۵۹/۶/۱۵ که کارخانه میسرود محشنا مدارومی کند با از پرداخت مبلغی که باید کارفرمایان در پایان کارهای پروژه ای به کارگران بدهند سرباززند. مفودی در پاسخ اعتراض کارگران فریبکارانه میگوید: "این من نسبت کم شمارا اخراج میکنم داره نظام وظیفه است. میتوانید بروید بقیه اش را بچسبید". و به این ترتیب با اطمینان خاطر از حمایت فوالتین رژیم جمهوری اسلامی از سرمایه داری ۱۵ روز دستمزد (مبلغ پرداختی در این شرکت) ۲۰۰ کارگر اخراجی را بالا می کشد! بقیه در صفحه ۲۳



# طبقه کارگر ایران با مبارزه متحدانه خود ۴۰ ساعت کار در روز هفته را به سرمایه داران تحمیل خواهد کرد!

کارمندان و کارگران و همکاران است آنها برای استقامت بیشتر کارگران و افزایش فشار بر کارمندان ساعت کار هر دور ۴۴ ساعت کرده اند! خواست کارگران این نبوده که ساعت کارمندان بقیه در صفحه ۴



کارگران مبارز!  
شورای انقلاب در آرایش روزهای حباسنی و در ادا مدتها سپه ای مدکارگری اش و با صویب قانون ۴۴ ساعت کار در روز و همه به خواست ابتدائی کارگران دهن گنجی نمود! البته که در میان سرمایه داران و جس شوری "اعلامی" انتظار می بیند! این بود! رفقای کارگر...  
هم اکنون دیساری از کارخانجات، کارگران با عمل انقلابی خود ۲۰ ساعت کار در روز و همه را به اجرا در آورده اند و این نشان میدهد که سپه با مبارزه متحدانه کارگران میتوان از اس حق ابتدائی پاسداری کرد.  
رفقای کارگر شما با ندبا صبح صورت ۴۰ ساعت کار در روز و همه برای سایر کارگران، مصانته برای اجرای آن تلاش کنید! اکنون موقعیت بسیار مساعدی است. حبس و خوش کارگران در کارخانه ها به منظور اعتراض به قانون ۴۴ ساعت کار در هفته نشانه آن است که کارگران ما زبریا را این قانون منسوخ و با پسند مصانته در راه حق دور و زشتی در هفته ۸۰ ساعت کار در روز و همه را بر کرده. با بدلائل عنا مرشد کارگر در کارخانجات را که همدا با شوری انقلاب میگویند: "برای همان کردن ساعت کارمندان و کارگران ساعت کار را به ۴۴ ساعت در هفته باشد. اما نمود. این

# در کارخانه تراکتور سازی تبریز، بحث سیاسی ممنوع و بازگشت مزدوران رژیم سابق و کارشناسان خارجی آزاد اعلام گردید

اعلامی را ملاحظه می کنید.  
۱ - هیئت مذکور از سرپرستان قسمتها خواست که طی سه روز کلیه افرادی که در قسمتها خود را اعلام کنند تا کارگران با صلاح اضافی از کارخانه به جهاد سازندگی منتقل گردند، اما هدف از این کار چیست؟ هیئت سرپرستی که نماینده دولت سرمایه داری است بدینوسیله میخواهد کارگران انقلابی و کمونیست را از سایر کارگران جدا نموده و بخيال خام خود از نمودن آنها بی طبعی بدون طبقه کارگر جلوگیری نماید. آنکه در فرصتی دیگر این کارگران را از جهاد سازندگی نیز اخراج کند زیرا که اخراج آنها از بقیه در صفحه ۴

در کارخانه تراکتور سازی تبریز، بحث سیاسی ممنوع و بازگشت مزدوران رژیم سابق و کارشناسان خارجی آزاد اعلام گردید.  
بدنبال اعتصاب فخرنامه کارگران تراکتور سازی تبریز برای تشکیل شورای واقعی، بازگشت سرکوبان اجرائی، ۴۰ ساعت کار و سود ویژه و... و سپس ایجاد دسره در بیسی آنها، هیئتی با همبستگی سرپرستی مدیریت کارخانه را بدست گرفت.  
این هیئت با همکاری کامل هیئت پاکسازی و کاسون فرهنگی اسلامی تراکتور سازی شروع بکار کرد و در زیرنمونه های آن اقدامات در کارگری و ضد

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

## مقاومت قهرمانه کارگران پوشش در برابر تهاجم وحشیانه پاسداران

شعارهای "مرگ برپاسدار"، "در سنگر شوراها، نهمازنی، نه تسلیم، نه بردباری آمریکا، نه بردباری ارتجاع"، "درد بر کارگر مبارز" گینه طبقاتی و نفرت عمیق خود را نسبت به رژیم حاکمی سرمایه داران نشان میدهند.

کارگران بعد از طی مسافتی به کارخانه برگشته و دوباره نمایندگان آنها شروع به افشاکاری میسازند پس از مدتی با ردیگر پاسداران مزدور به کارخانه ریخته و به کارگران حمله میکنند، اما اینبار نیز با مقاومت گسترده کارگران بخصوص زنان قهرمان روبرو میشوند. کارگران با حمایت از نمایندگان مبارز خود جماعه ای پرشکوه و مقاومت و مبارزه کارگری را به نمایش میگذارند. در این یورش وحشیانه دو تن دیگر از کارگران دستگیر میشوند. پاسداران که انتظار چیزی مقاومت قهرمانانه ای را از طرف کارگران نداشتند، وحشت زده دست به حرکات وحشیانه می زنند. آنها با کلت بسوی یکی از کارگران قهرمان شلیک کرده و او را مجروح میسازند که اکنون در بیمارستان بستری است. پس از رفتن پاسداران با ردیگر کارگران دست به تظاهرات زده و با شعارهای "مرگ برپاسدار"، "درد بر کارگر مبارز" فضای حقان مبارکان را با سانسور مبارزاتی خود برمی کنند.

دنبال اخراج ۲۶ نفر از کارگران کارخانه پوشش که ۲۴ نفر آنها از کارگران و نمایندگان مبارز بودند و نیز پس از تظاهرات کارگران به حمایت از کارگران اخراجی و آوردن آنها به درون کارخانه، قرار میگیرد و روز شنبه ۵۹/۶/۱۵ کارگران مبارز اخراجی در کارخانه ها حاضر شدند تا هیئت با ملاحظه پاکسازی دلایل اخراج آنها را برای کارگران توضیح دهد.

در این روزها هیئت پاکسازی خبری نمیشود، اما کارگران و نمایندگان اخراجی به کارخانه آمده و برای کارگران سخنرانی میکنند و ضمن آن به افشاکاری میپردازند. پس از مدتی یک ماشین پاسدار به کارخانه می آید و هیئت دو وحشیانه به کارگران حمله میکنند کارگران در حالیکه شعار میدادند "شما زنی، نه تسلیم، نه بردباری آمریکا، نه بردباری ارتجاع"، "درد بر کارگر مبارز اخراجی"، پاسداران شما را عقب میرانند. پاسداران با دستگیری دو تن از کارگران ناگزیر کارخانه را ترک می کنند. کارگران که از این تهاجم وحشیانه شدت حس میسازند کارخانه بیرون آمده و در جاده رشت - انزلی بطرف پلیس راه دست به راهپیمایی میزنند. در این راهپیمایی اهالی روستاهایی اطراف نیز به آنها می پیوندند. کارگران مبارز با

شعارهای "مرگ برپاسدار" و "درد بر کارگر مبارز" و "در سنگر شوراها، نهمازنی، نه تسلیم، نه بردباری آمریکا، نه بردباری ارتجاع"، "درد بر کارگر مبارز" گینه طبقاتی و نفرت عمیق خود را نسبت به رژیم حاکمی سرمایه داران نشان میدهند.

کارگران بعد از طی مسافتی به کارخانه برگشته و دوباره نمایندگان آنها شروع به افشاکاری میسازند پس از مدتی با ردیگر پاسداران مزدور به کارخانه ریخته و به کارگران حمله میکنند، اما اینبار نیز با مقاومت گسترده کارگران بخصوص زنان قهرمان روبرو میشوند. کارگران با حمایت از نمایندگان مبارز خود جماعه ای پرشکوه و مقاومت و مبارزه کارگری را به نمایش میگذارند. در این یورش وحشیانه دو تن دیگر از کارگران دستگیر میشوند. پاسداران که انتظار چیزی مقاومت قهرمانانه ای را از طرف کارگران نداشتند، وحشت زده دست به حرکات وحشیانه می زنند. آنها با کلت بسوی یکی از کارگران قهرمان شلیک کرده و او را مجروح میسازند که اکنون در بیمارستان بستری است. پس از رفتن پاسداران با ردیگر کارگران دست به تظاهرات زده و با شعارهای "مرگ برپاسدار"، "درد بر کارگر مبارز" فضای حقان مبارکان را با سانسور مبارزاتی خود برمی کنند.

دنبال اخراج ۲۶ نفر از کارگران کارخانه پوشش که ۲۴ نفر آنها از کارگران و نمایندگان مبارز بودند و نیز پس از تظاهرات کارگران به حمایت از کارگران اخراجی و آوردن آنها به درون کارخانه، قرار میگیرد و روز شنبه ۵۹/۶/۱۵ کارگران مبارز اخراجی در کارخانه ها حاضر شدند تا هیئت با ملاحظه پاکسازی دلایل اخراج آنها را برای کارگران توضیح دهد.

در این روزها هیئت پاکسازی خبری نمیشود، اما کارگران و نمایندگان اخراجی به کارخانه آمده و برای کارگران سخنرانی میکنند و ضمن آن به افشاکاری میپردازند. پس از مدتی یک ماشین پاسدار به کارخانه می آید و هیئت دو وحشیانه به کارگران حمله میکنند کارگران در حالیکه شعار میدادند "شما زنی، نه تسلیم، نه بردباری آمریکا، نه بردباری ارتجاع"، "درد بر کارگر مبارز اخراجی"، پاسداران شما را عقب میرانند. پاسداران با دستگیری دو تن از کارگران ناگزیر کارخانه را ترک می کنند. کارگران که از این تهاجم وحشیانه شدت حس میسازند کارخانه بیرون آمده و در جاده رشت - انزلی بطرف پلیس راه دست به راهپیمایی میزنند. در این راهپیمایی اهالی روستاهایی اطراف نیز به آنها می پیوندند. کارگران مبارز با

تولید و... خواندن روزنامه های سیاسی، بحث سیاسی، پخش خواندن اعلامیه های نیروهای انقلابی را در کارخانه ممنوع اعلام کرده است. گویا قبلا بحث سیاسی خواندن نشریات نیروهای انقلابی آزاد بوده که حالا ممنوع شده اند!

۲ - هیئت سرپرستی طی اطلاعیه ای که کلبه اترا در همین صفحه ملاحظه میکنند از مسئولین قسمتها می - خواهد که تعداد کارکنان خارجی مورد نیاز را اعلام کنند تا نسبت به اعزام آنها اقدام شود!

آری رژیم جمهوری اسلامی که زفره های قیام دست به بازی نظامی کرده سرمایه داران و وابسته میزند چاره ای جز این ندارد که از یکطرف دستاورد های مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر و توده های خلق را یکی پس از دیگری پس بگیرد و از سوی دیگر برای بازگرداندن مزدوران با تجربه و سرسپرده سرمایه داران و کارکنان خارجی که از وحشت خشم خروشان خلق گریخته اند اقدام نماید.

ولایتی که کارگران مبارزان آگاه نیستند که با افشای ماهیت هیئت سرپرستی و اعمال آن، با توضیح واقعی ماهیت رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران، با افشای عناصری که بنیان انقلابی و کمونیست خود را در میسان صفوف طبقه کارگر جا زده اند ولی در واقع شوکر و مشاطه - گر رژیم جمهوری اسلامی هستند مانند حزب توده و... و نیز با تشکیل و اتحاد هر چه بیشتر کارگران، مبارزه متحدانه و روزافزونی را در جهت حفظ، تعمیق و گسترش دستاورد های انقلابی طبقه کارگر و توده های خلق سازمان دهند.

بعینه از صفحه ۳  
کارخانه \* \* \*

کارخانه واز میانی کارگران متکثر تراست.

۲ - با زگرداندن مدیران و سرپرستان سابق آریا مهری به کارخانه تا بتوا شند با ورزیدگی و مهارت بیشتر کارگران را استیضا و سرکوب کنند.

۳ - صدور اعلامیه ای که در آن بعد از حرفه ای تکراری و همیشگی سرمایه داران مبنی بر اضافه نمودن

شماره ۳۱۲ / ۲۱۵۹  
تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۱۳۵۹  
محل انتشار: تهران

پسند شما

«اعلامیه»

ارغبه سؤنن لخبنا فلانما یقید. جهت پیشبرد کارها و راه اندازی روزی ما نیاز مبرم خود به وجود کارشناسان خارجی باانگیزه و تخصص و روحیه فعالیت داریم راه هیئت سرپرشی اقدام ناخدا امانت لازم برای - اعزام آنها محمل گردد.

هیئت سرپرشی  
کارخانه آریا مهر

مبارزین و مبارزات  
۳۱ شهریور ۱۳۵۹

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



## مولوهای سرسپرده و سیاست حزب جمهوری اسلامی

بسیج کند، مولوهای مرتجع عمدتاً به این با آن جناح ارتجاع اعمار جوانین قا چا قجیان روزیم وابسته اند... مولوی شهدا دکه هم اکنون از سر- سپردگان رژیم جمهوری اسلامی است و اردوی وحدت حاکمه روحا سیت تشککل میدهد، از کاسه لیسان رژیم تا ه و حیره - خواران ساواک بود.

رژیم جمهوری اسلامی برای تثبیت حاکمیت خود در منطقه احتیاج به حمایت مرتجعین محلی، خوانین و مولوهای مرتجع دارد. حیات و بقا مرتجعین محلی نیز در سایه رژیمهای مداخلی میسر و ممکن است. رژیم جمهوری اسلامی مولوی مرتجع و معلوم الحالی چون مولوی شهدا دمکان نزهی را القبت معنی اعظم بلوچستان (مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۲ شهریور) میدهد، رژیم میگوید از طریق مرتجعینی چون مولوی شهدا دوبار در میان دورقها چینشایش میلیعتنی برای خود بسازد، تا بلکه بتواند بکمک اینها به تحکیم و تثبیت ارگاسهای ما نندسپا هپا سداران وجها دسا زندگی بیغزاید....

رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم ارتجاعی است پس متحدینش را در میان نیروهای ارتجاعی سازی یا بد رژیم ارتس جنبش توده ای و نیروهای انقلابی و برای بازسازی نظام سرمایه داری وابسته چسب خوار و پویشنا گشته و هر دست ارتجاعی را بگری می میقتارد... اینچنین است که مولوی شهدا در مرتجع با آنچنان پرونده کشیفی به "مفتس اعظم بلوچستان" تبدیل میشود. (منقل از نشر دیلوج - شماره ۲۱)

اما مولوی شهدا دکه در سالهای گذشته کارنامهای دارد بی آبرو و ترا زاست که بتواند توده ها را در جهت منافع رژیم

## رفیق حمید به انبوه شهدای انقلاب ایران پیوست

حرا که امروز ۵/۲۲/۵۹ یکی از اعضای "وحدت انقلابی برای آزادی طبعه کارگر" رفیق حمید پیشمرگه دلاوری که ۹ ماه سابق در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد می - رژیم، بشها دت رسید. رفیق حمید که هرا هچندتن دیگر از پیشمرگان فهرا ن در روستای "حمده" به محاصره دشمن درآمده بود بدلیل زخم گلوله ای که بر سردا شت سوانست همچون رفقای دیگرش خلفه محاصره را شکست و خود را نجات دهد، بسا سارحکی که در دسا ن خود میفرج نموده شها دت رسید و هها بطوریکه خود میخواست زنده در چنگال دشمن سافتاد. در ایسن درگیری دههرا زحاشها وقیاده هها بهلاک رسیدند.

جاشها که صدر رفیق را به هرا ه خود به میوان بردند بهرای جاشها میسوم "الله اکبر" و برای رفیق شهید، مرگ بر کمونیست گفته و حسدا ورا تلاق میزدند مردم میوان که از زخمی این میزوران به ختم آمده بودند به نشانه اعتراض معاره های خود را بسته و شهر را تعطیل کردند. جسد رفیق شهید حمیدینا به صرار اهالی روستای "سیف در آن روستا دفن شده است. با کرامی داشت با رفیق حمید راه سفری را که توسط او تمامی شهدای خلق دلاور کرد کوییده شده، مصمم و استوار بیسما شیم. جادان با در زم خونین رفیق حمید درود بر شما می شهدای راه آزادی و استقلال ایران

## رویز پوینستهای فدایی از طرف توده ها افشاء و طرد میشوند

و از آنها میخواستند قبل از اینکه خلق سلاحا ن کنند، از شهر بیرون برونسند. مردم آنها را با سارخا نده و شعار می دادند:

هنکا میکه رویز پوینستهای فدایی (اکثریت) می سارنکارا نه خود را انکارا اعلام نمودند، حزب توده برایشان کف زده بهشتی به رهبران آنها اجازه ملاقات داد و اولطف خود را تا مل آنان نمود، اما اعضا و کارهای انقلابی و هوا - داران پر شور و آگاه از آنها بریدند و توده های آگاه نیز همینطور! و در کردستان سرزمین خون و آتش می این رویز پوینست نیست های نورسیده خیلی زود با زشد. امروز در کردستان بدنشال نفرت از حزب توده، نفرت از "اکثریت" (فدائیسان) نیز کم دیده میشود.

فدائی و حزب توده خاشن به خلق کرد هسنند، فدائی با بد خلق سلاح شود از شهر بیرون رود.

در جریان این واقعه چند نفر کار کرد در حالی که دستان پینه بسته شان را نشان افراد مستقر در مقر میدادند می گفتند مگر شما ادعا نمی کنید که پشتیبان کارگران و زحمتکشان هستید، اگر اینطور است ما که افراد زحمتکشی هستیم میگوئیم شما

نمیخوا هم، از شما بیرون بروید. مسئولین چریکها هر چه میخواستند، بسا توجیهاتی نظیر اینکه در جنگ تاکتیک های مختلف باید بکاربرد، سازشکاری و خیانت خود را به خلق کرد پنهان سازند، مردم نیز بفرقه و علیه آنان شعار میدادند، در خاتمه مردم به چریکها ۲۴ ساعت مهلت دادند تا از شهر بیرون بروند.

۲ - چندی پیش (در جریان حرکت ستون ارتش و پاسداران و جاشها) زبانه به سر داشت درده "نجنه" که پیشمرگان کومله، بیگار دموکرات و چریکهای فدائی خلق (اکثریت) مقردا رسد و در جریان مراسمی که به مناسبت شهدا دت چند تن از پیشمرگان

در میاری روستا هها به فدائیسان اکثریت جاش (مزدور) خطاب میکنند! آری خلقی که در زیر آتش توپ و تانک دشمن از دست آورده پیش پاسداری میکند و با ایشان رخن هزاران شهید نهال کردستان خود محتار آینه را با رور میما زده رگسز نمیتواند در مقابل ساژکاران و خاشنین به خلق ساکت بماند اخبار زیر نمونه هایی از بر خورد انقلابی توده ها با اکثریت فدائیسان است:

۱ - بوکان ۶/۱۶: در این روز عده ای از مردم بوکان (بیش از ۵۰ نفر) که بخش مهمی از آنها را زحمتکشان تشکیل می دادند، در مقابل مقر چریکهای فدائیسای خلق (اکثریت) در شهر بوکان جمع شده

### جاشها در دام انقلاب

روز دوشنبه ۵۹/۶/۱۰ اتومبیل یکی از سرجاشان منطقه بنام "حاج میکا شیل" در جاده "نور" کامیاران در اشرا مابست با مین مسجروش. در این انفجار ۳ تن کشته و یک تن محروم شدند. این چهار نفر مرزبان و برادران حاج میکا شیل بودند.

### حمله به مقر جاشها، پاسداران و ارتشیان

سفر ۵۹/۴/۱۲ شب هنکا پیشمرگان فهرا ن جنبش مقاومت در چند نقطه شهر به مقرهای جاشها پاسداران و ارتشیان حمله نمودند و طی آن ضربات سختی به نیروهای دشمن وارد کردند که از تعداد تلفات آن اطلاع دقیقی درست نیست. روز بعد نیروهای سرکوبگر رژیم تمام نقاط و محلات شهر را محاصره کرده و به بازیدخانه ها برداختند. آنها همچنین مردمی را که از خیابان و کوچه ها می گذشتند بازید بدنی میکردند.

### درگیری پیشمرگان با پاسداران و جاشها

شاهدز - ۵۹/۶/۱۶ در ایروز تعدادی از جاشها و پاسداران در اطراف شاهیندژ با پیشمرگان حزب دمکرات درگیر میشوند. در این درگیری ضربات سختی به پاسداران و جاشها وارد میشود و بلوریکه مجبور به عقب نشینی می شوند.

### دشمن در کمین پیشمرگان پیکار

ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه ۵۹/۶/۱۴ یک لندرو را حمل نیروهای دشمن همراه با دستانه نگهبانان در مسیر سنجد - کامیاران در کمین پیشمرگان سازمان پیکار، دسته شهیدان میرافساد و تنها یک نفر از آنان موفق به فرار میشود. دنبال این حمله دلاوران پیشمرگان که در برابر پیکاه "هلوسان" صورت گرفت دشمن خشمگین از اینکه دلاوران خود سب از ضربات پیشمرگان فهرا ن کرد در امان نیست، روستاهای اطراف را با محاصره و کالیمبره ۵۰ زیر آتش گرفت. خوشبختانه این حملات هیچگونه تلفات مالی و جانی در بر نداشت.

### توریک مزدور

سفر ۵۹/۶/۱۶: در این روز یکی از جاشها به اسم "خانان" بدستان انقلابیون ترور گردید.



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



کوله که در حریان حمله به همین ستون فوق الذکر شهید شده بودند، ملای ده به چریکها اعتراض کرد که چرا جنگ نمیکنند (این ده در مسیر با نه به سردشت قرار دارد و پیشمرگان نیروهای مختلف بجز چریک - های اکثریت برای حمله به ستون به طرف جاده بانه - سردشت رفته بودند) و مطرح نمود که اگر جنگ نمی کنند سلاحها را به کسانی که جنگ میکنند بدهند و اما فاش کرد که شما باید مقرتان را تخلیه کنید و آنرا در اختیار پیشمرگه های پیکار بگذارید. مردم نیز این گفته را تا شید کرده و بنسای اعتراض به چریکهای فدائی را گذاشتند.

۳۰ - بطور کلی مردم روستاها می گویند چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در آنجا مقصد دارند. بنظر من این هستند که آنها اسلحه خا رج نکنند چون معتقدند که چریکهای نمی خواهند جنگند و میگویند اینها نمی خواهند جنگند و قصد دارند از اینجا بروید، حق ندارد اسلحه را همراه خودتان ببرید چون اسلحه مال کسی است که جنگند.

### مصادره ماشینهایی ارتشی

پیرانشهر - ۵۹/۶/۱۹

در این روز راجده بقده - پیرانشهر - دودستگاه ما شین ارتشی که حا مل مقدار خواربار و تعداد راکت بود در کمین پیشمرگان قهرمان افتاد و مصدا دره می - گردد. بدنبال این عمل پادگان پسوه به تلافی اقدام مذکور، روستاهای منطقه را زیر آتش خمپاره و توپ قرار میدهند که طی آن بسیاری از خانه های روستا شیان خراب و سر روستایی شهید میشوند. در این رابطه اهالی روستاهای پسوه و چنند روستای منطقه لاجائی روستاهای خود را ترک کرده اند.

### حمله هلیکوپترها به ماشین شرکت راه سازی

بوکان - ۵۹/۶/۲۰

در این روز دو هلیکوپتر یک جیب را که متعلق به شرکت راه سازی بود در جاده حرکت میکرد و در حمله قرار داده و به رگسار میبندند که در نتیجه آن جیب آتش میگیرد. سر نشینان ما شین که به موقع توانسته بودند فرار کنند آسیبی نمی بینند. در تماسی سیمی که بین دو هلیکوپتر برقرار بود، هرگاه که هلیکوپتر حمله کننده جیب را مورد اصابت گلوله قرار میداد، دیگری ما گفتن "ما شاء الله" او را تشویق میکرد!

## پا چشم باز در افق خونین کردستان

### خاطرات يك سرباز (۴)

## چه بهار خونینی دارد کردستان!

۳۱ فروردین



سحرگاه، ستون ارتش، مسلح، با تجهیزات کامل و بدون ایمانی در قلب از فرودگاه سنندج حرکت کرد. مقصد شهر سقز بود و راه زکنا ر شهری گذشت. در آخرین لحظات حرکت ستون قرار شد من به همراه چند تن دیگر با هلیکوپتر حرکت کرده و تا من ستون را برقرار نکنم، ستون ۱۶ کیلومتری همچون ما دراز و خزانده ای از فرودگاه خارج شد. نیشهای زهر آگینش قلب زحمتکشان کردستان را نشانه رفته بود.

به همراه دو نفر دیگر در فرودگاه به انتظار هلیکوپتر ما ندیم. اما خبری نشد حوالی ظهر بود که خبر درگیری ستون را با کردها و پیشمرگه ها شنیدیم. اما از چند و چون آن هیچ خبر ندا شتیم، انتظار و نگرانی مزار گرفته بود همچنان که در سالن فرودگاه روی صندلی نشسته بودم. انگار گونا گونی به مغزم هجوم می آوردند. انتظار ر خسته ام کرده بود، در میان خواب و بیداری بودم که صدای سهمگین خمپاره ها از جا براندم. ساعت ۴/۵ بعد از ظهر بود. شتابزده به بیرون دویدم. از ارتفاعات حمله آغا زده بود، همه سنگر گیری کردند و تیربارانهای ۷-۱۲، بیگارا افتاد. یک حمله واقعی. ارتش سخت می کوبید. نا باوری ها از من دور می شد و واقعیت ها جای خود را بازمی یافتند. نقش خدای خلقی ارتش، اکنون برام یک واقعیت کامل روشن و بسیار قابل فهم بود. درگیری تا ساعت هشت شب ادامه داشت. تنها ۳ ساعت قطع شد و با دیگر رزاساعت ۱۱ شب با شدت تمام آغا زگشت.

### ۳۱ فروردین

ساعت ۳ صبح، تاریکی طولانی و سنگینی بر همه جا گسترده است. بیسروری صندلی سالن فرودگاه، جرت می زدم که خمپاره ای پنجره را شکست. خرده های شیشه بر روی سروصورت ریخت از جا پریدم. بیاد آوردم که جنگ آغا زده است. بی سرعت تنگم را بشانه گرفتم. رگبار تیرباران بالای سرمبارید. شتابزده به کف سالن خزیدم و خود را به درسا ندوم و بیرون رفتم صدای سهمگین تیردمی آمد. پیشمرگه ها در نظرم می آمدند که با سلاحهایشان در دست با ارتشی سراپا مسلح می جنگیدند. در دل شب تیره، نور ایمان نشان می درخشید. آه ای قدرت بی پایان خلق! در برابر تو سهمگین ترین ارتشها به چه کاری آیند؟

### اول اردیبهشت

درگیری دیشب تلفاتی ندا شت. اما برپا زها را خسته کرده است. درگیری طولانی خستگی و عصبانیت در آنان دشمنی کوری نسبت به پیشمرگه ها برانگیخته است. بر پیشمرگه ها دشنام می دهند. ولعنت می فرستند. آری تقدیر سرپا زان در نظامهای ضد خلقی چنین است. نا خواسته به جنگ فرستاده میشوند در آن درگیری خونخواری با پادگان نشان محافظت کنند. می باید کشتار کنند. و طبعاً کشته شوند. غول جنگ بر آنان چیره میشود دشمنی کوری نسبت به آن که رودر روست در دلشان برمی انگیزد. نسبه آغا های آن را دارند و نه فرصت آن را که اندیشه کنند، آنان مهرهای از این

ما شین عظیم سر کوبند، آنان گوشت دم توپ سرما به داری شده اند. ولی با همه اینها گاه واقعبیت چنان بی برده و گستاخ رومی شما مید، که درک آن نه به آکا هی ونه حتی به اندیشه، که به دو چشم با زمی سر میشود. شلاق واقعبیت سخت و سوزان است. افکار سراپا زبیدار میشود چنانسی بروشنی می بینند. گاه سراپا زی فرار میکنند به طرف مقابل میبویوند. لوله تفنگش را بر میگردد و دشمن واقعی را نشانه میکند. اما در بسیاری از سراپا زها، که خود از زحمتکشترین و پاشین دست ترین طبقات مردم اند، جنگ، تا شهر خود را می بخشد. اندیشه به خواب می رود. نا آکا هی - ها به خدمت می آیند. غراب زکور، دشمن و کینه کا ذب در دل سراپا ز سر بر می دارد. او کورگورانه می جنگد و در دفاع از قسم سراپا به زحمتکشان را به گلوله میبندد. اما او خود نیز از زحمتکشان است، آری او خودکشی می کند.

۴/۵ بعد از ظهر هلیکوپتر برای بردن ما به فرودگاه آمد. از سر نوشت ستونی که رفته بود خبر ندا شتیم ولی میگفتند که به سقز رسیده است.

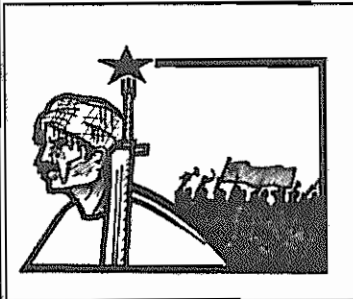
در آنسوی شهر، در پادگان فسرود آمدیم. در آنجا با کمال حیرت ستون را دیدم که تا زهر رسیده بود، همه چیز در هم ریخته و آشفته بود. اسلحه، بی سیم، سلاحهای سنگین (آرپی جی ۷-توپ ۵۷) کیسه های سراپا زان، همه و همه بر زمین پراکنده بود و شکست و عقب نشینی ستون را بروشنی تصویر میکرد. نا خنک خلقی مقاومت ستونی با تمام تجهیزات را درهم میگفتند. خبر میدادند که چگونه بسیاری از مهمات، وسایل و کامیونها در یک تنها جها نابود شده است. چه شکر فاداست نیروی خلق!

به آما شیکا رفتم و در آنجا خبر دار شدم که یکی از سراپا زانی که او را می شناختم کشته شده است. اهل تهران بود و اوایل می خواست که فرار کند در قلم احسان سنگینی کردم. چقدر جان آدمها در این نظامی ارتش است. این حقیقت را زندگی جدید لحظه به لحظه برایم آشکارتر میکرد. در آما شیکا اخبار ریمباران سنندج را شنیدم.

ساعت هشت شب، فانتوم دیوار صوتی را در سنندج فروریخت. نیمه از شهر بمباران شد. در کنا رسیمهای خاردار، بغاصله های کوتاه، تیربارانهای (۷-۱۲) کار گذاشته بودند و بعضی دیدن حتی یک نفر تسیرا ندا زی میکردند. بپورش دیوانه واری آغا زگشته بود. فرماتدهان

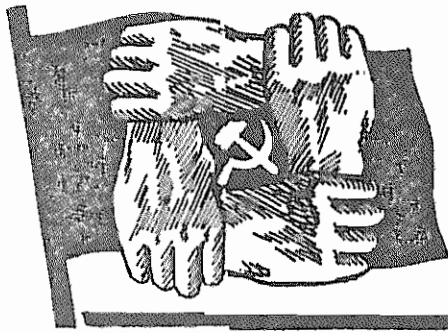
بقیه در صفحه ۲۱

### وضع زندگی مردم بوکان بسیار بد اما روحیه شان عالی است



در شهر بوکان روز بروز بر تمام آوارگان افزوده میشود. این آوارگان در منطقه های اطراف تکاب و شاهینده مستقر شده و اغلب مدارس بوکان را پر کرده اند. اگر چه وضع زندگیشان در آنجا بسیار بد و در مضیق هستند اما روحیه بسیار عالی و خوب دارند و با کینه از دولت و ارتش و پاداران، (بخصوص جاشها) یاد میکنند.

# درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد



# اطلاعیه وحدت با: د اتحاد زحمتکشان بلوچستان بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجو" گروه "دانشجویان و روشنفکران کمونیست (درک)" گ بخشی از "مبارزین طبقه کارگر" (هسته مقاومت ۳)

را تلف نکنیم! در مقابل سوسال  
دمکراتهای روس (بخوان کمونیستهای  
ایران) برای آوردن اجتناب  
بیولنا را که رخوات بسازد  
سرای متشکل کردن جنبش کارگری،  
برای تقویت گروههای انقلابی و  
ارتباط متقابل آنها، برای تامین  
کارگران ارتباط مطبوعات ترویج  
وتسلطانی برای جمع کرد  
مقابل کارگری و گروههای سوسال  
دمکرات که در اطراف او کثافت روزه  
پراکنده اند، بکند تا کار وجود دارد!  
(وظائف سوسال دمکراتهای روسه  
- لندن)

در اینجا اطلاعیه وحدت گروههای  
فوق الذکر را می آوریم:

## اطلاعیه

### "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" در رابطه با ادغام کامل در سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نوده های آگاه! کارگران مبارز!  
رزمندگان کمونیست!  
جنبش توفنده توده ها با تمام مسلحا  
بهمن ماه ۵۷ طوما رژیم سلطنتی شما  
خائن را درهم بچند و سه ستم سرما نه  
داری وابسته به امپریالیست  
مهلکی و رداورد، جنبش توده ای پس از  
افتی نسبی در مقطع قیام، سندرئج در  
مداری عمیق بروبا دامنه ای محدودتر  
ادامه یافت و هر روز اوچ سشنری گرفت  
و وارد مرحله جدی از اعتلا خودشند.  
در این میان، با سخکونی به ساز -  
های در حال گسترش جنبش که جزو وظایف  
مسرم کمونیستهاست، نه تنها تلاش و جان  
- فسانی همه جا شده ای را از آنها سلسلد  
بلکه آنها را تا کار از سخکونی سه  
مسئله وحدت و تلاش در جهت احاد حزب

چون اشتلاف، همکاری و مبارزه ایدئو -  
لوژیک، تشکیلات دوران گذار، سازمان  
واحد، قطبهای ایدئولوژیک تشکیلاتی  
طرحهای انحرافی و غیرما رکسیستی  
هستند، ما از آن رو که در باره ما له وحدت  
جنبش کمونیستی در بر خورده با نظرات و  
دیدگاههای مختلف در این باره در آینده  
نزدیک و در ادامه قطعنا مه های مصوبه  
دومین کنگره سازمانی، بطور کامل توفیح  
دا ده شده است، در اینجا از توضیح بیشتر  
در این مورد خودداری و تنها اشاره می -  
کنیم که مهمترین ممانعی که با بدجهت  
تا مین وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد  
حزب، حول آن مبارزه ایدئولوژیک  
دا من زده شود عبارتند از:

- ۱- در عرصه ایدئولوژیک: حول مسئله  
روبرو نیوزیم (خروشپی و سه جا نی)  
سوسیال امپریالیسم و تروتمکسیسم  
انحرافات گوناگون در بر خورده آنها .  
۲- در عرصه سیاسی: حول مسئله تئوری و  
برنامه ما رکسیزم، ساخت جا معسه،  
آرایش طبقات، مرحله انقلاب استراتژی  
و تاکتیک کمونیستهای ایران، مسئله  
حاکمیت و قدرت سیاسی . . .  
۳- در عرصه وظایف: بر خورده دیدگاههای  
گوناگون در مورد وحدت و پیرویه ایجاد  
حزب، تعیین وظیفه بالافاصله و چگونگی  
تدوین تئوری انقلاب، وظایف عملی  
چشم انداز مبنایی تاکتیکی، تعیین  
وظایف کمونیستها در قبال جنبش  
کارگری و دمکراتیک . . .  
وحدت با نیروهای مختلف جنبش  
کمونیستی که تا کنون صورت گرفته و از  
اجمله وحدت ما با نیروهای چهارگانه زیر  
ملیها زدیدگاه فوق و در عین حال گواهی  
بهر حرکت انتقادی، نسبت به نظرات  
گذشته و در واقع حرکت تکاملی، بوده است  
ما وحدت با این گروهها را به جنبش  
کمونیستی و طبقه کارگر، تبریک گفتند و  
ابا شما موجود خویش با درس آموزی از  
گذشته و حال سخنان گرانقدر لنین را  
تکرار میکنیم:  
"دست بکار شویم رفقا! اوقات گرانبها

کار . . . همگی در خدمت ایجاد سد و مانع  
در راه وحدت عمل میکردند.  
در حالیکه در یک پیرویه مبارزه ایدئو -  
لوژیک بطلان این تئوریهها بر ماسلا  
گردید، اکنون همان تئوریهها با جان  
سخنی تمام در پیوشهای نوین عرض اندام  
میکند و در جهت به بیراهه کشاندن جنبش  
کمونیستی از دستهای هر چه سریعتر به  
وحدت، نقش خویش را ایفا میکند.  
تذ "اشتلاف" خود را در "تشکیلات دوران  
گذار" با زمی با بد، این تئوریهها در کوسی  
اکنونیستی، تشتت ایدئولوژیک و انانی  
از "تشتت" و "تنوع" تشکیلهای گوناگون  
دانسته و برای حل تشتت ایدئولوژیک  
و دستیابی به وحدت ایدئولوژیک، وحدت  
تشکیلاتی را پیشنهاد میکنند و بدین ترتیب  
تشکیلات را برای ایدئولوژی مقدمه دانسته  
و درک اکنونیستی خود را بنمایش می -  
گذارد. نتیجه چنین درک انحرافی از  
وحدت ایجاد تشکل اشتلافی "وحدت  
انقلابی" است که جنگی از نظرات گوناگون  
را در درون خویش گرد آورده است.  
تذ "سازمان واحد" نیز مجدداً خویش  
را در "قطبهای ایدئولوژیک - تشکیلاتی"  
با زیافته است که کماکان مجموعه ای از  
سکتاریسم و اگونومیزم را بنمایش می -  
گذارد. چرا که برای سهل الوصول نمودن  
مبارزه ایدئولوژیک وجود قطبهای  
تشکیلاتی را ضروری می پندارد و عملا  
به مقدمه داشتن تشکیلات برای ایدئولوژی  
صه میگذا رد و بجای تا مین وحدت جنبش  
کمونیستی و ایجاد حزب، در خدمت پراکندگی  
و تشتت آن قرار میگیرد. تئوری و پراتیک  
رفقای رزمندگان در مورد وحدت گسوا ه  
این واقعیت است و ما در آینده به تفصیل  
در باره آن سخن خواهیم گفت.

"پرولتاریا در مبارزه مسلحی -  
سازماندهی ندارد" این سخنان جاودانه  
لنین همواره و بیزه گوش ما ست و با اعتقاد  
به این امر فعالانه در راه ایجاد دستاد  
رهبری پرولتاریا، حزب کمونیست می -  
کوشیم.  
این واقعیتی است که برای رسیدن  
به آنچنان سازمانی که بتواند توده های  
انقلابی طبقه کارگر را در مبارزه علیه  
بورژوازی و استقرا روسیالیسم رهبری  
کند (حزب کمونیست) با بدفعالانسه  
مبارزه ایدئولوژیک را بر متن مبارزه  
طبقه ای، به منظور تدوین تئوری انقلاب  
و تا مین وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد  
حزب دا من زند.  
در شرایطی که جنبش کمونیستی جوان  
ما که در شب و تاب عشق به وحدت میبوزد و  
میداند که بدون چنین وحدتی و ایجاد  
حزب، پرولتاریا لاجرم و ناگزیر بر دامن  
بورژوازی درمی غلطد، آری با تمام  
علاقه و آفری که نسبت به این امر حیاتی  
نشان داده میشود، اما هرگاه این شور  
آتشین با درک علمی و لنینی از وحدت  
همراه نباشد، نه تنها ما را به مقصود  
نخواهد رساند، بلکه به سد و مانعی در برابر  
وحدت و ایجاد حزب تبدیل خواهد گشت! و  
واقعیت نیز گواها این حقیقت تلخ است  
در کهای انحرافی نسبت به وحدت و  
پیرویه ایجاد حزب، علیرغم هر نیت خیری  
که در سر باشد، تنها به تشدید آشفته فکری  
النتقاط، اباها موکند کردن امر وحدت و  
ایجاد حزب و در نهایت به ایجاد ختلال  
در مبارزه پرولتاریا منجر خواهد گشت.  
آری در حالیکه فریادهای وحدت طلبیان  
از هر سوبه گوش میرسد یکی با دعوت برای  
گردهمایی بمنظور هدایت مبارزه ایدئو -  
لوژیک و تدوین تئوری انقلاب و جدا  
از سایر اشکال مبارزه طبقاتی پرولتاریا  
برای دستیابی به امر وحدت (آرمان -  
و وظیفه بالافاصله ما) و دیگری با طرح سازمان  
و احد (اجمله خودمان) که ملقمسه ای از  
سکتاریسم و پرولتاریا نیست بود و سومی با طرح  
"اشتلاف" (اتحاد انقلابی برای رها نسی

## پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

کمیسیست برای رهبری جنبش بوده ای و با میس  
هموسی پرولماناریسا می نماید.

امروزه هیچ نیروی کمیسیست را سنجشی نیست که  
در سب و با وحدت و ایحاد حزب کمیسیست ایران بسوزد  
و با سما موات آن را در دستور روز خویش فرارندهد.

امروزه برای کمیسیستها علیه برگزیده گرا شیپها  
بدبها ل کساستنا زان گروھی بودن ... جرو شرا یط  
ابنداشی وا ولبه لاتی را سنین و پیکار در را آزادی ظمه  
کا رگرو ایحاد حزب می با شد. ما سبز بنوا ن جز کوچکی  
از جنبش کمیسیستی ایران نمی توانستیم در ما بسیل  
مسئله وحدت و لاتی در جهت ایحاد حزب بی بساوت  
بما نسیم و با بسمی با سح مسا سب خود مان را به ایس  
ا مر حطری جنبش کمیسیستی میدادیم. با سح ما به ایس  
مهم چبری میبود جراتلانی در را رسیدن به وحدت سیاسی -  
ایدئولوژیک با نیروهای که پیش از همه خط مشی و  
برنا مسیاسی شان مورد توافق بود. واضح است  
که ما با این لاتی خویش در واقع به مسئله حزب سیردر  
جورسوان و بحر به مان با سح میدادیم.

سما یح عملی این لاتی و کوشش ما پس از طی  
سره ای از آموزش و مبارزه ایدئولوژیک. ادعا م کا مل  
در ما رمان پیکار در را آزادی طبه کا رگر بوده است.  
آری ما جو یاری بودیم که به روحا سه پیوسیم و رایس  
بیس بر بسرا یس رود خروتا ن و بسوان حرشی از آن برای  
پیوس به در یای عظیم حزب به مبارزه ادا به حوا هیم  
داد. ما بدین وسیله اعلام میکنیم که از این تاریخ بهارزه  
خویش را با سوا سی پیشرو پیکار رهبری تجربیاتی  
عنی سرحت عنوان "تشکیلات بلوچستان سازمان  
پیکار در را آزادی طبه کا رگر" ادا به حوا هیم داد.  
محصری برنا ریخچه ...

۱- زمینه های پیدایش :

با فت عیب ما مده انصا دی - اجناسی بلوچستان  
و در همین رابطه عفت ما ندگی فرهنگی مردم منطقه  
سرا بط طبیعی و جغرافیائی (پراکندگی جمعیت، دوری  
از مرا کز بسیدی ...) در گذشته باعث شده که مردم  
بلوچستان در مجموع ارسط آکا هی بسا رتا زلسی  
بجور در انا ساند. معدان جنبش های وسیع خود بخودی  
در گذشته منطقه بر در ارساط مسابیل با شرا یط قوی  
بسا شد. مجموعه عوا مل قوی با عت ندکه خلق بلوچ  
شیر عم سمنندید ملی - طبعی که همواره بردوشن  
سکینی میکند، سواندها هک با حبش سوده ای  
سراسری بمبارزه با ارجاع محلی ورژیم سر برده شاه  
حاش بر خیرد. ما شیر میا موده ای بهمن ما ۵۷۴ بسر  
روی خلق بلوچ و ما شیر عمق سرتان بر روشک سرتان  
خلق سبت ندکه فرسدان آکا و روشک خلق بلوچ به  
مکرا سحا مبحشیدن به مبارزه خود و ایحاد تشکیلات  
اعلامی در میان سوده های بلوچ بیفمسد، سا بسواند  
خلق را که این چنین بیا و سسم میروا آکا کرده و و رایبه  
با ره کردن رسحیرهای بردگی و ستم و ادرند. در با سح  
به این سبار در مقطع قیام. "سازمان دمکرا سیک مردم  
بلوچستان" بوجود آمد.

۲- "سردبلوچ":

مشکل دیگری در کنار این سازمان به اسم "سبرد

بلوچ" بوجود آمده که هسته اولیه آن مشکل از عده ای از  
عنا سرمرمی بود.

"سردبلوچ" پس از مدتی فعالیت در تا ریخ ۱۴  
فروردین ۵۸ طی اعلامیه ای افشا گرانده در مسوورد  
رفرا بدوم جمهوری اسلامی در منطقه تحت عنوان "هوادار  
- ان سازمان دمکرا سیک مردم بلوچستان" اعلام  
موجودیت کرد و به فعالیت انقلابی خود ادا مسه داد.  
"سردبلوچ" ضمن فعالیت خود در منطقه بتدریج بسه  
مواقع روشنتری دست یافت و خود را از زبرخی عنا سرکه  
دا رای گرا یشتا لیبیرالی و با سیمستی بوده و قسا در  
به لاتی پیکار انده در مبارزه انقلابی نبودند تمفیس  
نموده و به جذب نیروهای پرا نرزی و پسرورا انقلابی  
پرداخت.

پس از چند ماه، در شهریور ۵۸ در اشنای حمله ورژیم  
مذخلی جمهوری اسلامی به کردستان و سرکوب آزادی  
- های دمکرا سیک در سراسر ایران، "سازمان دمکرا سیک  
مردم بلوچستان" ملاتی شد. و "سردبلوچ" مستقلا  
فعالیت انقلابی خود را در میان سوده های خلق بلوچ  
دنبال نمود.

"سردبلوچ" که اینک به مواضع نسبتا روشنی در  
رابطه با نیروهای جنبش کمیسیستی دست یافت به  
با سیمانی به سازمان پیکار در را آزادی طبه کا رگر  
مبارزه خود را با انشرا را ولین شمار نشربه "سبرد  
بلوچ" در ۱۵ آبان ماه ۵۸ سر صورت بیشتری داد. از  
آن به بعد نشربه "سردبلوچ" بطور هفتگی منتشر میشد.  
تشکل "سردبلوچ" که فعالیت خود را عمدتا در محدوده  
زاهدان متمرکز نموده بود در تماس و مبارزه ایدئولوژیکی  
لوژیک با "انحازحمتکشان بلوچستان" که از درون  
ویرانه های سازمان "دمکرا سیک مردم بلوچستان" جوشیده  
و سرحا سه بود، پس از حدود ۴ ماه در اول فروردین ۵۹  
به وحدت کا مل حول خط مشی و برنا مسی سازمان پیکار...  
رسیده و در هم ادغام شدند و فعالیت جدید خود را با سح  
"انحازحمتکشان بلوچستان" و نشربه هفتگی "سبرد  
بلوچ" و در تماس و مبارزه ایدئولوژیک و آموزش سازمان  
پیکار ادا مسه دادند.

۳- انحازحمتکشان بلوچستان :

در رابطه با به هم پاشیدن و متلاشی شدن "سازمان  
دمکرا سیک مردم بلوچستان" عده ای از عنا سراین سازمان  
که دا رای گرا یشتا لیبیرالی، با سیمستی، غیرتوده ای  
... بودند مسعمل شدند و عده ای از عنا سر مبسارز و  
انقلابی آن به کرج جمع بندی انحرافات "سازمان  
دمکرا سیک مردم بلوچستان"، علل متلاشی شدن آن ...  
برآ مدد و پس از مبارزه ایدئولوژیک درون خود و غلبه  
بر انحرافات غیر کمیسیستی و لیبیرالی، تشکل "انحاز  
حمتکشان بلوچستان" را بر مبنای خط مشی سیاسی  
سما روشنی با اسجا مو وحدت سیاسی ایدئولوژیک  
قابل مبولی، بسا کشتند.

"انحازحمتکشان بلوچستان" ضمن تماس با  
"سردبلوچ" و مبارزه ایدئولوژیک برای وحدت، به -  
تدریج با گرا یشتا لیبیرالی، بنا سوانا لبستی و لیبیرالی  
مرز بندی سیر کرد و توانست برای این انحرافات غالب  
شود. "انحازحمتکشان بلوچستان" ضمن مرز بندی  
قاطع با گرا یشتا تی که تما بل به ایحاد تشکیلات مخصوب  
بلوچستان داشتند و "کومله" را الگوی تشکیلاتی خویش

فرامیدادند، به این نتیجه رسیدند که تشکیلات کمیسیستی  
بلوچستان جز کوچکی از حزب طبه کا رگرا بران با بد  
با شونده تشکیلاتی "ملی" برای خلق بلوچ.

"انحازحمتکشان بلوچستان" که طی جمع بندی  
انحرافات "سازمان دمکرا سیک مردم بلوچستان" به  
در سنی انطبا ط آهتین، وحدت یکپارچه، آموزش و مبارزه  
ایدئولوژیک را برای بقاء و حیات و شادابی تشکیلات  
ضروری مبرم میشناخت در عین حال بقاء و ادا مسه  
حیات آسرا در تلاش برای وحدت سیاسی - تشکیلاتی  
با نیروهای نزدیک به خود و کوشش مداوم و متحدانه در  
جهت ایحاد حزب میدانست در همین رابطه ضمن وحدت  
و یگانگی با تشکل "سردبلوچ" وحدت خود را از نظر سیاسی  
- ایدئولوژیک - تشکیلاتی با سازمان پیکار...  
محکم ساخت و طی پیروسی آموزش و مبارزه ایدئولوژیک  
در این سازمان ادغام شد.

۴- مختصری از فعالیت "انحازحمتکشان بلوچستان":

"انحازحمتکشان بلوچستان" پس از یگی شستن  
با "سردبلوچ" در فروردین ۵۹، به فعالیت پیکار خود  
در منطقه شدت بیشتری بخشید. و در این راه از زهنمودها  
و تجربیات ارزنده سازمان پیکار... نیز بهره مند  
گردید. "انحازحمتکشان بلوچستان" تا کنون نقش  
چشمگیری در بالا بردن آگاهی خلق بلوچ و پیوند بسا  
توده ها داشته و بنحو بازی ارجاع محلی، اسجا  
مولوی های مرتجع، خوانین مزدور، روشنگران خود  
فروخته و عوا مل منطقه ای رژیما افشا و رسوا کرده و  
برنا مسها و اهداف انقلابیون کمیسیست را در میان  
توده ها تبلیغ کرده است.

"انحازحمتکشان بلوچستان" در تمام منطقه  
فعالیت دارد و تا کنون علاوه بر نشربه "سردبلوچ" و  
اعلامیه های متعدد در زمینه های مختلف، توانسته است  
مواقع و نشربات سازمان پیکار را نیز تا دور دست نین  
نقاط بلوچستان به میان توده های ستمدیده ببرد و تا  
حدود زیادی خط سازمان را در میان زحمتکشان و  
کا رگران تبلیغ کند. علاوه بر این، "انحازحمتکشان  
بلوچستان" طی این مدت توانسته علیه برغم کمبودها و  
توا قعی، به فعالیت مستقیم در میان کارگران و زحمتکشان  
شهر و روستا بپردازد و تشکیلات خود را گسترش دهد.

"انحازحمتکشان بلوچستان" همچنین مبارزه ایدئولوژیکی  
لوژیک با انحرافات ریزیونیستی ... را به شدت در  
منطقه پیش برده و موفقیتها ی قابل ملاحظه ای در این  
زمینه داشته، بطوریکه در همین رابطه بخش خیلی مهمی  
از نیروهای صادق و رزمنده "بامشی استار" را به خود  
جذب نموده است (توضیح بیشتر این مسئله را به بعد  
موکول میکنیم.)

ما بیان کا مل فعالیت "انحازحمتکشان بلوچستان"  
را به جای دیگری موکول میکنیم و فقط این نکته را  
تذکر میدهم که تا ریخچه پیدایش "سازمان دمکرا سیک  
مردم بلوچستان" و "انحازحمتکشان بلوچستان" در  
"سردبلوچ" شما ره های ۱۹ تا ۲۳ درج شده است که پس  
از تکمیل، در اولین فرصت در سطح جنبش منتشر خواهد شد.

پیش بسوی ایحاد حزب طبه کا رگر  
برقرار باد جمهوری دمکرا سیک خلق  
انحازحمتکشان بلوچستان

شهریور ۵۹

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



# رزمندگان و مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی

خود را در پشت عدم "تحلیل واحد عمیق" می پوشاندند پس برای "روال منطقی" نتیجه خود را میگیرند. در نقد نظریات انحرافی این رفقا نظرها چیست؟

سنظر ما امروز در سطح جنبش کمونیستی بین المللی به همان میزان است که احتیاج به تحلیل دقیقتر مثلا از امپریالیسم آمریکا، ساخت شرکتی چند ملیتی و چگونگی عملکرد آن در عرصه جهانی وجود دارد. تحلیل دقیقتر از مناسبات درونی و بیرونی سوسیال امپریالیسم شوروی نیز یک نمایا زویک ضرورت است. ولی مطلب مهم اینجا است که آیا جنبش کمونیستی فاقد آن شناخت قابل اتکا از شوروی میباشند که نتوانند واقعیت آن را در استراتژی و تاکتیک خود ملحوظ دارند؟ در اینجا -

که رفقای رزمندگان دست به تحریف زده اند و انحراف رویزیونیستی خود را در پشت الفاظ میپوشاند. این رفقا از سوسیال امپریالیسم شوروی را به مثابه یک دستاورد مهم و قابل اتکا جنبش کمونیستی نمی بینند و جنبش کمونیستی را در برابر برپذیرش ایستادگی میباشند. اما انحرافی و راستروا نه قرار میدهند که گویا به علت فقدان تحلیل عمیق، واقعیت سوسیال امپریالیسم "اشاره" در تاکتیک و استراتژی پرولتاریا ندارد (!)

## واقعیت امپریالیستی شوروی

### واستراتژی پرولتاریا

هما نظریه که قبلا گفتیم با تبدیل شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی این کشور خود به بخش تفکیک ناپذیر از سیستم جهانی سرمایه داری تبدیل شده است. این کشور بطور ماهوی و ارگانیک به ساختمان عمومی امپریالیسم جهانی ملحق گشته و در راه منافع امپریالیستی و کسب سیادت جهانی به اعمال ستمگری ملی می پردازد و میکوشد تا هر چه پیشتر حلقه های جهانی را بزرگتر و خود کشنده تر کند. حال در برابر انقباض امپریالیستی استراتژی پرولتاریا برای جهانی چیست پرولتاریا برای جهانی چه وظایفی در قبال مبارزات مردمی دارد که تحت ستم امپریالیسم شوروی قرار دارند؟ سعی می کنیم مسئله را بیشتر توضیح دهیم: میدانیم که امپریالیسم روس با اتکا به "خواری تعاونی اقتصادی" (کومکون) و با کمک بورژوا - رویزیونیستهای اروپای شرقی، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان این کشورها را به شدت تحت استعمار قرار داده است و برای تحقق این منظور با توسل به نیروهای پیمان تجار و کارخانه "ورشو" به سرکوب شده های زحمتکش پرداخته است. حال آنکه طبقه کارگر این کشورها حق دارد علیه حاکمیت بورژوازی و علیه نفوذ و سلطه سوسیال امپریالیسم مبارزه برخیزد؟ اگر این امر حق مسلم کارگران است - که هست - وظایف کمونیستها در قبال این مبارزات چیست؟ آیا واقعیت نفوذ امپریالیستی شوروی در

انحراف منحصم وحدی رزمندگان شما را می آید؟ فقدان تحلیل عمیق یا انحراف رویزیونیستی، کدما می باشد؟ برونح اسد کدیون یک تحلیل روشن از تضاد های اساسی جهان کنونی، واقع طبقاتی و صف بندی انقلاب و فدا انقلاب نمیتوان استراتژی و تاکتیک سن المللی پرولتاریا را مشخص نمود. برونح است که بدون شناخت از سیستم جهانی امپریالیسم نمیتوان سیاست فدا امپریالیستی روشنی را جهت پیشبرد یک مبارزه انقلابی بین المللی مدون کرد. ولی در اینجا با فدا فزودا گرچه واقع کنونی بین المللی تحلیل دقیقتری می طلبد، اما این امر بدان معنا نیست که جنبش کمونیستی فاقد هرگونه تحلیل قابل اتکا می باشد. در یک برآیند عمومی صفا انقلاب از صف ضد انقلاب کاملا قابل تشخیص و تمایز است و بر همین پایه خط کشی روشنی بین دوستان و دشمنان بین المللی پرولتاریا وجود دارد. امروز دو سیستم جهانی یکی سوسیالیسم و دیگری امپریالیسم وجود دارند. در سیستم سوسیالیستی جنبشهای کارگری، جنبشهای آزادیبخش و کشورسوسیالیستی قرار دارند و در سیستم بین المللی سرمایه داری، امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم شوروی دیگر امپریالیستهای جهانی و کلیه طبقات مرتجع و حاکم کشورهای تحت سلطه جای میگیرند. سیستم امپریالیستی بر اساس ما هیت تجار و کارخانه خود به اتکا سرمایه و زور به ستمگری و غارتگری پرداخته و حلقه های باسارت خود را آورده است. امپریالیستها با تکیه بر ارتجاع محلی به استعمار روحشانه کارگران و دیگر زحمتکشان دست زده و برای تداوم این بهره گیری امپریالیستی مبارزات و انقلابات را به خون میکشاند اما در برابر سیاست سارت و بهره گیری امپریالیستی مبارزات طبقات فدا امپریالیست و بخصوص طبقه کارگر قرار دارند و استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی در راه رسیدن به سوسیالیسم، پیشبرد مبارزه قاطعانه علیه امپریالیسم میباشد. در برابر حاکمیت بورژوازی، استراتژی کمونیستها انقلاب پرولتاریا است و در برابر حاکمیت طبقات وابسته به امپریالیسم و سلطه امپریالیستی، استراتژی کمونیستها تحقق امر انقلاب دمکراتیک - فدا امپریالیستی و راه گشایی عمومی سوسیالیسم میباشد. در یک کلام استراتژی بین المللی پرولتاریا سرنگونی و نابودی سیستم امپریالیسم و برقراری سوسیالیسم ز راه انقلاب است.

حال با توجه به این پیش درآ مدبه مسئله مسود مشا جره و جوانب مختلف آن بپردازیم، اگر چه با مسخ به این مسئله در گفتار فوق نهنفته است. مسئله اساسی اینجا است که رفقای رزمندگان از آنجا که به واقعیت شوروی به مثابه یک قدرت امپریالیستی اعتقاد ندارند، بنا بر این معتقدند وجود شوروی کنونی در تاکتیک و استراتژی پرولتاریا "اشاره" نمیتواند داشته باشد. این رفقا در ابتدا انحراف رویزیونیستی

هما نظریه که قبلا نوشتم تزلزل رویزیونیستی رفقای رزمندگان نه تنها در بر خود به ما هیت امیر - با لیستی شوروی خود را ظاهر میسازد، بلکه همچنین در زمینه های دیگر و از جمله در زمینه مسائل استراتژی و تاکتیک بین المللی پرولتاریا خود را آشکارا مینماید در نظر اول چنین بنظر میرسد که رزمندگان فقط در مورد ساخت امپریالیستی شوروی دچار "ابهام" می باشند، ولی وقتی نظرات این رفقا را بدقت مورد مطالعه قرار میدهم، وقتی تزلزل رویزیونیستی آنان را به عرصه تحلیل و بررسی می کشانیم، وقتی انعکاسات این تزلزل را در زمینه های دیگر به نقد کمونیستی درمی آوریم، متوجه میگردیم که با یک انحراف بظا هر کوچک به کجا کشیده میشود، متوجه میشویم که تزلزل و انحراف ایدئولوژیک رویزیونیستی چگونه مواضع سیاسی را به انحراف کشانده و چگونه به بورژوازی خدمت می کند.

شبهه ما در مبارزه ایدئولوژیک، شبهه اپورتونیستی مح گیری نمی باشد. شبهه ما، شبهه کمونیستی در امر سترگ مبارزه ایدئولوژیک مارکسیستی - لنینیستی است. شبهه ای است که بهرحما نه بدون گذشت علیه هر گونه انحراف بورژوا - رویزیونیستی بمبارزه بسی - اما ن دست میزند. هرگز به مبارزه علیه انحرافات غیر پرولتاری نشاید بکشد. هر چند این انحرافات بظا هر کوچک و بی مقدار (!) باشند اما در عمق خود بیان یک خطر اساسی میتوانند باشند. رفیق استالین میگفت: "هرگز از چیز کوچک چشم نهوشید، چون از خوردن است که کلان بر می خیزد" قلب کمونیستها برای آرمان پرولتاریا، برای کمونیسم می طپد و هر خردی که به این آرمان خدش رساند و راه کمونیسم را به انحراف کشاند می بایست مورد بیرحمانه ترین مبارزات قرار گیرد و از این رومبیا شده که ما بسهم خود در پیاداری این کیزگی ایدئولوژی پرولتاریا و هموار نمودن وحدت راستین کمونیستهای ایران میکوشیم و هم از این رومبیا شده که ما "خرد" های رفقای رزمندگان را مورد نقد قرار می دهیم. در اینجا در پی آنیم تا نمونه دیگری از انحراف "کلان" این رفقا را در بر خود به سوسیال امپریالیسم شوروی نشان دهیم.

## فقدان تحلیل عمیق یا انحراف رویزیونیستی؟

"رزمندگان" میبوسید:

"در حال حاضر جنبش کمونیستی از تحلیل واحد و عمیقی که جنبه های اساسی و ماهوی ساختمان سوسیالیسم و انحراف و شکست آن در شوروی و چین را منعکس کند، بنحوی که بتواند در تاکتیکهای پرولتاریا و در استراتژی بین المللی و اثر جدی بگذارد برخوردار نیست و این بخودی خود هرگاه بهر جوری موشگافانه و اساسی با مسائل مزبور شود، به ما دهگراشی و گمنا تیسیم خطرناکی مبدل خواهد شد که رویزیونیسم آن بدرخواهد آمد". (شماره ۱ صفحه ۲ - تاکبدا زمانست)

چو هر کلام رفقا اینست که چون تحلیل واحد و عمیقی در مورد گذشته و حال شوروی وجود ندارد، بنا بر این این فقدان تحلیل "در تاکتیکهای پرولتاریا و در استراتژی بین المللی و اشاره" نمیتواند بگذارد. آیا واقعا چنین است؟ و یا مطلب فوق بیان میکند

# پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

این کشورها اشرفی در تعیین استراتژی و تاکتیک پرولتاریا نیکنند؟ مگر نه اینکه بورژوازی انحصاری در شوری در اتحاد با بورژوازی کشورهای اروپای شرقی، دشمن طبقه کارگران این کشورها میباشند و مگر نه اینکه طبقه کارگر تحت نظام طبقاتی موجود مورد ستیم و استثمار قرار گرفته است و مگر نه اینکه هدف استراتژیک طبقه کارگر سرنگونی بورژوازی حاکمی است که در اتحاد دنگا تنگ با بورژوازی شوری قرار دارد؟ حال آنکه طبقه کارگران این کشورها در تعیین تاکتیک و استراتژی خود نمی توانند مقام شوری را در جبهه ضد انقلاب روشن نمایند؟ رفقای رزمندگان به این پرسش ها با بدیا سخ گویند.

امروز افغانستان مورد تجاوز نظامی و امپریالیستی شوری قرار گرفته است و رویزبونیستهای شوری با اتکا به ما "نوردور" "ببرک کارمل" نه تنها به غارت منابع این کشور دست زده بلکه همچنین خلق افشار را مورد شدیدترین سرکوب و ستیم قرار داده است. حال برپایه این واقعیت عریان نمیتوان استراتژی و تاکتیک کمونیستی را مشخص نمود و در این ارتباط مقام سوسیال امپریالیسم شوری را معین کرد؟ (۱) آیا تحت پوشش فقدان "تحلیل عمیق" از ماهیت شوری، میتوان از جای دادن شوری در صف دشمنان خلق و طبقه کارگران خودداری ورزید؟

در حال حاضر طبقه کارگر و زحمتکشان هندی نه تنها زیر ستیم و استثمار بورژوازی حاکم بر میهن بلک که همچنین تحت فشار سیاسی - اقتصادی شوری نیز قرار دارند. بعنوان نمونه سوسیال امپریالیسم شوری تا اواخر ۱۹۷۱ بمبلغ ۱۰۳۱۲۵۰۰۰۰۰ روپیه به هندو امداد داده است و از این راه میلیونها روپیه که حاصل دسترنج زحمتکشان است سفارت برده است. هم اکنون بخش مهمی از اقتصاد سرما به داری هندو بطور مشخص بنگاههای تولیدی این کشور تحت کنترل سرمایه انحصاری شوری قرار دارد. بنحوی که ۸۰٪ تولیدات ماشین، ۶۰٪ تاسیسات برقی، ۳۵٪ پالایش نفت، ۳۰٪ صنایع فولاد، ۲۰٪ انرژی برقی تحت کنترل سرمایه های رویزبونیستهای شوری قرار گرفته است (۲). علاوه بر رژیم مرتجع هند بمقتباس وسیعی از راههای نظامی، تسلیحاتی خود را از روسها تا مین میکند و با همیسن آنها کارگران و زحمتکشان هندی را مورد ستیم و سرکوب قرار میدهد. حال آیا واقعیت امپریالیستی شوری در هند تا شناخته شده میباشند و واقعیت شوری در تعیین استراتژی و تاکتیک کمونیستهای "اشرفی" "بجانمیگزارد" در ردیاست انحرافی و راستروانه و رفقای استراتژی و تاکتیک پرولتاریا بحساب نمی آورده، مسئله مورد مشاجره را در برنده دیگری مورد مطالعه قرار میدیم؛ جایگا و نقش جهانی امپریالیسم شوری در دنیای کنونی چگونه قابل ارزیابی میباشند؟ بنظر ما در شرایط حاضر، جهان امپریالیستی به دو قطب

اساسی تقسیم میشود. اگر در رأس یکی از این دو قطب امپریالیسم جهانی آمریکا قرار دارد، در رأس قطب امپریالیستی دیگر سوسیال امپریالیسم شوری جای گرفته است. واقعیت اینست که هر یک از این دو امپریالیسم قدرتمند، نقش برجسته و مهمی در حیات هر یک از دو قطب اساسی و نظام جهان امپریالیستی ایفا می نمایند و علاوه بر هر یک از این دو قدرت امپریالیستی

اشیویی، هند، ... بخشی از رزمیتهای جهان را به خود اختصاص داده و مناطقی مهمی از کره ارض را به حیطه نفوذ خود تبدیل کرده است. تمامی موارد فوق نه تنها مظاهر و نشانه های ماهیت امپریالیستی دولت و اقتصاد شوری میباشند بلکه علاوه بر این سیاست استعماری و امپریالیستی شوری و عمق ستیمگری ملی از جانب این قدرت

- مطلب مهم اینجاست که آیا جنبش کمونیستی فاقد آن شناخت قابل اتکا از شوری می باشد که نتواند واقعیت آن را در استراتژی و تاکتیک خود ملحوظ دارد؟
- رفقای رزمندگان از نفعی این مسئله که شوری به مثابه یک قدرت امپریالیستی است، به نفعی واقعیت شوری به مثابه بخشی از جهان امپریالیستی رسیده و از آنجابه نفعی اشرفی و واقعیت سوسیالیسم امپریالیسم روس در استراتژی و تاکتیک پرولتاریا کشیده می شوند.
- آری سوسیال امپریالیسم شوری نه در جبهه انقلاب بلکه به مثابه یکی از دشمنان امپریالیستی در جبهه ضد انقلاب قرار دارد و پرولتاریا نمی تواند این واقعیت عریان را کتمان نماید. اینست تنها سیاست کمونیستی.

تجاوزگر نشان میدهند. این مسائل بروشنی نشان میدهند که شوری بنحوی خود نقش برجسته ای در حفظ نظام امپریالیسم جهانی و سیستم ستیمگری ایفا میکند. سوسیال امپریالیسم شوری اگر چه جهت داشتن سهم بیشتر از غارت جهان و کسب هژمونی جهان با دیگر امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا بر قیاس می بردارد، اما برای حفظ نظام جهانی سرمایه به سایر دیگر جهانها را، نه تنها در استراتژیک داشته و به همیسن لحاظ در برابر جنبشهای واقعا انقلابی و آزادیبخش و انقلابات پرولتری راستین با امپریالیستهای دیگر سازش میکند. البته امپریالیسم شوری با ما سک سوسیالیستی خود میگوید تا جنبشهای آزادیبخش را به انحراف گشاید و آنها را مطیع سیاستهای استعماری - گرا خود سازد و حرکت آنها را در جهت تا مین منافع استیلاجویانه خود قرار دهد. طبیعا در چنین حالتی یعنی زما شبکه رهبران جنبش به انحراف کشیده شوند و رهبری جنبش در خدمت شوری امپریالیستی به حرکت درآید، دیگر جنبش جنبشهای قابل حمایت نمی باشند. آن جنبشهای قابل پشتیبانی کمونیستها میباشند که امپریالیسم جهانی را تضعیف کرده و آنرا بسمت تلاشی هر چه بیشتر سوق دهد، بقول رفیق استالین:

"انقلابی بودن حتمی اکثریت جنگت جنبشهای ملی همانقدر نسبی و دارای اشکال بخصوصی است که احتمال ارتجایی بودن برخی از جنبشها را جداگانه ملی نسبی و دارای شکلهای بخصوصی می باشد".

او اضافه میکند که جنبشهای واقعا انقلابی است که:

"امپریالیسم را ضعیف و قوایش را تجزیه کرده و آن را از ریشه متزلزل سازد" (اصول لنینیسم)

بدین ترتیب جنبشهایی که به انقیاد سیاست شوری و نوکران آن درآید، اگر چه ممکن است به منافع یک کشور امپریالیستی معین ضربه بزنند، ولی در مجموع به نظام جهانی امپریالیسم ضربه نخواهد زد و به همیسن لحاظ قابل پشتیبانی نمی باشد.

بهر حال شوری میگوید جنبشها را در جهت منافع خود به انحراف گشاید، ولی آنجا که جنبشها در برابر امپریالیستها و از جمله شوری استوار باشد و مقاومت ورزد، آنجا که شوری در تنبانی با دیگر امپریالیستها برای مرگ و نابودی آن جنبش همت می ورزد.

بطور خلاصه با بدگفت که جایگا شوری در جهان امپریالیستی قرار داشته و شوری به ما را یکی

نقش برجسته ای در استثمار و غارت و سرکوب کارگران و خلقهای جهان بازی میکنند. از آنجا که مورد بحث ما در اینجا نقش سوسیال امپریالیسم شوری است، بنا بر این بطور مختصر بدین امر اشاره می کنیم تا بتوانیم نتایج سیاسی خویش را استخراج نماییم.

سوسیال امپریالیسم شوری بنا به ما هر وقت امپریالیستی خود به صدور سرمایه دست زده و بطور مستقیم در استثمار و غارت زحمتکشان دیگر کشورها مشارکت می نماید. بعنوان نمونه فقط تا سال ۱۹۷۲، شوری تحت پوشش عوام فریبانه "کمک اقتصادی" بمبلغ ۱۰ میلیارد دلار در اروپای شرقی سرمایه گذاری کرده است و تا حال حاضر در بیش از ۱۴۰ واحد تولیدی این کشورها سرمایه گذاری کرده و آنهارا تحت کنترل خود قرار داده است. شوری علاوه بر کشورهای فوق، در سایرین نقاط جهان نیز سرمایه گذاری امپریالیستی پرداخته و سودهای کلانی را به خود اختصاص میدهد. در این مورد با بدگفت که فقط تا سال ۱۹۷۱، رویزبونیستهای روسی در ۳۵ بنگاه تولیدی در آسیا، آفریقا و آمریکا و لاتین چنگالهای خود را فرو کرده اند و پرواضح است که طی سالهای اخیر این میزان از نفوذ اقتصادی به مراتب افزایش عیبت انگیزی پسندیده کرده است (۳). در زمینه تسلیحاتی نیز شوری بلحاظ ماهیت امپریالیستی خود بسیار فعال است. رفا به است با امپریالیسم آمریکا جهت کسب سیادت جهانی، سرکوب جنبشها و انقلابات و در دسترس قرار دادن فروش اسلحه به رویزبونیستهای (۴)، سوسیال امپریالیسم شوری را و امیدار دتا همانند امپریالیستهای دیگر به صدور اسلحه دست زده و از این طریق سودهای هنگفتی را به جیب آورده.

- (۱) - روشن است که جزو دشمنان خلق افغانان امپریالیسم آمریکا، ما پرا امپریالیستهای غرب ارتجاع محلی (نشود آنها و...) نیز وجود دارند.
- (۲) - منبع آمار: رساله مقدمه ای درباره امپریالیسم بهمن به آخرین مرحله سرمایه داری "چاپ چین ۱۹۷۶". همین آمار در مجله "آلبانی امروز" مه - ژوئن ۱۹۷۲، نیز آمده است. ما خلاصی این آمار روزنامه های شوری می باشد.
- (۳) - منبع آمار همانجا.
- (۴) - دولت امپریالیستی شوری در سال ۱۹۶۸ بمبلغ ۱۱۰ میلیون دلار به رویزبونیستها اسلحه فروخت. بر این پایه تا وجهه های ارتش شاه به موشکهای سبک شافت شوری مجهز شد و در حال حاضر ارتش دارای زره پوش های حمل و نقل از نوع BTR-۱۵۲ و فدهاوشی ۵۷mm و ۵۸mm ساخت شوری می باشد.

## رفقای دکه دار نشریات انقلابی!

### رزمندان پایداری! عزتمندان استوار! و پایداریتان آهنین باد!

رفقا! مدتی است که با سازمان حزب جمهوری اسلامی بدستال حمله هیئت حاکمه به کردستان، کشتار در استانگانه و بستن دانشگاهها و دفاتر نشریاتی سیاسی و توقیف نشریات و دستگیری، حبس و حتی ترور و مداخله‌های رفقای دکه‌داری و فروش نشریات و اعلامیه‌ها شرکت دارند، حملات سازمان بافته‌ای را به بساط‌های کتب و نشریاتی سروهای انقلابی در مناطق مختلف آغاز کرده‌اند. تا آخرین امکانات فعالیت علنی ما و دیگر سروهای انقلابی را از چنگمان درآورند! چرا که اگر رجوع مرگ خویش را در آگاه می‌تواند ما می‌باید و بساط‌های کوچک شما آگاه می‌بخش و روشن‌گردان شده‌ها است.

آری رفقا! و با نشان مسلح به چاقو، معره، زنجیر، پنجه یکسری و حتی اسلحه گرم با حمایت پاداران سرمایه مرتب به این دکه‌ها و بساط‌های آگاه می‌بخش و شده‌ها حمله می‌کند، پیوسرها و سونجات دیواری را با نیمه‌های چاقو می‌درید، کتک‌ها و جزوات را لگدمال می‌کنند، حتی کتک‌ها را هم می‌اندازند و جوشال و خندان به نماندای اعمال سنگین خویش می‌ایستند، رفقای ما را بهمراه سروهای انقلابی کتک می‌زنند، با چاقو و معوه... به آنها حمله کرده، آنها را زخمی می‌کنند و حتی بسوی آنان شیر اندازی می‌کنند (ما نند حمله پاداران به بساط داران بلوار کتک‌ها و در نتیجه آن یکی از رفقا مورد اصابت گلوله قرار گرفت) آنها حتی به مردمی که از آنان می‌پرسند، چرا چنین اعمال سنگینی را انجام می‌دهید، با فحش و ناسزا و کتک جواب می‌گویند!

اما چه بپسندید می‌بندارند این مرتجعین، ما کمونیستها را از مرگ باکی نیست! ما با ایمان بسه پیروزی آرمان سرخمان لحظه‌ای اروپای نخواهیم شست، و در این راه با توده‌های زحمتکش، همراه و همپا خواهیم جنگید! اگر انرجاع با جشن آتش‌سوزان کتک‌ها و حرواها ما، زهر خند بر چهره‌هاش جاری میشود، ما

با دیدن کسری حمایت بوده‌ها از بساط‌ها ایمان، ارسوسه‌ها ایمان و ارفعا لبها ایمان، بسیم‌نا دی‌بخش‌مر چهره‌ها ایمان بخش می‌بندد چرا که پیروزی خویش و مرگ مرتجعین را بر دستگیری بسیم! چرا که گسترش حمایت پرشور بوده‌ها را از انقلابیون با شور و شوق تمام می‌بسیم و این ایمان به پیروی لایزال و امیدبخش بوده‌ها است که با تمامی مشکلات و سختیها، شکنجه‌ها، حبس‌ها و اعدام‌ها، نه تنها ذره‌ای تزلزل و تردید در راه ما ندارد، ایخاد می‌کند، بلکه با سربازان افراشته، با افتخار تمام، استوار و شرو محکم‌تر پیش از پیش در راه آزمانه‌های انقلابی ما گام بر می‌داریم و بدین ترتیب شیرانانی که می‌کوشند با جشن کتک‌سوزان ما نام‌مبدل زحمتکشان انقلابیون و کمونیستها بنشانند را به سنگ می‌نشانیم آری اینچنین ایستاد و وفادارمانا نه در برابر حملات و حشایه مرتجعین پایداری می‌کنیم و امکانات فعالیت علنی را که از جمله دستاوردهای قیام مشکوهند ما ست و با خون دهها هزار شهید آنرا بدست آورده‌ایم، نه تنها از دست نمی‌دهیم، بلکه به پیش می‌رویم و آنچه را هم که از ما با زنا نندند، با جنگ و دندان پس می‌گیریم و پادارایش می‌کنیم تا نفوس مرگ مرتجعین را به صدا درآوریم!

رفقا! حمله‌ها، زخمها، کتک‌ها، حبس‌ها و شکنجه‌ها را تحمل می‌کنیم و آبدیده می‌شویم، اما لحظه‌ای از پایداری نمی‌نشینیم، از پایداری می‌افزاییم، اما با زیرسی خیزیم سرگوبمان می‌کنند، دوباره شروع می‌کنیم و از خون جاری شده‌ها شهید و زخمی پرچمان را سرخ‌تر می‌کنیم، آری ما را جز این راهی نیست، اینرا کلیه دشمنان خلق با بد بداند! با گسترش بساط‌های کتب و نشریاتی، با تشدید تبلیغات و افشاگری، با مقاومت متحدانه زهرچیدن بساط‌های کتب و نشریاتی جلوگیری نموده و فعالیت است آگاه می‌بخش و خویش را فزون‌تر کنیم!

## مردم همراهان انحلال حزب جمهوری اسلامی شدند

۱- فرستادن نامه‌بنده‌ای از طرف دولت برای مذاکره لازم به تذکرات که رئیس بیدادگاه شهردانشجوی جوانی است که جز آدمکشی و اعدام‌های بی‌رویه هنر دیگری ندارد، و از جمله‌های عامل اعدام چندین نفر از کردهای زندانی است.

شورای شهر مراغه، زیر فشار مردمنا چار از پذیرش دو حواست از خواستهای چهارگانه مردم شهر شده است. اینکته نظرات مردم مراغه علیه رژیم است که با خود، زیرلوا می‌حماست از بنی مدرصورت گرفت همداری است به انقلابیون و بی‌پروژه‌ها رژیم مراغه که هرچس به‌بگیر ترسرت یگان نه‌بنی مدرصورت حزب جمهوری اسلامی را در بین توده‌ها تبلیغ کنند و مانع از آن شوند که رهبری اینگونه مقاومت‌های توده‌ای بدست بنی صدها بیافتد.

روز چهارشنبه ۵۹/۶/۱۹ مردم مبارز مراغه که از رورکوشی وستم حکام محلی از جمله بیدادگاه انقلاب و کمیته‌ها به تنگ آمده بودند به خیا با آنها ریخته و بسا شعارهای "مرگ بر پهبشتی"، "مرگ بر رفسنجانی"، "مرگ بر آیت"، "حزب جمهوری اسلامی منحل باید گسرد" مخالفت خود را با ارتجاع ابراز نمودند، این حرکت که زیرلوا می‌حماست از بنی مدرصورت گرفت، عمدنا بیدادگاه انقلاب و کمیته‌های اسلامی را هدف قرار داده بود، بدستال این نظرات مردم در مخالفت شهر متحن شده و حواستهای خود را بدین شرح اعلام نمودند:

- ۱- انحلال حزب جمهوری اسلامی
- ۲- استعفای رئیس دادگاه انقلاب
- ۳- انحلال کمیته‌ها

## ملاحظات کوتاه

### چلچله‌های بهار فردا

وفسی جوانان پرشور و انقلابی و کمونیست را از دهن و پیرمی بسی که علیه عخطرات، دسا مفا، بار-داشنها، شکنجه‌ها و اعدام‌ها همچون گل‌فروشان بسیاری دان را از گل‌های آگاه می‌باشند، نشریات انقلابی و کمونیستی آنها شده و بر سرگذرها، چراغ آگاهی شوم‌ها را بهشتا روی توده‌ها افروخته‌اند و ندای آزادی طبقه کارگر و فریاد دنا بودی امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته را ملامت میدهند "پیکار" و "۱۳ آبان" و دیگر نشریات انقلابی را به درون خانه‌ها و کوچه‌ها و برزنها میرسانند، چرا که ای ننداری جز آنکه بر این نیمه‌نیسور انقلابی درون خلق آفرین بکوشی و به آبدیده در حشای زحمتکشان که روز بروز در راه مبارزه با کابهای استوارتر و با چشم‌ها زتر راه می‌سپرنند امیدوارترشوی.

ای بهایم آوران آگاه می‌ای چلچله‌های بهایم جمهوری دمکراتیک خلق! و ای رهروان پرشور و انقلاب و کمونیسم! عزتمندان، رزمندگان پایداری و پیوندتان با توده‌ها مسخکمان!

## چنگ از گن به ریسگاری بسین

همزمان با حوادث لهستان، فیلمی از تلویزیون جمهوری اسلامی نشان دادند نام "کارگران حکومتی علیه حکومت کارگری". آنچه دست اندرکاران هنرمندی رژیم با این فیلم تبلیغ کردند جز دشمنان و رمزخرفسات مطبوعات جهان سرمایه‌داری علیه کمونیسم و کمونیستها نبود: آنها زیرلوا می‌ضدیت با شوروی به ضدیت با کمونیسم پرداختند، حکومت پوسیده و ضد کارگری روپز - یونیستها در لهستان و دیگر کشورهای امپریالیسم کردند. آنها بر اساس این مقدمات غلط به نتایج غلط تری رسیدند، و آنرا فاشات سنگین روپز یونیستها را سرنوشته کمونیسم جا زدند، در جوامع تحت سلطه روپز - یونیستها، از کمونیسم چرا که لیدی بی‌جان نشاندند و توهمات آبدیده‌ایستی مجال نوموعدیا افشا کردند.

این قبل از هرچیز لرزه‌نگی بردار من روپز یونیستها است این توهمات آبدیده‌ایستی در درون طبقه کارگر بهمان آمده لهستان نیز بصورت دادخواهی و توسل به دادمان پاپ خود را نشان داد. حالا از این افتضاح روپز یونیسم، کما سی "ما می‌مقصود صدم می‌کنند و در پی انبساط افکار می‌شوند که ما لیا در راست علم و مبارزه طبقه‌ای "وفات" تاریخی آنها را اعلام کرده است فیلم نتیجه‌گیری می‌کند که آنچه تریاک توده‌ها نامیده می‌شد، "تجارت" زآب در آمده است، اما باید گفت مدافعان طبقات ارتجاعی و اندیشه‌های کهن، بی‌پروژه خود را حسته می‌کنند، ما رگسیم در مبارزه با آیدالیسم و کلیه ایدئولوژیهای بورژواشی منجمله روپز یونیسم هر روز آبدیده‌تر میشود.

پنجمه در صفحه ۱۸

## تاقامین کار برای دکه داران، داشتن دکه‌ها حق مسلم آنان است

بقیه از صفحه ۱

پیرامون . . .

های جنگ افروزان دولتهاى ارتجاعى ایران و عراق  
میکردند. در دوره حاکمیت رژیم واپسته به امپریالیسم  
ناهنر با رها شدن درگیریهای مرزی بین ارتش آمریکا و  
ناهنر با فاشیستهای بعث عراق بودیم. حال با توجه به  
ویژگیهای موقعیت کنونی منطقه بعد از سقوط رژیم  
ناهنر، توطئه های امپریالیسم آمریکا برای ایجاد کانون  
جنگ و گسترش ویرمینی اهدا فذخلقی رژیم فاشیستی  
جمهوری اسلامی و بعث عراق، با ردیگرانش این جنگ  
شعله ور گشته است که در اثر آن فقط و فقط خلقهای  
زحمتکش دو کشور ایران و عراق آسیب می بینند. اما  
ببینیم ما هیت جنگ بین دولتهاى ارتجاعى ایران و  
عراق چیست و آنها از اذامه این جنگ چه اهدافى را  
دنبال میکنند؟

توطئه های امپریالیسم آمریکا

برای ایجاد و گسترش جنگ

دنبال سقوط رژیم واپسته شاه و ضربات سنگینی  
که چهای میهن ما به امپریالیسم در ایران وارد ساختند  
موج نویینی از خیزش انقلابی در سراسر منطقه بوجود  
آورد. بعد از آنکه کانون دربرخی از کشورهاى خاور-  
میان به زحمتکش ایران، عراق و...، مبارزات زحمتکش  
(که رژیم جمهوری اسلامی بدو روغ آنها را فقط جنبش  
شعبان "قلعده" می کند) بر علیه رژیمهای دیکتاتور و  
واپسته گسترش بیشتری یافته و اوج میگردد. مبارزات  
انقلابی خلقهای منطقه نمی توانست امپریالیسم  
آمریکا را نگران نماند. و بر همین اساس تبدیل خاور  
- میان به کانون "جنگ و گشتاریکی از اذامه های است  
که امپریالیسم آمریکا برای رسیدن به آن به توطئه ها  
و تحریکات داد. مباداری دست زده است. این توطئه ها،  
در ایران نه رژیم جمهوری اسلامی بلکه اساساً جنبش  
عمیقاً ضد امپریالیستی خلقهای اسلامی ما را هدف قرار  
داده است. جنگ بین دو دولت عراق و ایران نیز بخشی  
از نقشه های امپریالیسم آمریکا است که از طریق تقویت  
رژیم عراق توسط رژیمهای ارتجاعی و واپسته سیس  
امپریالیسم مانند مصر و عربستان با برنا مریزی  
آمریکا و حمایت تسلیحاتی امپریالیستهای اروپا و  
آسیا، ایالتی از عراق، انجام میگردد. از آنجا که  
رژیم جمهوری اسلامی علی رغم کوشش در جهت حفظ و ترمیم  
واپستگی رژیمی کارگزار و حلقه بگوش امپریالیسم  
آمریکا نیست لذا بعلمت نا توانی اش در سرکوب جنبش  
دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقها از یک سو و اشر  
برخی تضادهای جانیسی با آمریکا - که رژیم این تضادها  
را در جهت فریب و سرکوب توده ها بکار میگیرد. از سوی  
دیگر مورد خونا بسند امپریالیسم آمریکا نیست و بهمین  
حاطراً آمریکا برای سرکوب و حشانه خلقهای ایران و  
تبدیل بلا شرط ایران به پایگاه سیاسى - نظامی  
برای خود، لازم دارد که رژیمی کاملاً مزدور در ایران  
ببرسکار آید تا از جهت منافع او را بر آورده سازد.  
بر همین پایه امپریالیسم آمریکا علاوه بر طرح کودتا -  
های امپریالیستی و اقدام به مذاکره با سردسداران  
رژیم جمهوری اسلامی در پی ایجاد غشاش و گشتاراز  
بمب گذاری در شهرهای مختلف گرفته تا اذامه من زدن به  
جنگهای مرزی بین ایران و عراق می باشد. تا از این  
طریق بتواند نقشه های امپریالیستی خود را در ایران  
به مرحله اجرا در آورد. این همان هدفی است که رژیم  
بعث عراق، در جهت تحقق بخشیدن بدان، زحمتکشان مرز  
- نشین ما را بمباران کرده و به توب می بندد.

رژیم فاشیستی بعث عراق

از اذامه جنگ چه هدفی دارد؟

علاوه بر توطئه های امپریالیسم آمریکا در اذامه من  
زدن به جنگ بین دولتهاى ایران و عراق رژیم  
فاشیستی بعث عراق به اقتضای تما یلات شوینستی  
و ارتجاعی خود بر اذامه و تشدید این جنگ مصرا نه پای  
میباشد. رژیم بعث بر اساس همین سیاست با تحریکات  
خود در جنوب ایران میخواد همبنا زرات ملی - طبقه  
زحمتکش خلق عرب بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را  
در جهت اهدا فذخلقی و تحریکات با بکشانند. جلوه های با رز  
این سیاست در فریب دادن و اذامه رشمودن برخی از  
عنا صر فریب خورده و مستمیده خلق عرب به بمب گذاری  
در اواز، آبادان و خرمشهر و دیگر شهرهای جنوب، تحت  
عنوان حمایت از مبارزه خلق عرب بر علیه جمهوری  
اسلامی، ماثا هده میشود.

از طرف دیگر همانطور که در پیش گفتیم، جنبش  
خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع موجب  
رشد و گسترش مبارزات خلقهای منطقه از جمله عراق بر  
علیه رژیمهای ارتجاعی و واپسته گردیده است. بورژوازی  
و ازی حاکم در عراق در جهت به انحرا فکشانیدن افکار  
عمومی زحمتکش عراق در مورد جنبش ضد امپریالیستی  
و جلوگیری از سرایت آتش مبارزات انقلابی توده های  
زحمتکش ایران به عراق علاوه بر جنگ و گشتار زحمتکشان  
میهن ما، به تبلیغات و وسیعی ظاهر بر علیه رژیم بعث -  
خلقهای حاکم بر ایران و در برابن بر علیه انقلاب و خلقهای  
ایران دست زده اند. تا از این طریق مبارزات انقلابی  
خلقهای میهن ما را که، مبارزه ای است با ارتجاع،  
حاکم و در خدمت مبارزات ضد امپریالیستی، از جوهر  
ضد امپریالیستی آن خالی نموده و چنین وانمود سازند  
که از جنبش خلقهای ایران بر علیه "ارتجاع حاکم"  
جما بیت میکند. حال آنکه بورژوازی زحمتکشان میهن ما روشن  
است که هم رژیم جمهوری اسلامی و هم رژیم بعث هر دو به  
طریق خاص خویش در جهت اهدا فذخلقی امپریالیسم و در جهت  
سرکوب خلقهای دو کشور کاملاً مبر میدارند.

سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی در جنگ با عراق

رژیم جمهوری اسلامی با مستمک قرار دادن جنگ  
با عراق، در پی آن است که افکار توده های زحمتکش ما  
را از اساسی ترین خواستهای سیاسی - اقتصادی و ضد  
امپریالیستی شان به انحرا فکشانیده و با بسیج  
توده های نا آگاه و حول شعار جنگ با عراق سرکوب و  
گشتار خلقهای تحت ستم و نیروهای انقلابی و زحمتکشان  
آگاه میهن ما را با بنحو گسترده تری انجام دهد. تبلیغات  
دا منده اری که رژیم در زمینه حملات فاشیستی بمشبه  
ایرانها نذاخته مبین این امر است که جمهوری اسلامی  
خواهان پایان بخشیدن به جنگ و جلوگیری از گشتار  
زحمتکشان مرزنشین میهن ما نیست. از آنجا که پس  
رژیم نه میخواد هودنه میتوانند به خواستهای زحمتکشان  
میهن ما پاسخ گوید و حتی برای جلوگیری از رشد و  
گسترش مبارزات خلقها و زحمتکشان آنها را مسورد  
و حشانه نه ترین سرکوبها و گشتارها قرار میدهد. این  
رژیم میخواد هودنا من زدن به احساسات شوینستی  
توده ها و تحریک آنها حول این که رژیم بعث "شعبان  
عراق" را قتل عام میکند توده ها را برای تحقق اهدا فذخلقی  
خود که همانا سرکوب انقلاب است بسیج کند.  
اما این یک جنبه قضیه است. رژیم برای شدت بخشیدن  
به گشتار خلق قهرمان کرد و سرکوب کامل جنبش مقاومت  
خلق کرد. جنگ با عراق را به انفراده و کما کان  
به سرکوب خلق زحمتکش کرد اما هده میدهد. این عملکرد

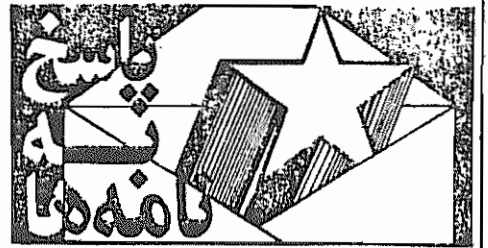
فذخلقی رژیم در مرحله کنونی اذامه همان سیاست ضد  
مردمی محاصره کردن استان از طریق نقل و انقالات نظامی  
تحت عنوان دروغین جنگ با عراق در نواحی مرزی  
کردستان میباشد. جنگ با عراق موقعیت مناسب دیگری  
برای رژیم در جهت تقویت و تحکیم درونی ارتش پوسیده  
آریا مهری بوجود آورده است. رژیم با تحریک احساسات  
سربازان و درجه داران و افسران جزء، آنها را به مرزها  
گسیل میدارد. از طرف دیگر با به انفراده "جنگ  
با دشمن خارجی" میکوشد هرگونه پدای اعتراض و حق -  
طلبانه پرسنل مبارز و انقلابی ارتش را بر علیه سیستم  
پوسیده و فذخلقی ارتش و جناحی که توسط آن انجام  
میگیرد، در گلو خفه کند.

موضع ما در قبال جنگ بین ایران و عراق

جنگی که هم اکنون در مرز ایران و عراق جریان  
دارد جنگی است بین دولتهاى ارتجاعی و فذخلقی  
دو کشور و جنگی بر ضد خلقهای زحمتکش ایران و عراق  
اذا ماین جنگ بهیچوجه و تحت هیچ شرایطی مسورد  
حمایت طبقه کارگر و توده های زحمتکش و نیروهای  
انقلابی نمیتوانند قرار بگیرد چرا که هر دو رژیم آن را در  
خدمت سرکوب طبقه کارگر و گشتار خلقها و توده های  
زحمتکش دو کشور که جزینج امپریالیسم آمریکا نیست  
بکار گرفته اند. از یک سو رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب  
خلقهای تحت ستم، با گشتار زحمتکشان و نیروهای  
انقلابی بویژه کمونیستها، با حفظ و ترمیم پایه گساره  
امپریالیسم یعنی سرمایه داری واپسته، و از سوی دیگر  
رژیم فذخلقی بعث عراق با گشتار و سرکوب خلقهای  
عراق و زحمتکشان مرزنشین میهن ما بوسیله سلاحهای  
سویا ل امپریالیسم شوروی و دیگر امپریالیستها و با  
به اذامه کردن توطئه های جنگ افروزان و جناحی که را نه  
از قبیل بمب گذاری در جنوب و حملات نظامی به مرز -  
های ایران، هر دو رژیم دست در دست هم میزنند و  
خلقهای ایران و عراق را عمل میکنند.

فاشیستهای بعث عراق که هموارات قتل عام  
زحمتکشان مرزنشین میهن ما، با عریبه های و قبیحه های  
و فریبکارانه خود در "راد یوبنداد" و امین برابن اصلاح  
حمایت از خلقها و زحمتکشان ایران در مقابل گشتار  
رژیم جمهوری اسلامی، نمیتوانند دوست و یار خلقهای  
ایران بآشند. رژیم جمهوری اسلامی نیز که زبرلسوازی  
"مدور انقلاب اسلامی" بر اذامه جنگ تا کیددا و دوا نرا  
پوششی برای سرکوب مبارزات انقلابی خلقها و زحمتکشان  
و نیروهای انقلابی قرار داده است نمیتواند مسورد  
حمایت طبقه کارگر و نیروهای انقلابی قرار بگیرد طبقه  
کارگر و کمونیستها وظیفه دارند ما هیت این جنگ و  
اهداف امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ایران و عراق  
را از اذامه آن برای توده های زحمتکش افشا کرده و آن  
را محکوم نمایند.

ما به همراه توده های زحمتکش آگاه و به همراه تمام  
نیروهای انقلابی ضمن محکوم نمودن حملات نظامی و  
عملیات جناحی که از رژیم عراق و ضمن افشا و محکوم  
کردن سیاستهای فریبکارانه هیت حاکمه ایران، در  
این زمینه، اذامه ماین جنگ را بر ضد خلقهای ایران و  
عراق از پای می کنیم. تردیدی نیست برای مقابله  
با تحا و زرات دولت فذخلقی عراق، برای دفاع از  
انقلاب و خلقهای میهن خود، بدون ذروای حمایت از  
رژیم فذخلقی جمهوری اسلامی با بهای طبقه کارگر و  
زحمتکشان ایران و بر بر ستر همبستگی خلقهای ایران  
با زحمتکشان عراق، در مقابل تحا و زرات عراق خواهیم  
ایستاد.



رفقا قبل از پاسخ بهنا ما را از است تذکری راکه  
تعبیر نیز در همین صحنه مذکور شده ایم تذکر کنیم، ما به  
... ها نمی‌کنیم ما میرسد و نوع می باشد، ما می‌باشیم که  
عمومیت دارد و مورد سؤال است، استفا دو پیشنها دبیرانی  
از رفقا است. و ما می‌باشیم که اینطور نیست و بیشتر جنبه  
خاص دارد. سیاست ما این است که به ما می‌باشیم عام  
پاسخ سیاسی مشروح و به پیشنها جواب کوتاه داده شود. و  
در مورد برخی از ما می‌باشیم که اینها را به ما می‌باشیم  
اگرچه می‌کنیم. ولی هما طور که گفته ایم پاسخ کوتاه  
و با جواب ندادن به ما می‌باشیم که شما به پیشنها چه می‌باشیم کم  
توجهی به این قبیل نامه‌ها نیست. چرا که این نامه‌ها  
هر چند خاص و محرمانه است اما اصلی‌ترین وسیله ارتباط  
مسئیم ما با پیکار است و ما را در جریان استفا داد و  
پیشنها داد و ولو کوچک شما می‌گذارد و این لحاظ دارای  
اهمیت بسیاری می‌باشد.

مسئله دیگر این است که ما به برخی سئوال و  
استفا داد و... بدلیل مختلف از جمله: در دستور بودن  
بر خود مشروح به موضوع مربوطه، در حال بررسی و  
تدفیق موضوع مربوطه... فی الحقیقت نمیتوانیم  
با پاسخ دهیم و رفقا این مسئله را با بی‌تکی شکلیاتسی  
تلقی کرده و منظر موضع گیری ما در چنین مواردی  
با سدا. البته ما چنین مواردی را منحصر خواهیم کرد.

رفیق سرباز و من:

ما به پیشنها شما رسیده از آنکه در شرایط سخت پادگان  
بحال آزادی ما می‌باشیم که طبقه کارگر و اهداف ما در راه  
آزادی طبقه کارگر و تماشای خلفهای ایران، مبارزه  
می‌کنیم، بدست سرباز می‌کشیم و دست شما را می‌بندیم!  
در مورد پیشنها دانشی که در رابطه با جنبش کارگری،  
رهنمود مطالبات و رهنمودهای مخفی کاری و غیره  
داشته ایم، با سجد به تحولاتی که هم‌اکنون در پیش از کنگره  
در نشریه پیکار وجود دارد و در پیوند درج آنها را عملی  
خواهیم کرد، تا شما می‌باشیم که مثل توبه ایمن  
رهنمودها نیاردا رند، بهتوانند برای پیشبرد آموزش و  
سپارزه سیاسی خود را آن استفاده نمایند.  
در مورد اخبار پادگان اخباری که فرستاده بودی  
مقدور بودیم از آن سیزده کی بطور مرتب برای ما  
حرف بزنیم. اما سجد و گذشته فرما سدها، از سیاستهای  
که در ارتش اعمال می‌گردد، از تشنه‌ها می‌باشیم که برای  
سربازان حلقه‌ها و از جمله خلق کرد کشیده می‌شود (مثلاً  
سیاست ارتش در کدس در آید و در رابطه با  
روستاها... و خلاصه آنچه که در مورد روبروت می‌گذرد بنویس  
در ضمن هر سرباز و نظامی آگاه و انقلابی و طیفه‌دار که  
کوشش کند از هرگونه حرکت و نقشه و طرح و بستگان  
روزم قبلی، مزدور را امیر با لیس و هواداران بحتبار  
- از نوع کودتای کشف شده خبر- با اطلاع گشته و به  
فوریت آنها به سازمان اطلاع دهید تا ما زمان اقدامات  
معنی برای خنثی کردن این قبیل توطئه‌های ارتجاعی  
را بعمل آورد.

دست تو دست هم‌زم‌دینان را صمیمانه می‌بندیم!

در مورد "وحدت انقلابی"

سئوالاتی از جانب برخی رفقای خواننده در  
مورد موضوع سازمان درقبال "وحدت انقلابی..." شده  
است در پاسخ این رفقا مقدماً لازم است تذکر دهیم که  
سازمان می‌بایست تا بحال در این باره نظرات خود  
را مطرح می‌کند ولی تاکنون این کار را نکرده است در  
واقع علت این تاخیر این است که ما مدتی منتظر  
بودیم تا رفقای "وحدت انقلابی" طبق قولی که در اولین  
پیاپی (محتصر) وحدت خود (در اردیبهشت ۵۹) داده  
بودند، در مورد پیرویه وحدت و مبارزه ایدئولوژیک  
دروسی خود بیشتر توضیح دهند که متأسفانه چنین نشد  
با وجود این سازمان می‌توانست بر اساس همان حداقل  
موضوعی که برای "وحدت انقلابی" موضوعی نمی‌باشد و  
تحلیل خود را ارائه دهد، که بدلیل عدم پیرویه فعال  
به این مسئله پیکار را نیز نکرده است که خود قاطعاً  
استفا می‌باشد.

آنچه که در اینجا بطور مختصر در باره "رفقای وحدت  
انقلابی" می‌توانیم بگوئیم این است که بنظر ما این  
تشکل در سیاست و مشی و مواضع سیاسی بخصوصی در  
بر خود قدرت سیاسی دچار است روی می‌باشد. و طبیعتاً  
ما اختلاف نظرات مهمی در این مورد با این رفقا داریم  
در مورد "وحدت" چند نیروی که این تشکل را بوجود  
آورده اند، باید بگوئیم ما با نظرات این رفقا در مورد  
که همان "دیدگاه اشتقاقی" است از همان آغاز کار  
کنفرانس وحدت مرز بندی داریم و در پیرویه مبارزه  
ایدئولوژیک که ما نیز بنویسید در "کنفرانس" پیش  
بردیما بین رفقا نتوانستند دیدگاه‌های اکتونمیستی  
و لیبرالی خود در مورد وحدت نیروهای جنبش کمونیستی  
فاش آید. و همچنان بر نظرات غیر اصولی و فرمالیستی  
خود با فشاری نمودند و با طبع از آنجا که وحدت این  
رفقا که بر اساس همین دیدگاه‌ها بنا می‌گردد و غیر اصولی  
صورت گرفته است ما نمی‌توانیم آن را اصولی تلقی  
نماییم. ما برای اینکه حقانیت نظرات خود و غیر  
اصولی بودن نظرات این رفقا (و دیگر نیروها را)  
بیشتر نشان دهیم در این باره با زهم بیشتر سخن خواهیم  
گفت. بخصوص با تاکیداتی که کنگره دوم سازمان  
پیشتر در مبارزه ایدئولوژیک در درون جنبش کمونیستی  
علیه نظرات ارتجاعی در راه تحقق امر وحدت نموده  
است. بدینگونه به ما مثل بیشتر از گذشته خواهد  
پرداخت. قابل ذکر می‌باشد که علیرغم اشتقاقیات و  
اختلاف نظراتی که ما با این رفقا داریم، همکاری با  
آنها را همچون دیگر تشکلهای کمونیستی در تمام  
موارد منحصی که ضرورت پیدا کند لازم می‌دانیم.

رفیق! از کج:

ما شما تحت عنوان "شرکت در مدیریت یک شعار  
بورژوازی" رسید.

رفیق کرامی! ضمن تشکر از ارسال نامه، باید  
بگوئیم که ولاحقاً شماست شعارهای "شرکت در  
مدیریت" و "کنترل بر تولید" شعارهای تروتسکیستی  
- رویزیونیستی است. در ضمن ما در این زمینه در  
بارها شعار "نظارت بر تولید" مقاله‌ای آماده کرده ایم  
که بزودی آنرا انتشار خواهد داد. دومی آن نسبت به  
شعارهای ارتجاعی و نام صحیح دیگر نیز موضع خواهد  
گرفت. (در ضمن رفیق بعد از این نامه ما می‌توانیم  
دو حرف فارسی امضا کنید، متشکریم!)

سخنی با رفقا و  
اعضای و هواداران

رفقا! ما اکنون دوره جدیدی از فعالیت خویش را  
آغاز می‌کنیم. دوره‌ای که با شناخت عمیق فئیسما و  
انحرافات جنبش کمونیستی و سازمان آغاز گشته است  
در این رابطه ما ضمن برخورد اشتقاقی به نشریه پیکار  
(چه از لحاظ محتوای و چه از لحاظ شکل) به این درکنات  
گوشیم که طی ترین ابزار برای رهبری و هدایت  
جنبش توده‌ای، نشریه مرکزی پیکار است. و همین لحاظ  
نبا بدین جهت هفته‌ها می‌باشیم که ما سرهم نمودن  
مطالسی چند، رسالت خویش را پایا یافته می‌بینیم  
نگریست. متأسفانه نشریه پیکار علیرغم نقش مثبتی  
که در عرصه‌های گوناگون ایفا نموده است، ما کنسوس  
انتوانسته بطور همه‌جانبه با بین سازمان و توده‌ها  
با شد، و نتوانسته است به شناخت سازمانی سازمان  
نقش افشاگرانه سازماندها و ارتقاء دهنده مبارزات  
توده‌ها و ویژگیه طبقه کارگر را انجام دهد. نتوانسته  
است نقش تبلیغی، تهییجی، خوبی برای توده‌ها ایفا  
کند، نتوانسته است خط ویرانه‌ها را برای پیشروان  
طبقه کارگر و کمونیستها بدهد، و با لایحه نتوانسته است  
نشریه‌ای واقعاً توده‌گیر، زنده و خط دهنده و رهبری  
کننده مبارزات کمونیستها توده‌ها گردد.  
ما ضمن استفا ده گذشته پیکار، می‌گوئیم در دور  
جدید فعالیت خویش حتی البعد دور، آنچه را که تا پیش  
ازگان سازمانی است عرضه‌ها می‌کنیم و می‌گوئیم ویژگیه‌ها  
کاناتال این ارگان به بهترین تماشا را با توده‌ها  
داشته‌ها شیم، سوسیالیسم علمی را با جنبش خود بخودی  
طبقه کارگر پیوند زده، مبارزه طبقه کارگر را با مبارزه  
دمکراتیک کلیه توده‌های زحمتکش و تماشای حلقه‌های  
ایران تلفیق نموده و با لایحه در هدايت و ارتقاء این  
مبارزات نقش شایسته خویش را ایفا نماییم. ما در  
آینده نقش نشریه مرکزی در مبارزات جنبش توده‌ای و  
طبقه و طایفه سیاسی نشریه و ضرورت نشریات متفا و  
(تبلیفی - سیاسی - شوریک سیاسی و...) را توضیح  
خواهیم داد. اما همینجا محتسراً با یادگر کنیم که بر-  
اساس سیاست سازمانی که به موجب کنگره رسیده است  
ما در شرایط کنونی دونوع نشریه را منتشر خواهد  
نمود: یکی نشریه سیاسی - تبلیفی (همین پیکار را با  
اصلاحاتی که در آن وارد خواهد آمد) و دیگری نشریه  
شوریک سیاسی. اولی عمدتاً در خدمت تبلیغ و تهییج  
سرای توده‌ها، انعکاس مبارزات توده‌ها، ارتقاء و  
رهبری آن، سازماندهی مبارزات توده‌ای و آموزش  
تشکیلاتی و بالا بردن سطح آگاهی توده‌ها، افشاگری  
جریانات سیاسی رویزیونیست، ضد انقلابی و آشکار  
مبارزه ایدئولوژیک بر سر مواضع روزمره گروهها و  
دومی در خدمت تدوین شئوری و برنامه، استراتژی و  
تاکتیک، تحلیل از حاکمیت و قدرت سیاسی و وظایف ما  
درقبال جنبش کارگری و دمکراتیک، تحلیل از جنبش  
کمونیستی ایران و جهان، وحدت جنبش مارکسیستی -  
لنینیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر و مبارزه ایدئو-  
لوژیک با انحرافات جنبش کمونیستی و ویژگیه رویزی-  
ونیسم قرا می‌گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد برای اینکه بتوانیم در  
بهبود و تکامل فعالیت نشریه پیکار هر چه بیشتر موفق  
باشیم ضروری است که نظرات شما می‌باشیم که در باره  
بقیه در صفحه ۱۴



● رفیق کارگران! ●

رفیق گرامی در نامهات نوشته‌ای: "من از رفقا میخواهم که یک خبرنامه که گویای مسائل اجتماعاتی و اقتصاد و سیاسی کشور باشد بطور مداوم و مسرعه برای من بفرستند". در پاسخ به این قسمت از نامه رفیق باید بگوئیم که نشریه سیاسی - تبلیغی سازمان یعنی پیکار در حال حاضر، انتشار را موقتاً متوقف کرده است. عده‌ها ردوبال کوشی که ما برای هر چه توده‌ای کردن پیکار را می‌بریم دیگر نیازی به انتشار را نداریم. ما جداگانه نیستیم، در ضمن تو میتوانی با پاسخ به پرسش ما، نامه‌ای که در همین شماره پیکار آمده است نظر خودت را در این مورد هم بیشتر توضیح دهی.

در رابطه با قسمت دیگر نامهات که خواه استماعی مطالب و جزواتی بزبان ساده در باره مسائل نظیر "کردستان" و "درخواستهای کمونیستها" انتشار یافته با دیدگوشم پیشنهاد ما که ملا درست و بیجاست و ما در آینده این کار را خواهیم کرد. در مورد کردستان مسائل جزوهای بزبان ساده و سبک "خلق کرد چه میخواهد چه میکند؟" انتشار داده ایم که فعلاً تا با است و با پیشنهادی که شما داده‌اید با یک مجدد این کتاب را با سمیرا تا و اما فایده‌های سیاسی در دسترس گذاشته ایم و امیدواریم این گروه در یکی دو ماه آینده از چاپ بیرون بیاید.

● رفیق معلم هوادار از آذربایجان! ●

نامه شما رسید، در مورد سبک امیر یالیسم شوروی همانطور که در شماره ۷۱ پیکار در گزارش مربوط به ذکر کرده‌ام، در مورد ساخت امیر یالیستی جا معیه شوروی نظراتمان را بجزودی انتشار نخواهیم داد. در مورد عدم وجود خط و برنامه و روش‌های معلمین کمونیست در پیکار، انتقاد شما درست است. ما در تلاشیم که برای توده‌ای کردن "پیکار" برای اینکه پیکار واقعاً بتواند نقش سازنده و روشم‌دهنده داشته باشد با برخورد انتقادی به کمیبودهای گذشته آنرا برطرف سازیم. در این مورد نیز یعنی خط و برنامه ما را در همه مسلمان کمونیست امیدواریم در چهارچوب این برخورد برضعفهای گذشته غلبه نمائیم. ما هم اکنون در مسلمانان شما رمانهای از اولین در مورد مسلمانان و همچنین در صد شبهه جزوهای در مورد معلمین هستیم که در اولین فرصت آنرا منتشر خواهد کرد. ضمناً یک نشریه در روسی در مورد جمع بندی از کار سیاسی - تشکیلاتی معلمین برای پیکار ۲ هفته دیگر ارسال خواهد کرد. شما از طریق تشکیلاتی مطالبه کنید. رفیق ارتباط خود را با ما حفظ کنید. و از مسائل و مشکلات خود با هم بیشتر تبادل نظر بنویسید. پیشنهادات و انتقادات خود را برای ما بفرستید. موفق باشید!

● دیگر نامه‌های رسیده: ●

رفیق ا.م. - من از ساری نامه شما رسید. در مورد سئوالات شما بجزودی بطور مشروح سخن خواهم گفت. رفیق مشول بخش "جنوب" نامه شما رسید. پیشنهادات شما ما را متوجه است. ما نیز به آن عمل خواهیم کرد. رفیق مجید - من نامه شما رسید. در نشریه شورویک سازمان که در قریب انتشار خواهد یافت به اینگونه مسائل برخورد خواهد کرد.

رفیق ژ.ه. - مقاله مربوط به اخوان المسلمین که فرستاده بودید رسید: استناد به مطالب منسدرج در آنها مسلمین تحقیقات بیشتری است که امیدواریم خود شما نیز با ارسال اسامی شما به ما را یاری دهید. بسیار متشکر و درود.

قسمتی از نامه‌های رفیق سربا زبانه نشریه پیکار: **خدا هیت رفقای رزمنده**

**بنام تمامی کارگران دربند  
با مشت‌های پولادین رو به  
امپریالیسم و ارتجاع**

رفقای عزیز، من سربازی هستم که از روزی که با منی سازمان پیکار آشنا شده‌ام، هوادار و در صورت از آن پشتیبانی و در هر مکان حرف خود را گفته و تا بسه اکنون در هیچ صورت زیر بار او و مرفرماندهان امپریالیسم - شی حاکم بر ارتش ضد خلقی نرفتم. ... نمیخواهم از خودم حرف بزنم چون اکنون من نیستم، این ما هستیم که با آگاهی خود، طبقه کارگر را با یکدیگر زبیر با رطلسم طاقت فرسای امپریالیست‌ها بدر آوریم. ... در اینجا ما را مثل زندان‌نیا در یک زندان که همه چیز شبهه است غیراً زسربا زخا نه زندانی کرده اند. آسایشگاه‌های ما همه اصطبل بوده اند اکنون ما را - که همه خودمان را انسان میدانیم - در یک آسایشگاه‌های ما انباشته - اند و هر روز میزبانی‌های مختلفی در بین ما وجود می‌آید. چند روز جلوتر رفیق عزیزم ... را به جرم داشتن چند جلد کتاب و نشریه پیکار گرفته اند. ...

رفقا، اینها اینقدر از آگاهی ما بیشترند که می‌توانند کتاب بخوانند ممنوع است، نوارگوش دادن ممنوع است، ولی نمیدانند که ما کلمه‌ای تحت عنوان ممنوع نمی‌شناسیم. خیلی شرم آور است بعد از گذشت یکسال و اندکی از انقلاب ما هنوز فرماندهانی بسر - صد ارتش نشسته اند که پیشتر ما را میخواستند تطهیر می‌کردند و زخم‌های روحنا پیکار جمهوری اسلامی روی آنها ریخته‌اند. ما هنوز نمیدانیم که ما همه پاک هستیم گوئی آنها اصلاً از شکم ما در زائیده انقلابی بوده‌اند همه اینها که تا چندی جلوتر دست بوس پدرتار جدا رشان بودند اکنون مسلمانان دوازده شده اند و تا زبده‌تر از این چنان دم از انقلاب میزنند گوئی اینها انقلاب کرده اند و ما از انقلاب جلوگیری کرده ایم! در سرباز - خانه به تا زگی اداره‌ای بنا مسیاسی ایدئولوژیک که کلا کارها را با واک و ورن دوم ارتش را انجام میدهند البته پشت لگوی اسلام بعضی روزها کلاس اداره را برای ما گذاشته اند که یک نفر می‌آورد و تا دو ساعت بعد همه اش جوک میگویند ما هم میفهمیم، من از این موضوع نا را حکم مجبور سربازان حاضر بشوم و الا اول نگاهانی تنبیهی، دوم زندانی بجرم خلاصه و بعد دیگر کسی خبر ندارد چون هنوز کسی از آنجا برنگشته که خبری بیاید! ... در یادگان با جوا حکم بر پرسنل زحمتکش ارتش ما مجبوریم که برای مطالبه مخفیانه عمل بکنیم چون رگ میگویند که گرفتن و اعدام یکی است، البته ما از این اراد ل میترسیم ولی موضوع این است که فعلاً زود است چون ما هنوز آن کمونیستی که باید با ما باشیم نیستیم. ...

رفیق ف. - من نامه شما رسید.

**رفقا از هر طریق که میتوانید برایمان  
نامه بفرستید، تاریخ و امضای مستعار  
نامه‌هایتان را فراموش نکنید!  
به امید پیروزی راهمان!**

سخن‌های...

نشریه پیکار، نقش و وظایف آن کمی‌ها و کاستی‌های آن بدانیم تا بتوانیم ضمن بهره‌وری از پیشنهادات و نظرات رفقا، در اصلاح فعالیت نشریه پیکار و روش‌های ما در همین رابطه ما بر سنا ما ی تهیه کرده ایم که کلیه رفقا، هواداران و حتی رفقای غیره را در ارتباط با آنها جواب دهیم. ما را از کم و کیف "پیکار" و نقش آن مطلع کرده و در اصلاح فعالیت آن ما را یاری رسانند.

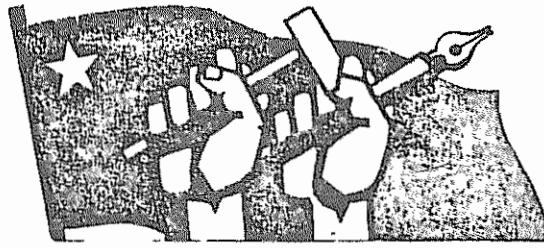
از اینرو بحثاً به یک وظیفه انقلابی و تشکیلاتی کلیه رفقا با بدد عرض خدا کثرت سه هفته پرسش ما زسربا جواب داده‌اند و برای هیات تحریریه ارسال نمایند. هر نوع سهل انگاری در این امر و به تأخیر انداختن آن، نه تنها نشانه بی مسئولیتی و لاقیدی نسبت به وظایف رفقا در رابطه با نشریه پیکار است، بلکه نشانه عدم درک رفقا از رابطه بین رهبری و توده‌ها و رابطه بین هیات تحریریه و توده‌ها می‌باشد. رفقا! شما سربازانی با بدبها حسابی و کنترل در راه سه هفته نتیجه را به هیات تحریریه پیکار گزارش دهید. همچنین جواب به سئوالات با بدحتی المقدور جمعی با شد و از پاسخگویی فردی خودداری شود. زیرا اولاً کنتراول آن ساده‌تر است، ثانیاً بصورت جمعی تعداد محدودتری گزارش ارسال خواهد شد و از غرور و دورویی کاری کاسته میشود. و ثالثاً در برخورد به عقاید ما بر اساس جمع، با سخا و اغنا ی بیشتر بر خورد خواهد بود و نظرات فردی و همگون تر نخواهد بود.

پهروزیها بشید! هیات تحریریه "پیکار" پرسش ما پیکار

- ۱- برای نشریه مرکزی پیکار چه نقش و وظایفی قائل هستید؟ آیا پیکار تا اکنون توانسته است به پرسش و وظایف پاسخ گوید؟ انواع و اقسام و نا رسانی‌های آن چیست؟ پیشنهادتان چیست؟
- ۲- بنظر شما ارگان مرکزی با بدبیشتر دارای خلعت سیاسی - تبلیغی با شد یا سیاسی - شورویک؟ شما راه‌های منتشر شده پیکار رگدا میک از جنبه‌های فوق را رعایت کرده‌است؟
- ۳- مضمون مقالات سیاسی، مبارزه ایدئولوژیک مقالات کارگری و دیگر تیک و ادبیات پراولتری پیکار چه‌ها بدبها شد؟
- ۴- شما ره‌های منتشر شده پیکار را با سئوالات بسیار چگونه ارزیابی میکنید؟
- ۵- بنظر شما چه مضامین و مطالبی در پیکار با بدحتی وجود داشته‌ها شد که آن‌ها غفلت شده‌است؟
- ۶- پیکار چه کمکی مشخصی در ارتباط با ترویج سازمان دهی شما نموده‌است. مشخصاً ما مهربرید؟ اگر جواب بمان منشی است. بنظر شما علت آن چه بوده‌است و چه انتظاری از آن دارید؟
- ۷- آیا رفقا و توده‌های پیشرو نشریه را "از خود" می‌شناسند یا بین آن و خود فاصله احساس میکنند؟ چرا؟ (به ویژه در مورد کارگران کمونیست) چه پیشنهادات مشخصی برای توده‌ای کردن نشریه دارید؟
- ۸- نظرات در مورد انتشار و نشریه شورویک - سیاسی و تبلیغی - سیاسی و وظایف هر کدام چیست؟
- ۹- نظرات در مورد تیراژ، حجم، فاصله زمانی انتشار قیمت، اندازه (کوچکی یا بزرگی) و زبان پیکار چیست؟ در مورد هر یک (پیکار شورویک - سیاسی و پیکار تبلیغی - سیاسی) جداگانه جواب دهید.
- ۱۰- در مورد نحوه توزیع و بخش پیکار رورفع نارسانی‌های آن و چه پیشنهادات و انتقاداتی دارید؟

بقیه در صفحه ۲۲

# هنرمقاومت هنرپرولتری



## جد نقد فیلم «

### مبارزین باسک: رویونیسم علیه آوانتوریزم

● چرا رژیم جمهوری اسلامی علیرغم شعارها و مانیفست "نه شرقی"، "نه غربی" مشتری پروپاقرص اینگونه آثار "شرق"، "غرب" بویژه در زمینه سینماست؟ و چرا فیلم "مبارزین باسک" اینچنین مورد علاقه رژیم است؟

"مبارزین باسک" مدسی است در سینماهای "بیتنا دهنری مستضعفان" به نمایش گذاشته شده است. افشای این فیلم از یک سو بخاطر محتوای عمیقاً موزورانه و ضدانقلابی آن و از سوی دیگر به سبب جلب توجه تماشاگران از آن بوده که مرید طاهر "انقلابی" آنرا حوردها اندروری است. بررسی این فیلم همچنین به عنوان یک نمونه میتوان آنرا مشاهده کرد. در جمهوری اسلامی در رشته هنر با شد رژیم کنونی همچون تمامی رژیمهای مرتجع خواهان سرکوب نمابلات انقلابی و تحمیل تودهها در همه زمینهها، منجمله در زمینه هنر است. اما مسئله بویژه شرایط مشخص کنونی آن است که تودهها در یکی از حادترین دوران مبارزات طبقاتی، ضد امپریالیستی و دمکراتیک حویث بسر می برند، و این امر نمیتواند در شیوه برخوردیها تا حدی که به ما شل گوناگون با شرف خود را برجای نهد. از همین روست که در رشته فعالیت هنری "رژیم جمهوری اسلامی" بنا به مقتضیات خود تلاش میکند به نمایش آنرا بی بردارد که ضمن تبلیغ و نفوذ ممتویات ارتجاعی و ضدانقلابی او در عین حال نقاب "هنر انقلابی" به چهره زده و به رنگ تمامایلات و درخواستهای مشخص کنونی تودهها در آن سده باشد، تودههایی که بطور آشکار و پنهان خواهان هنر انقلابی اند! بیپرده نیست "جمهوری اسلامی" علیرغم شعارها و مانیفست "نه شرقی" "نه غربی" مشتری پروپاقرص اینگونه آثار "شرق" و "غرب" بویژه در زمینه سینما است و با زبیبوده نیست که با طرزیت اسکار - نا پذیر کالاهای روسی و رویونیستی در این رشته از تولید و نقش و تجربه موثرتری که در فریب تودهها دارند، رژیم آشکارا غش را بسوی آن باز کرده و بخصوص حزب جمهوری اسلامی آشکارا مدافع آن شده است و کارگزاران هنری این حزب در روزنامه جمهوری اسلامی، هنگام نقد فیلم روسی "جا دو کورنر بیستم" رهنمود میدهند که نمایش این فیلمها و تقلید از فیلمسازان سینمای "شرق" مفید است. بیپرده نیست که متخمین هنری بورژوازی در روزنامه کیهان برای نمایش فیلم "دروسا و زولاد" و تلویزیون ساخته کارگردان مشهور ژاپنی "کوروساوا"ی بورژوازی که با سرمایه سوسیال امپریا -

لیسم شوروی و به عنوان محصول این کشور تهیه شده، کف میزنند و خواهان را در همه نمایش اینگونه فیلمها میشوند. بیپرده نیست که با زبیبوده رژیم رویونیسمی فیلمهای "چگونه فولاد آبدیده شد" و "دن آرام" و فیلم "وینا" و "چو خرا" و "کارگردان رویونیسم شوروی" و "ما به یک سر بار و فیلمهای رویونیستی و قشیکه لک لکها به پرواز درمی آیند" و "شوروی شیلی" و "گودتا" و... ما هم بیرونی آکران سینماهای پایدخت و شهرستانها میماند، چرا که این فیلمهای رویونیستی در زیر نقاب انقلابی نمایشی بهتر میتوانند، اندیشه های بورژوازی را نشر دهند، به فریب تودهها بپردازند و انقلاب را طبق تئورهای بورژوازی تفسیر نموده تودهها را به زبیبوده دعوت کنند. اما رژیم بهره گیری از فیلمهای ضدانقلابی آمریکا و اروپا و... را هم فراموش نکرده است. نمایش فیلمهای ارتجاعی "گوستا و گاراس" و "کارگردان مورد علاقه" "سپا" و "ما زنده فیلمهای" "اعتراف"، "حکومت نظامی"، "وژد" و "دیگر" فیلمهای رایج سینمای غرب را این جمله است. فیلم "مبارزین باسک" نمونه گامی است از این نوع سینمای مورد علاقه جمهوری اسلامی. فیلمی در مورد مبارزات انقلابیون باسک که انحرافات این مبارزات دست - آویز قرار داده و از زاویه بورژوازی علیه آن تبلیغ میکند. فیلمی با ظاهرا "انقلابی" و با محتوای ضدانقلابی. فیلمی به طرز بداری از انقلاب با مضمون رفرمیستی، آنگونه که رویونیسمیها می پسندند و بورژوازی می پذیرد. برای آنکه هر چه بهتر مضمون متعلبا نه فیلم "مبارزین باسک" آشکار شود و بخاطر اینکه این فیلم از زاویه ای بورژوازی به انحرافی که در یک دوره بر مبارزات انقلابی مردم باسک حاکم بود تا کید میکند، بهتر است مقدمتانگامی به تاریخ مبارزات باسک ریمتهای واقعی بورژوازی در این مبارزات و... می پردازیم:

### باسک: مبارزه برای آزادی

فیلم "مبارزین باسک" یک دوره از تاریخ مبارزات انقلابیون باسک، از آخرین سالهای حکومت ژنرال

هراسکو - ۱۹۷۲ - تا بازگشت سلطنت و برافراشتن هیاستوری دروغین با زبیبوده "دمکراسی" و پس از آن تا ۱۹۷۸ را در بر میگیرد.

دوران دیکتاتور رژیم فرانکو، یکی از سیاهترین دورانهای است که بر مردم اسپانیا و خلقهای تحت ستم آن کشور، گذشته است. این حکومت پس از یک دوره از مبارزات حاد طبقاتی در دوران جنگ داخلی که در آنجا مبارزات مبارزین دموکراتیک در برابر رژیم فاشیستی و موفق شد طی دوران طولانی یعنی فریب چهل سال با سرکوب خشن، ترور و اعدام، سلطه ارتجاعی طبقات استعما را بر حاکمیت کند و همه خواستهای انقلابی کارگران و زحمتکشان و تودههای حق طلبانه و آزادیخواهان را خنثی کند. اسپانیا را سرکوب نماید. خواستهای کسبه زحمتکشان و خلقهای ستمدیده اسپانیا، طی دوران جنگ داخلی، در میان آتش و خون و پیکارهای قهرمانانه علیه نیروهای استعما مرتجع، فاشیست ها، ناسیونال - لیست ها، فاشیست ها، سلطنت طلبان آن را اعلام کرده بودند. در آن دوران یکبار دیگر طبقات متخاصم و نیروهای سیاسی که نمایندگان آنها را به عهد داشتند به نبردی خونین پرداخته و هر یک بروشنی اهداف خود را بیان داشتند و راههای حلهای خود را عرضه کرده بودند. از سلطنت طلبان امرا طی و فاشیست ها و سردمداران کلیسا که از ارتجاعی ترین طبقات دفاع میکردند تا ناسیونال - لیست ها و فاشیست ها و امپریالیست ها، اسپانیست ها، لیبرال ها و سوسیال رفرمیست ها که همه با آنها ریشتهای تروتمکیست ها و با لاجرم کمونیست های واقعی همه و همه در میدان جنگ داخلی اسپانیا در مصاسی بین الفللی شرکت داشتند. در این جنگ با ریشتهای کمونیست نشین اسپانیا، سرافهمین در میان رزده علیه فاشیسم ایفای نمودند.

حل مسئله خلق تحت ستم باسک یکی از مسائلی بود که در آن زمان در مرکز توجه قرار داشت و هر طبقه بنا به اهمیت طبقاتی خود به آن برخورد کرده و راه حل آن را پیشنهاد میکرد. طبیعتاً بورژوازی اسپانیا خواهان سرکوب در - خواستهای مردم باسک بود، اما در آن دوران بخشی از طبقات حاکم وجود داشتند که در عین حال با شیوه های لیبرالی شدت مخالفت کرده و بنا به موقعیت شدیداً ارتجاعی خود از سرکوب فاشیستی مبارزات تودهها پشتیبانی میکردند. و با لاجرم همین نیروها مشکل از اسپانیا لیست های امرا طی، فاشیست ها، فاشیست ها و سلطنت طلبان نبودند که زیر رهبری فرانکو بر اوضاع مسلط شده و راه حل خود را با وحشیگری هر چه متربس اجرا گذاشتند. ارسوی دیگر کمونیست ها در آن زمان تحت رهبری شوروی سوسیالیستی دوران اسنالیسن خواهان حق تعیین سرنوشت برای خلق باسک بودند سزمینی که دیگر با راهی از شهرهای آن مثل "بیلباو" به مراکز بزرگ صنعتی تبدیل گشته بود. آنان همچنین از وحدت مبارزات استقلال طلبانه خلقی باسک بهره ای طبقه کارگر با مبارزات همه کارگران و زحمتکشان اسپانیا پشتیبانی میکردند و میکوشیدند مبارزات را از زیر رهبری بورژوازی باسک رها سازند. اما در اینجا باید به دو مساله توجه کرد: اول آنکه در جریان پیدایش، شکاف عمیق در جنبش کمونیستی و

# رویونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

رویزبونیستی بیش از پیش جنبش کمونیستی اسپانیا همچون تمام جهان دچار زهمها شده‌گی شد. به این ترتیب بخش مهمی از کسانی که به عنوان کمونیست از سران سرچیان در جبهه نبرد اسپانیا شرکت کرده بودند "بدل بهای" دی بورژوازی شدند. و برخی از کسانی که به عنوان مارکسیست، لنینیست باقی ماندند مثل "گوتوف" پس از مرگ استالین بدست خروشچف خائن تیر

(بعدها خروشچف از برزیل، گولتسوف و آنتونوف اعاده حیثیت کرد!) "لاسکورا جک" ماجراستانی که کمیسر گردان لاکوزی بود اعتراف کرده در این گردان تبلیغات تروتسکیستی میکرد. گمانی مانند "تولیا شی" و "لوگو" که در نبرد اسپانیا شرکت داشتند بعدا با نقض استادان خروشچف مرتد را بعدا گرفتند و با شاگردان او شدند و ۱۰۰۰ البته ناگفته نماند که ازای جنبش کمونیستی اسپانیا که

رودر روشی آشکارا ستالین با برونسکی، بخش اعظم کمونیستهای اسپانیا دچار بحراف چپ روانه آثار ششم و سروسگسند و بعد این ترتیب ضربه بزرگی به جنبش کمونیستی اسپانیا که در آنجا نه جنگ داخلی، تنها ۳۰۰۰۰ سرباست وارد آمد. دیگر اینکه سربا آوردن فاسیسم و رهسود کمینترن دا شریرتشکیل جبهه توده‌ای از نظر با کنیکی شرایط تازه‌ای را بوجود آورد. در رابطه با مسئله اول با تکلیف جنبش کمونیستی ضعیف اسپانیا؛ ضعیف نشد و بدین ترتیب کماکان مبارزات مردم با سکر ریفورد بورژوازی سونا لیستهای با سکر باقی ماند و کمونیستها مدتها هیچ نفوذی در آنجا نداشتند و سخنان این مسئله منجر به جنبه‌های فوی ناسیونالیستی در جنبش خودمختاری با سکر و جدا ماندنش از مبارزات طبقه کارگر اسپانیا گشت.

- نگاهی بیه تاریخ مبارزات مردم اسپانیا یاد رقرن اخیر و مبارزات خلق با سکر.
- چرا پس از جنگ جهانی دوم و پیروزی پس از مرگ استالین، مبارزات مردم با سکر که علیرغم سرکوب شدید رژیم فرانکو ادامه داشت، همچنان در رهبری دچار انحراف شد؟ چرا کمونیستها نتوانستند به تدریج نیروی خود را بیاورند و در شرایط خیا نیت بورژوازی لیبرال با سکر، این مبارزات را رهبری کنند؟

اما در رابطه با مسئله دوم با تکلیف اگر چه جبهه توده‌ای است بوجود آمدن یک نیروی قدرتمند فاشیست شد. تا آنجا که در انتخابات ۱۹۳۶ نیروهای شرکت کنند در این ائتلاف پیروز شدند و نیروهای دست راستی افراطی برای جلوگیری از بقدرت رسیدن آنها در جنگ داخلی را برانداختند و همچنین اگر چه پس از این دوران کمونیستها در مبارزات با سکر شرکت فعال داشتند، اما اول در میان این "کمونیستها" چه فراوان وجود داشتند کسانی که آلوده به انحرافات بوده و تا نیا در درون جبهه بورژوازی با سکر نفوذ مسلط خود را حفظ کرده بود. و با لاجرم همه با حیانت خود ضریبات جبران ناپذیری به مبارزه استقلال طلبانه مردم با سکر وارد آورد. (از جمله میتوان ما زش با نیروهای اشغالگر ای نالیارامثال زد).

بعدها از ضربات رویزبونیستی در پراکنندگی وضع بسر برده بودند، بعدا توا نشتند تا حدودی برپراکنندگی خود غلبه کرده و بیش از گذشته خود را متشکل سازند لیکن کماکان نتوانستند رهبری خود را بر جنبش و از جمله جنبش خلق با سکر اعمال نمایند.

با ران گشتند، نگاهای به لیست کسانی که در دوران جنگ داخلی در اسپانیا سمت رهبری جنبش کمونیستی را دارا بودند؛ زشت به انحراف کشیده شدن جنبش کمونیستی خبر میدهد.

به این ترتیب مبارزات با سکر که جزء جدانشدنی پذیر مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان اسپانیا با سکر شمرده شود، در تمام دوران حاکمیت رژیم فرانکو پس از آن از رهبری حزب کمونیست محروم ماند. رویزبونیستها از انقلاب نفرت داشتند و نمی توانستند و نمیخواستند به رهبری مبارزات انقلابی بپردازند. تحت چنین شرایطی قابل درک است که جنبش انقلابی تحت هدایت مشی خرد بورژوازی به آوا توتوریسم و تروتسکیسم آلوده گردید. روشنفکران انقلابی خرد بورژوازی که خواهان آزادی ورهاشی از طبقه فاشیستی رژیم فرانکو و حسیق شهین سرشوش بودند، از یکسویا اندر زهای فدا انقلابی رویزبونیستی فاشیست شدند و از سوی دیگر از نظر طبقه تانی توان آن را نداشتند که علم رهاشی پرولتاریا، با این شنا را به صبح مبارزه انقلابی را بکار گیرند. به این ترتیب گروههای انقلابی آوا توتوریسم و تروتسکیسم در این دوران در با سکر سربا آوردند. فیلم مبارز با سکر در خصوص یکی از همین گروههاست. اما به بینیم چگونه فیلمنا زبورژوازی از او بهای رفرمیستی به آوا توتوریسم برخورد میکنند.

رهبران دست اول حزب کمونیست اسپانیا مثل "سانتیا گوکارا" و "البا سیرونا ری" (دولورس ایبا رودی) به مبارزات رویزبونیستیهای گریلین بدل گشتند، که در تمام دوران فرانکو و طبقه شان در دربار تبعیدگا هان این بود که هر چند مال یکبار در جمع بین المللی ظاهر شده و در میتینگهای ملخ طلبانه ضد فرانکو شرکت کنند و در کنفرانسهای رویزبونیستی کف بزنند و از آن پس دیگر در آنجا نشان نداشتند از کمونیسم باقی نماند. آنها بنیونکران بهیچمدان ریسورژوازی تبدیل شدند. یکی دیگر از رهبران "انیمون دکرا" - "تیگا اسپانولا" یک گروه توتوتی تشکیل داد. "تاگوتنا" حزب کمونیست را ترک کرد. "کاسترو دلگا" به نوشتن کتابهای "اشاگرا نه" در باره رفقای گذشته و علیه کمونیسم پرداخت. که حتی در اسپانیا فرانکو به چا برسید. "ال مهنریو" از رهبران آوا توتوریسم فرار کرده و در برکمل مقیم شد.

سیر حال، از جنگ داخلی این فرانکو بود که سربا آورد و پیروز شد. و در همه جا به کشتار و خشونت دست زد. فی المثل از صل عام "کوترتیکا" با سکر میتوان نام برد که بوسیله ناسیونالیستهای اسپانیا و با کمک آلمانها بیونج بیوست. و به عنوان یکی از فاجایسج جنگ داخلی به ثبت رسید. آری پیروزی نیروهای دست راستی به رهبری فرانکو برای مردم تحت ستم با سکر جوان همه زحمتکشان اسپانیا به معنی آغاز دوران سرکوب خشن و سبایی بود که مدتها دوام یافت. تا آن زمان از مبارزات با سکر در آوا توتوریسم و تروتسکیسم

(ادامه دارد)

از میان رهبران روسی که به اسپانیا رفته و نقش مهمی در رهبری جنبش کمونیستی اسپانیا به عهده گرفته بودند، دستهای مانند "برزین"، "استا شفسکی" "آنتونوف"، "ووستگو" و "گولتسوف" به صفت تروتسکیستها بیوستند و تا مل تصفیه استالین شدند.

همه جا دست به حقه کردن و با بود کردن احساسات آزادی - حواها نماند سبکیا زندند و در ناسیونالیست و تروتسکیسم فاشیستی راسی ریزی کردند.

اما چرا پس از جنگ جهانی دوم و پیروزی پس از مرگ استالین مبارزات مردم با سکر که علیرغم سرکوب شدید رژیم فرانکو ادامه داشت، همچنان در رهبری دچار انحراف شد؟ چرا کمونیستها نتوانستند به تدریج نیروی خود را بیاورند و در شرایط خیا نیت بورژوازی لیبرال با سکر، این مبارزات را رهبری کنند؟ تا آنجا که در یک دوران، اراسی مبارزات خرد بورژوازی استقلال طلب با سکر مهر خود را بر مبارزات زد، جنبش انقلابی با سکر آلوده به ماجراجوشیهای چپ روانه و آوا توتوریسم گشت و تروتسکیسم آنها را مبارزه شناختند.

### اعتراض معلمین تبریز به اخراج فرهنگیان مبارز

در ادامه میاستهای ضد فرهنگی رژیم جمهوری اسلامی اداره آموزش و پرورش آذربایجان شرقی نیز تعداد زیادی از معلمین متعهد و انقلابی را در کنار برخی ساواکی و مزدور رژیمها اخراج کرده است. در اعتراض به این عمل فدا انقلابی بیش از ۳۰۰ تن از آموزگاران مبارز در روز ۱۶ شهریور ماه در محل اداره کل آموزش و پرورش اجتماع کرده و به افتای رژیم پرداختند و زطوطه‌های هیات حاکمه که با قسرا ردا دن اسامی معلمین آگاه و انقلابی در کنار مزدوران ساواک مذبحخانه میکوشد حیثیت رهبران راه بهرنگی هارا لکه‌ها رکنند، پرده برداشتند. آنها متحده نه تصمیم گرفتند که مبارزات خود را برای احقاق حقوق خود همچنان ادامه دهند.

### "عدل اسلامی" حامی مالک مفتخور

دهقانان مبارز روستای تازه آباد از توابسج آمل در نتیجه مبارزات یکساله خود موفق شدند که علاوه بر تصرف زمینهای اربابها، "کامیابی" مالک مفتخور روستا را نیز از محل اخراج نمایند. آنان متحدها نه از بازگشت وی به ده جلوگیری میکردند. تا اینک به اخیرا ارباب مفتخور با حکم "دادستان" انقلاب آمل برای اقامت به ده می آمد که البته با مقاومت جانانه دهقانان روبرو میشود. سرانجام روز ۷ شهریور گانهای همراه با گروهی ژاندارم و عده‌ای جماعت بدست وارد روستا میشود. در اثر مقاومت دهقانان و حمله جماعت اربان و ژاندارمها چهار نفر از روستا شیان زخمی میشوند، و مالک مفتخور تحت حمایت "عدل اسلامی" مجدداً در روستا مستقر شده و به استیلا زحمتکشان روستا ادامه میدهد. هم اکنون دهقانان مبارز تازه آباد با آگاهی بیشتری که نسبت به ماهیت رژیم کسب کرده اند متصمم اند که به مبارزه خود با پیروزی آنها ادامه دهند.

پاسخ این پرسشها را باید در ویژگیهای جنبش کمونیستی با سکر و شرایط بین المللی جنبش کمونیستی یافت. ما قبلا بهرشدت یا بنده آنها ریشم و تروتسکیسم در اسپانیا اشاره کردیم. اکنون با پدنا کید کنیم، پس از شکست مبارزه انقلابی مردم اسپانیا و به قدرت رسیدن رژیم دیکتاتور فاشیستی فرانکو در جریان سروزان اخرا فاشیست گون تروتسکیستی و



# خلق فلسطین پس از سپتامبر سیاه؟ “ضربه ای که مرا نکشد قویترم میکند!”

- توطئه سرکوب انقلاب فلسطین در اردن چرا و چگونه آغاز شد؟
- نقاط قوت و ضعف انقلاب چه بود.
- حماسه مقاومت خلق فلسطین و وظیفه ما در حمایت از آن

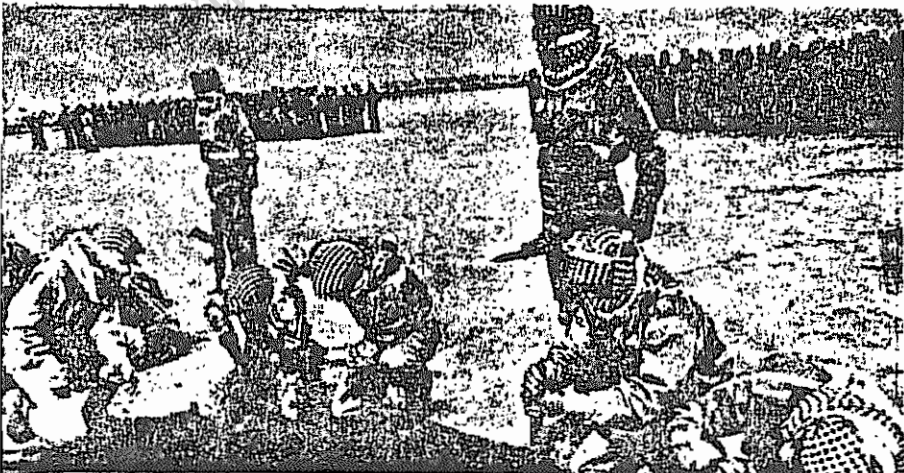
جنبش و تحولات خطرناکی که در شام و... های آن بود، ضعفها و تحولاتی که... مشخصا از ماهیت بورژوازی و... بورژوازی رهبری مایه میگرفت توهانسی... را در درون صفوف انقلاب نسبت به رژیم... های عربی و با صلاح کمک برای درانته آنها... به انقلاب پدید آورده بود. ارتش مسلک... حسین با آماجگی قبلی و کمکی آمریکا... ما مورس کوب انقلاب و برچیدن با یگان... های آن در درون خاک اردن شد. اگر... توجه کنیم که اردن بلحاظ داشتن مدعا...

کیند رژیمهای ضد خلقی عربی برای آن... که با صلاح خود را پیش مردمان "خوبه"... کنند با گرفتن مزورانه در برابر انقلاب... و "کمک" بدان، سعی میکردند از آن بسط... اصطلاح "گواهی حسن اخلاق" بگیرند... مطرح شدن مسئله انقلاب ملحقانه توده... ای علیه آمریکا و اسرائیل ارتجاع عرب... را عمیقا به وحشت انداخت و قدرت روز... افزون فداشیان فلسطینی که میتوانستند... از حق اختصاصی خود استفاده کرده... انوائین ضد خلقی کشورهای عربی را زیر... پا بگذارند و از آن به نقل و انتقال نیرو... و تشکیل اردوگاههای آموزشی و کنگره... های سیاسی و غیره بهره بردارند، این رژیم... - ها بویژه رژیم اردن را به متلاشی شدن... تهدید میکرد. از سبب راههای اسرائیل... علیه مناطق تحت تصرف انقلابیون کاری... ساخته نبود و فشار آمریکا و دیگر امپریالیستها... نمیتوانست جلوی این سهل توده های... انقلابی را بگیرد. منطقه بیکار چاه کش...

بعبعت مها زدن بر میازات توده ها و با... انکار، بر ارتش و پلیس بر سر کار مانده... بودند و بدلیل همین عدم اتکاب توده ها... بسود که ارتشهای معروریه... آسانی (طی عرروز) در برابر ارتجاع برق... آسانی اسرائیل درهم شکستند و قسمتهای... مهمی از اراضی تحت تصرف این کشورها... - منجمله آنچه از فلسطین باقی مانده... بود. به شمال اسرائیل در آمد. مدعا... هزارتن از فلسطینیها مجدداً واره شدند... با این ترتیب یک "شوکت" بسیار نیرومند... به توده های عرب و اردن مدور رژیمهای... حا که نمابنده طبقات ارتجاعی از... مینودا لهما گرفته تا بورژوازی وابسته... بودند شدیدا افتخاری اعتبار شدند.

انقلاب فلسطین با تضعیف رژیمهای... حرکتگر عربی و آماجگی وسیع طوفانی... آسانی توده های عرب در موقعیتی عالی... از لحاظ امکانات مالی، تسلیحاتی و به... ویژه نیروی انسانی قرار گرفت. از اواخر...

۱۷ سپتامبر بریا ۲۷ شهریور مصادف... است با سالگردشما حم و خسانه امپریالیسمی... - صهیونیستی و ارتجاعی با یگانهای... انقلاب فلسطین در اردن. بدین ترتیب... در سال - ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) توطئه ای که از... مدتها پیش بوسیله امپریالیسم آمریکا و... صهیونیستها و ارتجاع عرب و در درجه اول... رژیم دست نشانده ملک حسین جهت سرکوب... انقلاب فلسطین طرح ریزی شده بود... مرحله اردن مدومرتوجه یک فنل عام... کم نظیر علیه توده های سندیده و بیسنا... حاشیه فلسطین گشت و بقول با سرعتات... فریب ۲۵ هزار رنغرا از مردم فلسطین که در... قسمت شرقی رود اردن، در اردوگاههای... آوارگان بزمیرنده توده آنها دست رسیدند... و خسارتی بی حساب سیاسی و نظامی بر... خلق فلسطین وارد شد. در فرهنگ انقلاب... فلسطین این ماه را سپتامبر سیاه نامیدند... معنا یک گروه از انقلابیون فلسطین نیز... که بعدا بدستورالفتح برای ضربه زدن... به موسسات و عمال آمریکا و اسرائیل... تشکیل شد و ضربات دردناکی بر دشمن در... سرانجهان وارد آورد خود را... به همین نام "سپتامبر سیاه"... می نامید.



سرا سرجهان وارد آورد خود را... به همین نام "سپتامبر سیاه"... می نامید.

## زمینه های سیاسی و نظامی توطئه خاندانه سرکوب انقلاب فلسطین

انقلاب ملی دمکراتیک... خلق فلسطین که از اول سال... ۱۹۶۵ آغاز شد و راه آزادی میهن... و ناهبودی صهیونیستها را تنها... از طریق مبارزه مسلحانه... توده ای امکان پذیر دانسته... و در صحنه نبرد به این شمار... خود عمل میکرد البته در محاصره... نیروهای ارتجاعی و فرمیستها... قرار گرفت و تقریبا یکسال...

اوچگیری روزا مزون عملیات... انقلابی علیه اسرائیل شدیدا... به و خامت میگرا شد. مسلک... حسین با روی کار آوردن یک... دولت نظامی، زمینه حمله را... فراهم نمود. در دهه اول... سپتامبر یک درگیری چند... روزه سرسری و پس از یکی دو... روز آتش بس، سرکوب نهایی... آغاز شد.

از ۱۷ سپتامبر شهرها و... مناطقی که فلسطینیها در... آنجا بودند در برابر آتش توپخانه... ارتش اردن قرار گرفت آب و... برق و هوا رها بر مردم بسته... شد، کشته ها غایبان ها...

و کوچها را انباشت و با یگانهای... که به تصرف ارتش فدا انقلاب در میا مد در... معرض کشتار عام قرار میگرفت، رژیمهای... عربی که خود را "دوستدار انقلاب" جا زده... بودند، گوی سبقت را در غیانت بسبب... انقلاب از یکدیگر می ربودند. عراق (به... رهبری البکر و صدام حسین) با وجود آنکه... یک لشکرزبده اش در اردن مستقر بود و به... دروغ آنرا تحت اختیار انقلاب فلسطین... گذارده بود، نتوان شورده رژیم عبدالناصر... سلبه در صفحه ۲۲

مبارزه بود. تلاش های سوبال امپریالیسم... شوروی نیز برای با صلاح عدم تشنج و... "تصحیح" محو آثار ارتجاع و سال ۶۷ و "حمل... مسئله از طریق سازمان ملل متحد و غیره کارا... نداشت. این است که با توافقی همه... جا نهد در سطح جهانی و در پهنه کشورهای... عربی برای مها زدن این آتش که به... جان منافع امپریالیستها در این... منطقه زرخیز افتاده بود طرح توطئه پیاده... شد.

۶۷ که جنبش مسلحانه دوباره سر برآوردند... سپتامبر ۱۹۷۰، انقلاب با اتکاب توده های... و عملیات همزمانانه علیه اسرائیل و... پیروزی در شهرهای متعدد منجمله در... نبرد معروف کرامه (مارس ۶۸ - فروردین... ۴۷) و جنوب لبنان و ادامه عملیات در... داخل فلسطین اشغالی توانست حقایق... مبارزه عادلانه خلق فلسطین را نه تنها در... پهنه کشورهای عربی بلکه در بسیاری از... نقاط دیگر جهان که مسئله فلسطین را به... کلی نمی شناسند اثبات با حداقل مطرح...

ضعف رهبری و خود بخودی بسودن



ارمنیه ۱۵ رزمندگان ...

اردو و طب اساسی جهان سرمایه داری بخش برجسته ای در حیات نظام موجود دارد، نظامی که برپا یه خون و اسلحه و کارگران و خلقهای ستمدیده جهان استوار است. حال در برابر این واقعیت عربیان، استرالی و ناکتیک پروولتاریای بین المللی چیست؟ لنین می گفت:

"اسخا دنیا اسلابیون کشور های پیش افتاده و کلیه خلقهای ستمدیده علیه همدا امپریالیستها، ایسی است سیاست خارجی پروولتاریا"، (سیاست خارجی اسلاب روس)

سرپا به این رهمودلسیتی خط اساسی استراتژی پروولتاریای بین المللی روشن است: اتحاد خلقهای ستمدیده، جنبش کارگری، و کشورسویالیستی علیه امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم شوروی و سایر امپریالیسمهای مترجم و واسعه، دربرتوانی سیاست عمومی و با توجه به واقعیت جاسمه ایران، استرالی و ناکتیک پروولتاریای ایران را بر مضمون میگرداند. بدین معنی که اگر چه

۱۵ سال امپریالیسم شوروی امپریالیسم فاشیستی و اصلی در ایران نمی باشد، لیکن این قدرت استعماری در اسنما و کارب خلقهای ما شرکت داشته و مداسع نظامی است که سرمد پروولتاریا و سایر توده های زحمکین بوده و به همین لحاظ شوروی امپریالیستی در کسار با بردشتان خلق ما فرار می گیرد. آری سوسال امپریالیسم شوروی نه در جنبه انقلاب بلکه ستانه یکی اردنمان امپریالیستی در جنبه ضد انقلاب فرار دارد و پروولتاریا نمیتواند این واقعیت عربان را کسار نماید، اینست نهاسیاست کمونیستی. اما سیاست رفقای رزمندگان چیست؟ این رفقا

می گویند: آنجا که تحلیل دقیقی راجع به شوروی وجود ندارد، سیاست را براس واقعیت شوروی در تعیین استرالی و ناکتیک پروولتاریا "اشرجدی" "ندارد" به سراجب ناکتیک که اردیدگاه این رفقا واقعیت شوروی امپریالیستی در تعیین استراتژی بین المللی پروولتاریای جهانی، در تعیین استراتژی پروولتاریای ایران افعالشان و در تعیین استراتژی پروولتاریای ایران "اشرجدی" "ندارد" دولت امپریالیستی روس در حال حاضر و بطور عمسی در اس یکی از دو قطب اساسی جهان امپریالیستی سفارت و سمگری میپردازد، در افغانستان

سکارت و سرکوب خلق دنگ میردودر ایران در کسار دنگان اسلاب ایران فرار دارد، ولی علی رغم تمام اس و اسباب رفقای رزمندگان "اصرار دارند که بسبب فقدان تحلیل عمسی وجود شوروی در تعیین استراتژی و ناکتیک پروولتاریا "اشرجدی" "ندارد"

این سیاست را سر و نهایی چیست؟ ایسی سیاستی که در اس همان سر لراب رویونیستی رفقای رزمندگان است. ایسی سیاستی که دیگری از واقعیت سک اسراف است. در در اس سیاست را سر و نه و اسراف با پیدا مدای رسا اعلام داشت که شوروی امروز نه اسها اضعوف جنبش جهانی کمونیستی بطور قطع خارج نده بلکه علاوه پروولتاریای بین المللی سمیواند اسرا ستا به یکی اردنمان انقلاب بجای بساورد و خلقهای ستمدیده جهان نمیتوانند اسرا ستا به یکی اربیروهای امپریالیستی جهان، صورت ماره مدامپریالیستی خود قرار دهند. رفقای رزمندگان اسری این مسئله که شوروی ستا به یک قدرت امپریالیستی است به نفی واقعیت شوروی ستا به سخی اسرجهان امپریالیستی رسیده و آرنجا

۱۱ صفحه ۱۱ ملاحظات ...

### شوکتویزیونی افسر ضد انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی که تجربه بکار گرفتن تهرانی جلد واحد را کریمی را پشت سر گذاشته، در هفت گزشتهدست بنامان ناکتیک افسر ضد انقلابی کودتاجی شد تا در یک "شوکتویزیونی ضمن پرده برداشتن از برخی اسرار کودتا و حرفهای دوپهلوشی که میدادند به ضد انقلاب هم جز آن بود، به نیروهای انقلابی لجن پراکنی کند و با مصلح دست مجاهدین و کلیه نیروهای اسلابی و کمونیستی را در دست آمریکا نشان دهد اقدام به این حرکتی را ردیالنه، فقط در مانندگی کسانیا امیرسا ننگه برای تحکیم سلطه با داده و خویش به هر خس و خاشاک کی چنگ میزنند. هادی غفاری که به قسول خودش میخواد "ما شیت با زی" در برپا ورد، همین حرف دیگته شده افسر ضد انقلابی را ملاک قرار داده و بر مجاهدین و با مصلح "گروهها" در "مجلس میتا زد، و خواستار سرکوبشان میشود، خنده دار است کسانیا که برای به اصطلاح محدود کردن مالکیت مدد لیل و شاد میطلبند و آخرش به نفع "مالکیت نا محدود و مشروع" رای میدهد و فستی با ی سرکوب نیروهای انقلابی باشد، ادعای آن افسر ضد انقلابی را مدرک استدلال میکند و با مصلح خودش نه "راوی" "خبرکه" "فاسق" است و نه "خبر و احد" بودن آن مانع چنان حکمی از سوی غفاری و همدستانش نمیشود. آیا جز این است که مضاف طبقاتی در نهایت تعیین کننده مواضع است؟

### اوج پروتگی!

در خبر آمده بود که خبرگزاری بی بی سی به خبرگزاری فلسطینی وفا پیشنهاد کرده است اوهم "اسرا شیل" را "رژیم اشغالگر قدس" بنامد! از نظر کودتاهای پر مدعا می که با بنظر پویشنها درها را میدهند خلق فلسطین هنوز نمیدانند دشمن خود را چه بنامد؟ فلسطینی ها دولت است تیا وزکا را اسرا شیل را "دشمن صهیونیستی" مینامند و آنقدر در سیاست و مبارزه "ناشی" نیستند که با یکا بریدن اصطلاح "رژیم اشغالگر قدس" در واقع اشغالنا طسقی دیگر فلسطین و موجودیت صهیونیستها را بر سمیت بشناسند! کوشش رژیم جمهوری اسلامی برای "صدور انقلاب اسلابی" و لویقیقت با یما ل کردن مبارزات خلقهای

به نفی اشرجدی، واقعیت سوسال امپریالیسم روس در استرالی و ناکتیک پروولتاریا کشیده میشوند، کسانیا نیکه اشرجدی و مهم واقعیت امپریالیسم شوروی را در سیاست پروولتاریا نادیده گرفته و اشرا تفی کنند، نه تنها اشراف رویونیستی خود را بنامش می گذارند، نه تنها سیاست اشرا فی و اسر و نه ای را به پروولتاریا و انقلاب تحمیل میکنند، نه تنها اس هوشیاری ضد امپریالیستی طبقه کارگروسا بر توده ها می گاهند، نه تنها جنبه مستحکم انقلاب را فریب پذیر سا خته و آنرا شکننده میسازند، بلکه هم چنین به بورژوازی خدمت میکنند، زیرا "مخدوش نمودن صف دوستان و دشمنان انقلاب فقط به سود بورژوازی است. رفقای رزمندگان بجای اینکه به طبقه کارگرتوده ها بگویند شوروی امپریالیستی در جنبه اشرا تزیک دشمنان انقلاب ایران قرار دارد و این مسئله ای که ملا جدی و مهم هم می باشد، مطرح میکنند که واقعیت شوروی اشرجدی در تعیین سیاست پروولتاریا، نه رفقا، این یک سیاست کمونیستی و پیکر بر شما رسیده، این سیاست هرگز نفع طبقه کارگرو انقلاب ایران نمی باشد.

### جمهوری اسلامی وارث زندانهای شاه

با گسترش موج سرکوب آزادیهای سیاسی - اجتماعی و یورش به نیروهای انقلابی و کمونیست، زندانهای رژیم و بویژه زندان اوین، هر روز تعداد هر چه بیشتر از مبارزین و انقلابیون را در خود جای میدهد. علاوه بر رفتار وحشیانه زندانها با مبارزین و اسسال مستمر شکنجه های جسمی و روحی، زندانها با سیاسی را در سلولها شتنگه میدارند که به اعتراف پزشکهای زندان "بهبود چوچای زندگی نیست" این زندانها چنان آلوده است و غیر بهداشتی است که فقط در عرض یک هفته ۳ نفر از مبارزین در بند مریش شده اند! غذای زندانها با سبزیها و چیز پویش آنها محدود است بطوری که به هر فرجحتی یک پتو هم نمیرسد.

در این شرایط زندانها با مدتها طولانی بهلا - تکلیف و حتی برخی مواقع بدون با زهری در زندان میمانند. رژیم زهری و طبقاتی میکوشد تا از راه زندانها را در هم بکوبد و روحیه مبارزین و تسلیم طلبی را در آنسان رواج دهد، لیکن آنها از موده را دوباره می آزما یند. آنان فراموش میکنند که در همین زندان اوین، شکنجه ها و بیاد دگرپیا و آدمکشان ساواک نتوانست قامت استوار مبارزین در بند را بشکند، چرا که این دلوران با عشق به توده های محروم و مجاهدین هرگز نگوشتنجه ای چون کوه ایستا در اندوزند انهای رژیم را بنامت به کانونهای انقلاب در قلب دشمن بلرزند و آردند، نا گفته بماند است که اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی با زندان و شکنجه و ادام طرفی نخواهد بست.

دیگر، مورد قبول خلقهای مبارز فلسطینی و اسیران نیست، ما به این نکته در پیکار ۶۹ اشرا ره کرده ایم. البته این اولین بار نیست که فلسطینی ها با دشمنهای کودکانه رژیمهای فیکار نیست به مسئله فلسطین و روی می شوند، یکی از اسیران انقلاب فلسطین چند سال پیش در برابر دشمنانهای عراق و لیبی در مورد اخلاقی فلسطین گفت: "ما زیر بار سخا هم رفت که صد حسین و عبدالملام - جلوه ما درس وطن پرستی بدهند!"

بنظر ما اشغال اساسی قضیه در این نیست که تحلیل قابل اتکائی راجع به شوروی وجود ندارد، خبر، اتفاقا بشکرا نه مبارزه در رویونیستی کمونیستی جهانی و ایران تحلیل قابل اتکا جهت پیشبرد یک مبارزه قاطع علیه شوروی امپریالیستی موجود است، اشغال اساسی قضیه در اینجا ست که شما رفقا دچار تزلزلات و اشراف رویونیستی بوده و بنامت این نمی توانید "اشرجدی" سوسال امپریالیسم را در تعیین سیاست خود بسا با آوید. با پیدا فرزند که تنها دستاورد جنبش کمونیستی بین المللی در اس تها توما رکسیتی لنینیتی سوسال امپریالیسم شوروی برای در نظر گرفتن امپریالیسم روس در تعیین استراتژی پروولتاریا قابل اتکا ست، بلکه هم چنین واقعیت سیاستها و حرکات امپریالیستی روزمره شوروی در اقصی نقاط جهان، سندننده ای است که پروولتاریا در تعیین دقیق سیاست خود با یما ل می رسد. آری رفقا، اشغال اساسی، فقدان تحلیل عمیق نیست، اشغال اساسی، تزلزلات و اشراف رویونیستی شماست.



حکومت نه متعلق به آنان بلکه متعلق به طبقه سرمایه دار و استثمارگرهاست و منافع و نیازهای اساسی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم اند...  
...هیات حاکمه همگام با کنون سیاست سرکوب و اعمال فشار را در تمامی عرصه های اجتماعی، در پیش گرفته است. هیچ قشر و طبقه ای در جامعه نیست که در معرض این سیاست قرار نگرفته باشد. آثار و عوارض این سرکوب جنبش توده های و تعرض به حقوق عادلانه توده ها را هر روز در هر گوشه کشور و به اشکال گوناگون شاهد هستیم. اخراج دسته جمعی کارگران آکا و مبارزان زکارخانه ها در سراسر کشور، سرکوب مبارزات و جنبشهای دهقانی، ادا به سرکوب و خشونت علیه حقوق شما مسی کارمندان و معلمان در نواحی کردستان، فشار اقتصادی بر زندگی توده ها، اخراج وسیع کارمندان و معلمان آکاها از ادارات، و مدارس و دانشگاهها، سیاست ارتجاعی

حکومتها بی از پیام سازمان به دانشجویان و دانش آموزان انقلابی بمناسبت آغاز سال تحصیلی:  
**دانشجویان و دانش آموزان مبارز و انقلابی! فرزندان زحمتکشان! جوانان کمونیست!**  
سال جدید تحصیلی در حال فرارسیدن است بدون آن که درهای بسته شده دانشگاهها توسط رژیم جمهوری اسلامی که در اردیبهشت ماه گذشته صداهای آزادنش-جویان کمونیست در کنارتان مجروح و پیاپی شهید شدند بازگشوده شود، اما سال چندین هزار دانشجو از رفتن به دانشگاهها محروم و میلیونها دانش آموز با محدودیت های فدا انقلابی و تضییقات جدید ارتجاعی روبرو می باشند. رژیم "ترور و تروریزم" که در اردیبهشت ماه کوشید تا با علم کردن "انقلاب فرهنگی" دروغین خود به سرکوب فرهنگ انقلابی برخیزد و در این راه جنبش قهرمانان نه فقط امت و دانشجویان روبرو شد اکنون میکوشد تا با بستن دانشگاهها و "اسلامی کردن" مدارس بخت خود را یکبار دیگر به زمامداری بدون شک جنبش جدید مقاومت دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و کمونیست باز نگریه رژیم جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که اگر شاخصه توانست، سنگرزادی را در درم ریزد و هم خواهد توانست. و اگر شاخصه نتوانست از سرایت "انگرس آکا" می "روشنفکران انقلابی به توده های زحمتکش جلوگیری کند و هم خواهد توانست و اگر شاخصه نتوانست با گارد های مزدور و "کلاسی می و میهنی" اش مقاومت انقلابی دانشجویان و دانش آموزان را در درم شکسته و ذهن آنها را از اغراض طبقاتی استثمارگرانه اش شسته سازد، رژیم جمهوری اسلامی با "انجمنهای اسلامی" و کلاسیهای ایدئولوژیک و کشتار دانشجویان خواهد توانست تا رنج و سرنوشت یکسانی برای تمام طبقات استثمارگر و رژیمهای ارتجاعی رقم زده است. توده های خلق یکبار پس حکم تاریخ را در مورد رژیم شاه در بهمن ۵۷ به اجرا آوردند و بدون شک رژیم جدید را نیز از آن مستثنی نخواهد کرد!

کمیته های از پیام سازمان به دانشجویان و دانش آموزان انقلابی بمناسبت آغاز سال تحصیلی:  
**دانشجویان و دانش آموزان مبارز و انقلابی! فرزندان زحمتکشان! جوانان کمونیست!**  
سال جدید تحصیلی در حال فرارسیدن است بدون آن که درهای بسته شده دانشگاهها توسط رژیم جمهوری اسلامی که در اردیبهشت ماه گذشته صداهای آزادنش-جویان کمونیست در کنارتان مجروح و پیاپی شهید شدند بازگشوده شود، اما سال چندین هزار دانشجو از رفتن به دانشگاهها محروم و میلیونها دانش آموز با محدودیت های فدا انقلابی و تضییقات جدید ارتجاعی روبرو می باشند. رژیم "ترور و تروریزم" که در اردیبهشت ماه کوشید تا با علم کردن "انقلاب فرهنگی" دروغین خود به سرکوب فرهنگ انقلابی برخیزد و در این راه جنبش قهرمانان نه فقط امت و دانشجویان روبرو شد اکنون میکوشد تا با بستن دانشگاهها و "اسلامی کردن" مدارس بخت خود را یکبار دیگر به زمامداری بدون شک جنبش جدید مقاومت دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و کمونیست باز نگریه رژیم جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که اگر شاخصه نتوانست، سنگرزادی را در درم ریزد و هم خواهد توانست. و اگر شاخصه نتوانست از سرایت "انگرس آکا" می "روشنفکران انقلابی به توده های زحمتکش جلوگیری کند و هم خواهد توانست و اگر شاخصه نتوانست با گارد های مزدور و "کلاسی می و میهنی" اش مقاومت انقلابی دانشجویان و دانش آموزان را در درم شکسته و ذهن آنها را از اغراض طبقاتی استثمارگرانه اش شسته سازد، رژیم جمهوری اسلامی با "انجمنهای اسلامی" و کلاسیهای ایدئولوژیک و کشتار دانشجویان خواهد توانست تا رنج و سرنوشت یکسانی برای تمام طبقات استثمارگر و رژیمهای ارتجاعی رقم زده است. توده های خلق یکبار پس حکم تاریخ را در مورد رژیم شاه در بهمن ۵۷ به اجرا آوردند و بدون شک رژیم جدید را نیز از آن مستثنی نخواهد کرد!

**تشدید بحران انقلابی، گسترش روزافزون ناراضیها و اعتلاء جنبش دانشجویان و دانش آموزان**

بحران انقلابی جامعه ما که ریشه در سیستم سرمایه داری و وابسته به رادیکال و نیمه پیش آغاز زونتا کنون ادا می یافته است. این بحران انقلابی که در توده های خویشتن دگرگونیها و تضییقات و تحولات بزرگی بوجود آورده است اینک می رود که مراحل حساس و تعیین کننده دیگری را در حرکت سیاسی جامعه شکل داده و بوجود آورد. بحران موجود از یک طرف هر روز بخشهای وسیع تری از توده های زحمتکش را بتدریج از سردمداران و مدافعین جدید سیستم سرمایه داری وابسته کننده و بسته توده های ناراضی می افزاید و از طرف دیگر توده های درونی هیات حاکمه را تشدید نموده و آنها را بیش از پیش به جان هم می اندازد. اینک بتدریج زحمتکشان و توده های متوجه جامعه ما درمی یابند که آنچه تپه جمهوری اسلامی و تمام وعده و وعیدهای سردمداران حکومت سراسی پیش نبوده است آنها در تجربه مداوم و در متن زندگی و حرکت روزمره خویش مشاهده میکنند که سردمداران



اجباری شدن حجاب در موسسات و تبلیغ و ترویج اخلاق عقب مانده قرون وسطایی بجای اخلاق انقلابی (که این خود زمینه را برای سوءاستفاده بورژوازی و اخلاقیات آن در جامعه فراهم کرده است) بستن دانشگاهها و مراکز آکا می دهند و تفتیش عقاید، ادارات و مدارس گرفتن تعهد از دانش آموزان برای جلوگیری از فعالیت سیاسی و انقلابی اعمال انواع و اقسام فشار و تضییقات مختلف در زندگی توده ها و... اینها همه نمونه های از سیاستها و برنامهای سرکوب فوق ارتجاعی و اجمالی فشار و نفوذ انگیزی است که از خصیصه این حکومت برخاسته و روزانه در رشتن است. رضایتی توده ها نقش بازی کرده و میکند. تحت همین سیاستها از ارتجاعی سرکوب و فشار رومنتراژ همیسن ناراضیها است که در جامعه شاهد حرکت روزافزون مبارزاتی توده ها و جوانانهای رشدیابنده آن در عرصه

**آزادی فعالیتهای سیاسی حق مسلم دانش آموزان و معلمان انقلابی است**

### رویزبونیستها حامیان سیاست "فرهنگی" رژیم!

ارتجاع و ضداثقلاب در میان نوده های خلیسق دوستانی دارد. اینها همان "دوستان دروغین" خلیسق هستند که بیش از خودپورزوازی بها و خدمت میکنند. از شاخص ترین این "دوستان دروغین" امروزه بسیارید از رویبونیستها هانا مبرد.

رویزبونیستها در اشکال مختلف - سئوده ای - فداشی (اکثریت) و سهجانی میکوشند تا با تزه های سازشکارانه خود به ارتجاع "خط" داد و در ضمن توده ها را به سازش با او بکشانند. آن ها به ارتجاع میکوبند: کمی ملایم تر عمل کن و از توده ها میخواهند که "نظم و قانون" را محترم بشمارند و از اجاد "تشنج پهریزکند" نمونه توبرانه این دسته از دوستان دروغین "خلیق و طبقه کارگر، سا زمان فداشان (اکثریت) هستند. آنها بدون اعتقاد به توده ها و انقلاب، به هیات حا کمه اعتماد کرده و از توده ها میخواهند که به رژیم اعتماد کنند آنها از مجریان سیاست "فرهنگی" رژیم میخواهند که به جای تکیه بر "مدیران" مدرسه، بر "شورا" های دانش آموزی تکیه کند، بجای اینکه مدیر مدرسه بک دانش آموزان انقلابی را به علت ۵ بار "غیبت غیرموجه" اخراج کند، این کار را به "شورا" های دانش آموزان و معلمان " بسیار رد! در ضمن از دانش آموزان انقلابی نیز میخواهند که "غیبت غیرموجه" نکنند به مفهوم دیگر وقت خود را صرف پخش اعلامیه و فروش نشریه تا زنده! (رجوع کنید به "نبرد دانش آموز" ارگان سراسری دانش آموزان پیشگام شماره ۳۵) فداشی های (اکثریت) رویبونیستها از دانش آموزان میخواهند که در چارچوب قانون اساسی عمل کرده و در خط "فدائیمبرالیستی" اما مبه سرکوب انقلاب فدا مهربالیستی بپردازند. آنها دشمنان انقلاب و طبقه کارگر ایران هستند. ....

در اینجا باید به اشراشی که توهامات لیبیرالیستی سا زمان مجا هدین خلق نسبت به جناح لیبیرالیستی بپنی صدی در جنبش انقلابی دانش آموزان و دانشجو- بان میگذا رد نیز اشرا کرده. هواداران مجا هدین خلق که بخش وسیعی از دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و دموکرات را تشکیل میدهند، با وجود آنکه به دلیل دموکراتیسم انقلابی خود در مقابل رژیم ایستاده و بکلی از عوامل مقاصد درمدا رس و دانشگاه، هستند، اما به دلیل توهامات خود نسبت به جناحی از هیات حا کمه، که نسبت به آن دچار خوشبامی بوده و با به رسمیت شناختن "قانونیت" رژیم همما بصورت ا پوزیسون سربراه آن عمل میکنند، این انحرافات عمیق باعث میشود که جنبش انقلابی دچار رنفرقه و چندسنگی شده و وحدت آن دچار اختلال گردد. با وجود این با بدمیان مبارزه با انحرافات مجا هدین و مبارزه با تهرات رویبونیستی رویبونیستها در جنبش دانشجویی و دانش آموزی فرق گذاشت اولی ها دموکراتیهای نا پیکر هستند که باید تا پیکری - ها و توهامات آنها را افشا شده و وجود آنها به قطب انقلاب جذب کردند تا آنکه در مورد رویبونیستها - ها با بدبسات طرد و افشا کا مل را در پیش گرفته و با افتخار تهرات رویبونیستی شان توده ها را از حول آنها برانکنده ساخت. ....

بقیه در صفحه ۲۲

بسبب سازماندهی و اعتلای آکا هی توده ها، از زمهره و ظایف اساسی است که بردوش جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی سنگینی می کنند. اما در برابر این سؤال که بجای یک حرکت و جنبش سراسری دانشجویی و دانش آموزی در شرایط حاضر چگونه می توان عملی ساخت و نیز در پاسخ به این سئوالات که شروع آکا ها توده ها بیت شده یک حرکت سراسری و تاکتیکی - های جزئی آن چه زمانی باید باشد، این حرکت سراسری چگونه باید شکل گیرد و ... با بدگفت که تما می این مسائل به مجموعه فعا لیتهای تدارکاتی سازمانی شکل های دانشجویی - دانش آموزی، و بخصوص به درجه ها هنگی و اتحاد عمل ضرورت آن در هادایت این حرکت سراسری دارد. تشکلاتی که خود تحت رهبری و هادایت مستقیم سازمانهای سیاسی موجود هستند، اما آن ها با بدبسات ربا شنده قبل از اینکه حرکت خود بخودی مجال هادایت و رهبری نقشه مند را از آن ها سلب کنند و آنها را غافلگیر نما بد هر چه سریعتر به تدارک بنشینند و خویشتن را برای پاسخگویی به این وظایف اساسی آماده سازند، آنچه که اهمیت دارد در کار این حرکت توده ای و برخوردار انقلابی به آن و کوشش در جهت پاسخ

## افشاگری، سازماندهی، مقاومت سراسری، این است شعار جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان

- گویی به ملزومات عملی و تاکتیکی آن است، در این رابطه بخصوص مبارزه با دشمنان و با گرایشات و جریانات سازشکارانه و محافظه کارانه ای که سعی خواهند نمود با اشکال مختلف در برابر این حرکت قرار گرفته و دانشجویان و دانش آموزان را از یک پاسخ انقلابی که راهگشای جنبش آنان خواهد بود، محروم نما بند، بسیار ضروریست.

شما را هی که در خدمت تولد، رشد و اعتلای این حرکت قرار میکیرد هم شما را هی صغی و هم سیاسی نمیتوانند باشد. شما را هی نظیر:

با زکشاشی دانشگامها، با زکشت معلمین اخراج شده آکا ه و مبارز، با زکشت دانش آموزان اخراج شده آکا ه و مبارز، لعمولطفه ای کردن ناموسی درمدا رس لغو تمهدنا مه های ثبت نام، آژادی فعا لیت های سیاسی و آکا هگرا بنهدر مدا رس، مبارزه با تفخیش عقاید و ...

و نیز شما را هی که در جهت پیوند با زحمتکشان و حمایت از مبارزات خلق های تحت ستم و بویژه خلق کرد میباشند از جمله شما را هی هستند که میتوانند در خدمت رشد و اعتلای این مبارزه قرار گرفته و جنبش سراسری دانشجویان و دانش آموزان را به حول آنها حرکت در آورند. ....

و دانش آموزان انقلابی فرا میکیرد چیست؟ جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی، جزء تفکیک با بدیری از جنبش انقلابی و فدا مهربالیستی و توده ای زحمتکش ما بوده و حرکت اعتلای بنده آن همسوار و همیشه متاثر از وضعیت عمومی جنبش توده ها بوده است. سطح و کیفیت حرکت و مبارزات دانشجویان و دانش آموزان انقلابی ما که در بحث غالب خود از بطن زندگی توده ها برخاسته و زندگی شان با زندگی آنان در آمیخته است، همواره بیان کننده سطح نارفاشیها، رنج ها و مشکلاتی بوده است که توده های ما با آن دست بگریبایند. توده های انقلابی دانشجویان و دانش آموزان، بدلیل موقعیت ویژه خود در اجتماع، بدلیل حساسیت بیشتری که در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی از خود بیروزی - دهند، بویژه بدلیل سطح نسبتا بالای آکا هی آنها نسبت به سایر فاشا روطیفات جامعه، عموما از جنبش پیشرفته ای برخوردار و بسیار سریع و شتاب بیشتری نفا ده ای طبقاتی جامعه و توده ها با هیات حا کمه! از خود منعکس میکنند. در عین حال که حرکت و مبارزه دانشجویان و دانش آموزان خودتسلوری از حرکت و مبارزه توده ها و اشکالی از سطح نارفاشی و مبارزه آنها بر علیه رژیم ارتجاعی حاکم میباشد.

به این ترتیب ما توجه به چشم انداز حرکت عمومی جامعه و جنبش خلق، میتوان بطور قطع شکل گیری یک حرکت سراسری دانشجویی و دانش آموزی را به متا بنده یکی از بخش های پیش رفته جنبش خلق و پیش در آمد موج نوی از مبارزه انقلابی در جامعه را به روشنی بشنستی نمود و این حرکتی نیست که اراده این و آن در اینجا دویا جلو گیری از آن نقش تعیین کننده ای داشته باشد، این چشم اندازی است که حرکت درونی جامعه، متاثر از زجران انقلابی موجود، در پیش چشم ما میکشاید چشم انداز حرکتی که با بدبسات و هشاری انقلابی به استقبال آن شناخت، آنرا آکا ها نه و نقشه مند و بسیار درک سیاسی و سازمانی، تولد نموده و آن را رشد و هادایت و متشکل نمود. این است هم اکنون وظیفه و تاکتیک محوری کمیونیستها در قبال جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی، تاکتیکی که تبلیغ وسیع و گسترده آن در درون جنبش دانشجویی و دانش آموزی، یکی از وظایف اساسی تشکلات انقلابی و بویژه م. ل. دانشجویی و دانش آموزی در شرایط کنونی است.

در همین رابطه و طبقه بسیار مهمی که در برابر تشکلات دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و کمیونیت قرار دارد، کوشش در جهت بسیج و هادایت جنبش دانشجویی و دانش آموزی و سوق دادن آن در جهت پیوند با توده ها است. شما را و درخواست های صغی سیاسی جنبش دانشجویان و دانش آموزان، جزئی از تهرات و درخواستها است که ی عمومی خلق است. در شرایط حاضر واضح است که جنبش دانشجویی و دانش آموزی، بدون اینکه مبارزه و شما را بشرا به مرکز افشاگری های سیاسی و خاندانار علیه رژیم حاکم تبدیل کند، بدون جلب پشتیبانی توده های زحمتکش از این شما را، بدون توجه به رابطه ضروری و منطقی این درخواستها با درخواست های عمومی خلق نمیتواند مفهوم و معنای واقعی خود را باز یابد. متفا بلا پشتیبانی از شما را هی عمومی توده ها، شرکت فعال در مبارزات توده ای باری رساند به

## در برابر اخراج دانش آموزان و معلمان انقلابی به مبارزه برخیزیم!

# زنده در قلب توده‌ها

زیباست، ریسن در کما رسوده‌ها ورزمیدن همراهِ آنان، زیباست با رنجبران در آمیختن و با آنان بسوی انقلاب، بسوی فردای روشن و سرخ دویدن، زیباست رندگی.

کمونیسها به زندگی عسی می ورزند، به رندگی رسوده‌ها و زحمتکشان، چه خوب میداند که این زندگی از سنگلاهای فراوان جا معه طبعانی گذر خواهد کرد و جنگل سرسبز انقلاب را برپا خواهد داشت. آنسان دیا لیکسک هستی و نیستی، زندگی و مرگ را خوب می شناسد و چنین است که آنقدر زندگی را دوست دارد که در راه زندگی و بخاطر زندگی زحمتکشان، زندگی پر افتخار و رگرا در فردا می گذرد و سرخ بر فراز کاه را بهای آزادشان در آفریند، مرگ را می بدینند، مرگی که در مسیر زندگی است و بخاطر زندگی است. آرا بنور و مرگ کمونیسها نیز زیباست چون رندگی است، زیبا چون حقیقت، زیبا چون بها حاستن رسوده‌ها و...

تنها آنان که زندگی را زیباست، سرشار از دلوری و شکره‌ها بساری در راه زحمتکشان است مینوانند به مرگی زیبا دست یابند و خود را به مرگ خویش که آدامه زندگی بر آفرینان است به بدیت زندگی ببینند و جزئی از فردا شوند، جزئی از هر چه که زیباست شوند.

## رفقای دلاورمان مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی

زیبا ریسند، بر غرور و سرفراویا فلسفی پر از عشق به مردمان و پیرا رکن به رنج و امیر به لیس و تما می طبعات استنما رگر، رزمیدن و آنگاه بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در سربیز بجرم پشچان اعلامیه‌های افتخارانه سازمان دستگیر و به طاعت تسبیح و...



شدند، ارنجاج می اندیشدی تواند با ترور و زحمتکشان و شکنجه، لیسهای اسلابیون را بدوزد و جلوی پخش اعلامیه و فروش نشریات را بگیرد، فکر میکند با کشتن اسلابیون میشود نامع آگاه شدن رسوده‌ها و افشای جنا پاش شود، اما... ما هرگز از پاشی نمی نشینیم، از فرصتی با رسوده‌ها سخن می گوئیم، دیوارها را بر از شما می کنیم، سپیده‌دمان و پاشی هنگام مویا هر زمان دیگر اعلامیه‌ها بمان، این پیکهای آگاهی را به رسوده‌ها می رسا کنیم و ازشادت با کی ندر ایم، چرا که میدا نیم کمونیسها نمی میرد، ما هم اکنون در هر چیز زیبا مسعود و طیب را می بشیم، در هر جا که مبر زه زحمتکشان بر علیه ظلم و استبداد پاشد، آنجا چهره خندان مسعود و طیب را خوا هم دید، هر جا اعتما می، هر جا شظ هراتی، هر جا مشت کرده زحمتکشان در آفریند، آنجا...

مسعود و طیب با حضور در رند، آنان به نا ریخ خونبار مبارزات طبعانی سرا رجهان بیوشده اند و بر چرخ مان را سرخسرا حنه اند، خون آنان با خون دهسان ترکمن صحرا، پیشتر کمان مهبران کردستان و کاکرا ان اندیشک و در ورودا استجویان شهیدا هوازی و... در هم آمیخته است. ما اعلام کرده بودیم که برای بزرگداشت شهیدان مسعود و طیب هر بنا به بر کرداشی روز جمعه ۲۸ شهریور در بهشت زهرا بر کرا رخا هم کردا ما متا سفا به بخاطر اشکالاتی که پیش آمد، موفی به بر کرا ری این مراسم نگشتیم، ما حتما در فرصتی دیگر به بزرگداشت این عزیزان خوا هم پردا حت، آنجا برای همیشه در کتسار دیگر شهیدان راه آزادی طبعان را گرد و بگرد زحمتکشان جا ویدخوا همدانند.

### بقیه از صفحه ۶ با چشم باز...

سربازها را به کشتن و تشویق میکردند. این مردوران مدا و ما میکوشیدند تا دشمن کوری را که در میان سربازان بر علیه کردها اشکیده شده بود، من بزنند، با تحریف و دورح سمپاشی میکردند تا آنها را از فریب و دروغ انباشته کنند. آنان را تهییج کرده اند و به میدان کشتار خلنق روانه کردند. مواج شایعات در سراسر پادگان گسترده بود: سقوط شهر، درگیری در پناه، سقوط رادیو تلویزیون سنندج و...

جوانان مسموم بودند که نمی توانستند در آن سس بکشم، سعی کردم بخواسم، اما نتوانستم رگبار، رگبار، از زمین و آسمان کلوله میبارید، طیش بر طیس فلک کردستان که اینجسین وحشیانه موردنشا حمفرا رگرفسه بود و اینجسین قهرمانانه میبکنید شامی شد را آکنده بود.

### آردیپهشت

شما مسلا حها بسوی شهر سنندج شانه رفته است این شهر مهرا ن در زیر آتش قرار دارد. صدای رگبار لخته ای قطع نمیشود، برای ارتش ذره ای مطرح نیست که هر حمپاره ای که به شهر میافسد چند نفر انسان را نابود میکند هر تیاری که شلیک میشود، قلب چند نفر را سوراخ میکند. چه بهار رخو نمینی دارد کردستان! (ادامه دارد)

### بقیه از صفحه ۲ اوجگیری...

ما می دانیم هر دو جناح نه پاشی مردم بلکه در برابر مردم است. حال آنکه ما میدا نیم آنان با روهنگار امیر به لیس بوده و نا توان از حل مغفلت بوده و در بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته کاملاً ذیفع میباشد. در این جنگ مدرب سیاست کمونیسها چیست؟ آنان با بد طبعی گار و گرو رسوده‌ها را بدوزا زهر گونه توهم بر پایه ابده اسلاب و خصوصیتی آشتی نا پذیر علیه کل هیئت است

حاکمه تربیت نموده و پرورش دهند، آنان با بدیده رسوده‌ها بگویند که راه مبارزه و انقلاب را ادا مدهند. هر چه تقادهای درون هیئت جا که بیشتر اوج کیبرد، زمینیه برای افشای باز هم بیشتر آنان و زمینیه بسرای سمعیت هر چه بیشتر کل رژیم جمهوری اسلامی فرا هم تر می گردد، کمونیسها با پدا ز این موقعیت بهره جست و به طبعی گار رگربیا موزند که سفاغ اونه در حمایت از جناحهای هیئت حاکمه، بلکه در ادا مده انقلاب است.

آری، سیاست کمونیسها در شرایط کنونی ادا مده مبارزه بیکر علیه تمام جناحهای بورژوازی و کل هیات حاکمه میباند.

را بدرقه کردند، روز ۱۸ شهریور نیز مجدداً فروشنده گان نشریات انقلابی مورد حمله چماقداران قرار گرفت و بساط متعلق به هواداران سازمان نیز سارت برده شد.

## یورش لشکریان جهل به منادیان آگاهی در شهرستانها

آمل: ساعت ۸ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۹/۶/۱۶ گروهی با سدا ر صلح پس از حمله به فروشنده گان نشریات انقلابی و با رگ کردن آنها چندین نفر را دستگیر کردند. این عمل بدت مورد مخالفت مردم محل واقع شد. همچنین در ایروان و روستاهای "آبکنار"، "خمیران" و "شیر" نیز مورد حمله بیش از ۵۰ نفر از پاداران فرا رگرفت آنها در ای حمله کلیه نشریات و پوسترهای دیسواری را با رگ کردند. لکن مردم مبارزه روستا به منا ومت برخاسته و را انقلابیون حمایت نمودند. پاداران با نسراندازی و صرت شتم چند نفر از اهالی روستا هار برک کردند.

لاهیجان: روز ۵۹/۶/۱۶ خلخالی همرا به قادره - بندا نش به رهبری ما نا الله صاب وارد شهر شد و برای انقلابیون خط و نشان کشید. وی گفت که اگر زما نش فرار رسید، سرکوب "امدا انقلاب" (بخوان انقلابیون) را از گیلان شروع خوا هم کرد. روز بعد از ازل و بسا نش وابسته به حزب جمهوری با حمله به نشریات دیواری و پاک کردن شعارهای انقلابی از روی دیوارها خلخالی

# درود بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی

بغیه از صفحه ۱۲ **خلق فلسطین** ...  
هم که خود را "پدر فلسطینی ها" معرفی می کرد، چند روز طول کشید تا صدای اعتراض خود را بلند کرد و پس از بیان کار، فقط پیشنها دمنا لحد بین فلسطینی ها و ملوک حسین را داد که منجر به تشکیل کنفرانس سران عرب در قاهره و اخراج فدائیان فلسطینی از اردن گردید. رژیم سوریه به رهبری هاکه حدا کثرتی از ارتش فلسطینی ها که در آن کشور مستقر بودند از زدها دکمه کمک انقلاب بشتا بندویک سری کمکهای سبلیغاتی و تدارکاتی کرد. از دیگران هم انتظاری نبود!

**موقعیت انقلاب از لحاظ**

**نظامی و سیاسی**

مهرمانیهای فلسطینیها در زمینه نظامی در تاریخ مائندی است. آنها نه تنها در اردن بلکه در دیگر کشورهای خود هم از لحاظ نظامی کمتر شکست خورده است. در اردن غلبه غم آنکه مجبور به سرک آن شد و با سلاح شکست خوردند، با روز آخرت ما شمال اردن و قسمتهای مهم پایتخت (عمان) و نیز شهرهای دیگری را در اختیار داشتند. ارتش ملک حسین تجزیه شده و هزاران نفر از ارتشها با ساز و برگ نظامی به انقلاب پیوستند. اما آنچه موجب این شکست فاجعه میز شد به نظر ما و با توجه به جمع بندی های که از خود رفتاری فلسطینی داریم اینهاست:  
۱- ضعف رهبری ضعیفی که از ما هیت طبقاتی رهبری ما به میگرد و بیطور

مشی، آن بود که وقتی خطری نبود آنها با انقلاب همراه بودند ولی وقت خطر که پیش آمد، توده ها آنرا نمی توانستند تحمل کنند. بقول یکی از رفقای فلسطینی: "ما از اردن بیرون آمدیم نه به این دلیل که از لحاظ نظامی شکست خوردیم بلکه از این لحاظ که توده ها وجود ما خسته شده بودند!"  
استفاده از این درس است که انقلاب فلسطین در برخورد با توده های لبنانی، رابطه نسبتاً خوبی با آنها برقرار ساخته است.

علاوه بر اینها از آنها هم بسیار رشیدی و زیاد دشمن با یدها سر کرده از برتری فوق العاده نیرو و نسبت به امکانات انقلاب برخوردار بود. در ارزیابی موضوع به این مساله باید توجه لازم را داشته باشیم. دشمنان خلق فلسطین گمان می کردند که دیگر انقلاب سرکوب شده و نخواهد توانست پس از این ضربه کمراست کند، ولی عزم استوار این خلق مقاوم در لبنان، در سرزمینهای اشغالی و در جاهای دیگر نشان داد که هیچ نیروی و هیچ نیرونگی قادر به نابود کردن انقلاب خلقها نیست. همه نیروهای انقلابی که علیه ما میر - با لیم، صهیونیسم و ارتجاع مبارزه میکنند، حمایت بیدریغ از خلقهای تحت ستم و در اینجا خلق قهرمان فلسطین و انقلاب او را بشتا به یکی از وظایف مهم خویش ببینند و رند این وظیفه برای ما کمونیستها بر اساس موضع لنینی مسان دوجندان است.

رژیمهای عربی (هر چند ارتجاعی باشند) ما را در آنها در کار انقلاب دخالت نکردند - این دخالت نکنند "یعنی در واقع خود را با آنها در یک صف می شمارد و با آنها معاشرت میکند. البته در عمل چنین شده است که آنها همواره در کار انقلاب فلسطین دخالتها و اعمال نفوذها و توطئه ها کرده اند و از این نظر طرف نهمه "دخالت متقابل" حتی به تجدید نظر در این شعار هم نیاز پیدا کرده است. این شعار که با استدلالاتی نظیر جدا کردن دشمن اصلی از فرعی "شوریه هم کرده اند و عملاً به سازش با ارتجاع و سرانجام به مورد سوءاستفاده قرار گرفتن و ضربه خوردن هم منجر شده است، هنوز تا حدود زیاد بی پایه می شود و جای اینگونه بررسی نیروهای دیگر هم که گرایش طبقاتی مشابه دارند (مجاهدین) همین سیاست را در کشورهای دیگر منجمله کشور ما پیدا می کنند. این موضع الفتح از ابتدا مورد انتقاد دشمنان و حامیان انقلابی فلسطینی بوده است. انقلاب فلسطین علیرغم پیگه وسیع توده ای - به همان دلایلی که در بالا اشاره کردیم، رابطه لازم و گواهی بسا توده ها برقرار نکرده بود. نظرها شدن به بالاها، به روسا و اتعاده های کارگر، جلب نظر روسا و ادارات و بیوروکراسی جدا از توده ها است و تماس با روسا و قبایل که حتی گاه به "خریدن" و رشوه دادن بآنان میسر میشد، شیوه ای بود که انقلاب برای "تماس بسا توده ها" (!) دنبال می کرد. نتیجه این

تاریخی نمیتواند رهبری یک انقلاب ملی دموکراتیک را بعهده گرفته بطور موقعیت آمیز آنرا بهایان بسرد. توضیح اینکه رهبری جنبش فلسطین اساساً به دست بورژوازی ملی و خرده بورژوازی است در رهبری حتی عناصری که خود از قبایل زمیندار بوده و با اعتبار آنکه زمینهایشان به اشغال صهیونیستها در آمده و به انقلاب پیوسته اند وجود دارند. این منطبقاً با تئوری از هدفها، سیاستها و عملگردهای جنبش از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی بخوبی منعکس است. عناصر انقلابی دموکرات و حتی کمونیست که در اردن این جنبش فعالیت میکنند هنوز نقش تعیین کننده ای ندارند. با وجود این، جنبش فلسطین جنبشی است انقلابی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک و شایان تأکید ضعیفی که از آن نام برده میگردند عقب ماندن رهبری از حوادث نیز خود را نمی نمایند. بدین معنی که حوادث چنان طی آن چند سال سرگردان بوده و توده ها آنقدر به انقلاب روی آورده بودند که رهبری توانایی هدایت و سازماندهی آنها را نداشت. مثلاً فقط در قاهره ۷۰ هزار نفر برای شرکت در جنبش فلسطین شت نام کردند و کارگران و دانشجویان فلسطین از مناطق مختلف منطقه و از سران سرجهان کار و در اردن خود را رها کرده به انقلاب پیوستند. اما "رهبری سری کوچک بسود برای یک تن بزرگ".  
۲- بر اساس همان ما هیت طبقاتی شعار الفتح این بود (و هست) که "در کار

**بغیه از صفحه ۲۰ دانشجویان ...**  
**پیروزی از آن انقلاب**  
**و شکست از آن ارتجاع است!**

پیروزی از آن انقلاب و شکست از آن ارتجاع است اما مهربان انقلابی در جامعه و روندا انقلابی در اقصی نقاط ایران، نشان میدهد که نه تنها انقلاب نمرده است بلکه هر روز رشد بیشتری یافته و رژیم را در مخممه عجیبی فرا ردا ده است.  
جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی فقط با در نظر داشت این چشم انداز و بیداری است که میتواند حرکت خود را سازمان داده و با ایجاد یک جنبش مقاومت مدجندان توده ای تر، مدجندان مقاومت و تروصد جندان انقلابی تر از جنبش مقاومت اردیبهشت ماه، در بیداری و آگاهی توده ها نقش خود را ایفاء نماید.  
امروزه تسلیم طلبانی یافت میشوند که دم از مردن انقلاب و خیزدن آن به زیر زمین می کنند و از توده ها میخا هند که بجای مادگی برای فصل درو تیز کردن داس ها، برعکس خود را برای یک شب زمستانی سخت آماده کرده و وسایل را در انبارها بگذارند. آنها جهت یابی خود را از دست داده اند. با بدبختیهای شکست طلبانه و تسلیم طلبانه را افشا کرده و از تمام دانشجویان

- بغیه از صفحه ۱۴ **بسخنی با ...**
- ۱۲- نظراتن در مورد مضامین پرسش و پاسخ (جواب به نامه ها) چیست؟ چه پیشنهاداتی برای اصلاح آن دارید؟
  - ۱۳- آیا تا کنون برای نشریه پیکار، مقاله، مطلب و اخبار فرستادهاید؟ اگر نه چرا؟ در مورد نقیشت خودتان در رابطه با نشریه مرکزی چه نظری دارید؟
  - ۱۴- میزان بخش پیکار در محیط فعالیتتان (کارخانه، اداره، محله، روستا، منطقه، مدرسه و...) چقدر مقدراست؟ آیا تعداد پیکار نسبت به ظرفیت بخش در محیط خودتان کافی است یا کمی باشد؟ اگر کم بود، راه حل آن چیست و چه مقدار کمبود دارد. امکان افزایش تعداد فروش و بخش پیکار آیا موجود است؟ خودتان در بخش فروش آن چه نقشی دارید؟ چه تعدادی خودتان بخش میکنند؟
  - ۱۵- پیکار به دست چه تشکیلاتی از کارگران و سایر توده ها میرسد؟ نظر آنها در مورد نشریه چیست؟ چه پیشنهاداتی و انتقاداتی دارند؟ آیا خودتان درخواستندن پیکار برای توده های شما نیستی و یا به تروصد جندان آنها در باره محتوای پیکار رفا لیت کردهاید؟ در چه سطحی؟ (آیا به رهنمودهای پیکار ۶۲ در صفحه خوانندگان عمل میکنند؟)

و دانش آموزان از انقلابی خواست که برای به حرکت درآوردن یک جنبش سراسری دانشجویی و دانش آموزی و هر چه توده ای و هر چه تشکیلاتی تر آن آماده شوند. پیش بسوی سازماندهی جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی! پیش بسوی پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی با جنبش زحمتکشان و طبقه کارگر! برقرار با جمهوری دموکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر! دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹

**انتشارات جدید سازمان**

نقل قول از: **لنین**

**دربارهٔ مسایل جنگ**

ترجمه



**فان، مسکن، آزادی**

بقیه از صفحه ۲۴ ...

پس از ۲۸ مرداد، در اوایل سالهای ۲۰ و همزمان با ۱۵ خرداد ۵۲، در سالهای زندان و تبعید و نیز در محاسن آزما همدین خلق در اوایل سالهای ۵۰، در وقتا به آذربایجان ۲۵ و نیز در تبریز و در باختری که ارتجاع کرد پس از قیام مبین ما و با دربار بر فشاری که ارتجاع به او وارد می آورد که علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی نظیر ماسا همدین موضعگیری کند، از موضع دمکراتیک تسمکنا گرفت و جان نثاران را با آنها و نیروهای واپسگرا را گرفت. شرکت او در شورای انقلاب و مجلس خبرگان و... و عدم طرح انتقاداش به این ارگانها برای بوده ها، بی اعتمادی را به تندها نشان میدهد تا ریخ زندگی بر ما برای طالقانی برای کسانی که بخوانند همزمان با پیگیری امثال او در مبارزه ضد امپریالیستی و سنف زحمتکشان مورد بررسی قرار دهند بسیار موزنده است. موضع بینا بین طالقانی موجب شد که هر گروهی بتواند با او همکاری از حرفها و موضع گیریهای او را از خود جدا کند. مسائلی که امسال بین حزب جمهوری اسلامی و نهضت آزادی (روز - نا مه میزان) و ماسا همدین خلق بر سر برگداشت طالقانی برپا بود هر کس نوارها و ماسا های مشخص او را بنفیس خود درست داشت، چندگانگی مواضع طالقانی را نشان میدهد. آیت الله طالقانی علیرغم این مواضع که با توجه به ماهیت طبقاتی اش از او قابل انتظار است، با طرفداران مبارزه سختی نپذیرش علیه رژیم استبدادی شاه، با طرفداران و روشنگریهای در قبال صهیونیسم، آمریکا و سیاستی از دشمنان خلق داشت، از احترامها به دستهای در بین مردم ما برخوردار است، با دشمنان می یاد.

شکفته به سبک ساواک

زندانیهای رژیم کنونی به شکفته گاهای انقلابیون بدل گشته است. زندانیان سیاسی و مبارزین دستگیر شده به شیوه های مختلف جسمی و روحی مورد شکنجه قرار میگیرند. البته خود رژیم به شلاق زندان زندانیان اعتراف دارد لکن با "حشری" نامیدن این شکنجه ها، اعمال ضد انسانی خود را توجیه میکند.

اغیرا مبارزین و انقلابیونی که محرم پیش اعلامیه و با شعار رنوسی و با حتی بحرم بحث در کنار رخصان به زندانها کشیده شده اند بدستدورد شکنجه قرار میگیرند در زندانها برای اسن مبارزین دربند مراسم عسدام نمایی ترتیب میدهند، (هما منظور که ساواک میگردد) تا روحیه رزمنده آنها را بشکنند، مراسم بدین ترتیب است که زندانی را همراه با چندتن دیگر (از خودشان) به میدان تیر میبرند و به زندانی میگویند که "تو بچرم قیام علیه جمهوری اسلامی به عدا محکوم شده ای" و از او میخواهند تا وصیت نامه بنویسد. (آنها از این طریق میگویند که عقاید و باورهای سیاسی و اجتماعی زندانی بی ببرد) سپس در میدان تیر چش زندانی را بسته و فرمان آتش میدهند و سپس شلیک میکنند، طوری که زندانی گمان کند که همراهش زندانیان دروغینی که معمولاً خود با سادارند قبل از او کشته میشوند و آنها نیز با سادارند. های درد او خود را بین فکر در زندانی تقویت می بخشد. رژیم جمهوری اسلامی که همواره سنگ انسانیت و معنویت را بر سر کشته میزند بنام فرزندان انقلابی خلق را شکنجه میکند، ولی آنها از این شیوه های ضد انسانی طرفی خواهد بست؟

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۴۰۰۰	س	۱۲۵۰۰
"	۱۱۰۰۰	"	۶۵۰۰
ب	۵۵۰۰	ش	۲۹۰۰
"	۴۰۰۰	"	۱۱۵۰۰
"	۷۸۰۰	ش	۱۲۸۰۰
ب	۲۰۰۰۰	ص	۳۰۰۰
د	۳۲۰۰	ع	۱۲۲۰۰
"	۹۵۰۰	"	۱۷۰۰
د	۸۱۰۰	ع-ع	۲۰۰۰
ز	۹۲۲۰۰	غ	۲۷۰۰
"	۲۶۱۰	"	۲۹۰۰
"	۳۷۰۰	ف	۱۱۲۰۰
"	۱۰۰۰۰	"	۷۱۰۰
ز	۳۰۶۰	ن-ن	۲۰۹۰۰
"	۳۳۰	ی	۲۷۰۰
"	۱۰۰۰۰	م-ش	۲۴۰۰
"	۱۰۰۰۰	م-ش	۱۰۰۰۰

الف - س (میان) ۱۵۰۰۰ ت (کارگر) ۳۰۰۰  
س - ه (خانهدار) ۵۰۰۰۰ ع - ف (معلم) ۴۰۰۰۰  
ل - ز (کارگر) ۱۰۰۰ م (اصفهان) ۴۰۰۰  
م - ف (پیشمرگه) ۱۵۰۰۰ و م - ف (پیشمرگه) ۲۵۰۰۰  
ن - م میانداوب ۱۰۰۰

- ۱ - رفقای هوادا رما زمان در کارخانه های ساخسی کمک مالی شما رسید.
- ۲ - رفیق کارگر از جزیره لاوان، مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال کمک مالیات دریافت شد.
- ۳ - رفقای کارگر از رشت، مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۴ - رفقای کارگر از سیدرود رشت و رشت مبلغ ۲۰۰۰ ریال (هر رفیق ۱۰۰۰ ریال) کمک مالی شما رسید.
- ۵ - رفیق محمد، هدیه ای برای احداث بیمارستان صحرایی رسید.
- ۶ - رفقای هوادا رما زمان چرکهای فدائی خلق (اقلیت) کمکهای فدائی شما همراه با مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال کمک مالی جهت احداث بیمارستان صحرایی رسید.
- ۷ - رفقای واستو، کمکهای فدائی شما همراه با مبلغ ۶۰۰۰ ریال جهت احداث بیمارستان صحرایی رسید.
- ۸ - رفقای (هس، س) فدائی آموزان هوادا رما زمان در کرمانشاه، مبلغ ۷۷۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۹ - رفیق (الف - س) فدائی آموز، کمک پس اندازت بدست ما زمان رسید.
- ۱۰ - رفیق (ر) فدائی آموز، مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالیات رسید.
- ۱۱ - رفیق (و) فدائی آموز، هدیه ای رسید.
- ۱۲ - رفقای دانشجوی هوادا رما زمان در تبریز مبلغ ۲۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.
- ۱۳ - رفقای سررازا (اندوزس) مبلغ ۲۰۰۰ ریال (هر رفیق ۱۰۰۰ ریال) کمک مالی شما رسید.
- ۱۴ - رفیق مادر از زکرج، مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالیات دریافت شد.
- ۱۵ - رفیق (ع) از ندهکامیون، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالیات رسید.
- ۱۶ - رفیق داود از قزلبان (د-ف) از کرج، هدیه ای رسید.
- ۱۷ - رفیق ع - ف (معلم) مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال کمک مالیات رسید.
- ۱۸ - رفیق خانهدار از اراک، مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال کمک مالیات رسید.
- ۱۹ - رفیق خانهدار از (میانداوب) مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالیات رسید.
- ۲۰ - خانهدار رحمت (م-الف) کمک مالی شما رسید.
- ۲۱ - رفقای م - اوم - ۲ کمک مالی شما دریافت شد.
- ۲۲ - رفیق شهرام، قزوین مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالیات رسید.
- ۲۳ - رفقای هوادا رما زمان در زنجان مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.
- ۲۴ - رفقای کارمند هوادا رما زمان کمک مالی شما رسید.

بقیه از صفحه ۳ اخبار...

**تهران**  
کارگران شرکت موج بعنوان اعتراض به اخراج نما بنده شان در اداره کار متحمن شدند.

تمام رانندگان تاکسی باید زن بگیرند!

تعجب نکنید! این مضمون نامه ای است که چندین پیش از طرف سندیکا مرکزی تاکسی رانان بنسبه سندیکا تاکسی رانان بندر عباس رسیده است. و این نمونه دیگری است از عملکردهای حکومتی که از بهبود زندگانی زحمتکشان و از جل مسئله بیکاری وحل مسئله ارضی به نفع دهقانان عاجز است و به جای همه اینها در فکر مسائلی چون شلاق زدن کارگران خرد به سبب اجباری کردن حجاب بردار و رات وزن دادن رانندگان تاکسی است!

حال با ریکوشید این رژیم نقلی نیست!!  
به نقل از تراکت هوادا رانان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - بندر عباس - ۵۹/۳/۲۰

توضیح و تصحیح:

- در پیکار ۲۱ صفحه ۴ سطره نوشته شده "را هیما ش" در شهر "که درست آن" را هیما ش در کارخانه است.
- ادا مه مما حبه با رفقا حسین روحانی و سرب - حق شناس را بدلیل نبود جادو شاره آینه بخوانید.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



# یاد آیت الله طالقانی گرامی است

سیمه دوم شهریور، شونده های مبارز مردم ما سالگرد درگذشت آیت الله طالقانی را گرامی داشتند. او یکی از چهره های مبارز مبارزان آزادیخواهانه سالهای سیاه محنت بود، چهره و بیشتر از آن لحاظ آشکارتر است که در میان همگنان روحانی اش کمتر کسی بسه آگاهی و روحیه مبارزاتی او وجود داشت. طالقانی را میتوان ساینده فتنه متوسط جامعه دانست، او از همسایگان است که بر دانه های مبارزه جویانه ای از اسلام و قرآن ارائه میدهند و در همین رابطه مبارزاتی است که در برابر دیکتاتور رژیم شاه تسلیم نمیشود و به زندان می افتد و سالها در زندان دراز می کشد و مبارزه میکند و خود را شیراب شمری خشی بر طرفین خویش میگذارد.

طالقانی که در مراحل متعددی از عمر خود وی با حمایتی که از محاهدین خلق مسکود در موضع یک انقلابی دمکرات فرار داد، در مسقطی تعیین کننده ای از زندگی خویش و سراسر ما با هیت طبقاتی نشوایست در این موضع بماند و به موضع لیبرالی و سازش افشاد. او پس از بر سر کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی علیه عمال و نگهبانان اروپا ملاحظه رفتار است و نداشت و اینرا تلویحاً نشان میدهد، هرگز نتوانست چه با لیبرالها و مثل بازرگان و چه با ساینده گان خود بورژوازی مرده سنتی و بورژوازی همبمان آن مرز بندی داشته باشد، بلکه عمل در خدمت آنان قرار گرفت. طالقانی علیه رژیم موضع گیری های مترقیانه اش بنقیده در صفحه ۲۳

# محاكمه مجاهد اسپر سعادتی محكوم است ● بالاخره معلوم نیست مجاهدین خلق «جاسوس» شوروی اند یا «همکار» لودتاجیان آمریکائی؟! جامه عمل سپوشند.

آری سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و سیدادگاه های اسطبل که تلاش میکنند تا محاکمه و زندان و اعدام و تشییع را در گناه و اجرای احکام آن درکنار نام کودتاچیان، سرسپردگان رژیم فیللی، فواحش، قاچاقچیان و غیره، مبارزه انقلابیون و دمکرات های مبارزان لوث نما بنده، چنین می بیند و رنده که فرصت خوبی برای این محاکمه ارتجاعی بدست آورده اند. آنها همیشه تلاش کرده اند تا با اعلام دروغین آغاز محاکمه سعادتی، با ملاحظه حاسوسی مجاهدین برای سوسپال امیرالسلطنه شوروی را بر رخ بکشند و موضوع را به خیال خود زنده نگه دارند. او اینک که به «برکت» موضع گیریهای آشکار و خصمانه آیت الله خمینی علیه محاهدین و اجرای اهداف وی توسط او با شان حرب جمهوری، کلیه دعا شر محاهدین و روزنامه مجاهدت تعطیل شده است، و را دیو تلویزیون و مطبوعات و تحریک و عوا مغربی شیددی را همچون تمام نیروهای انقلابی علیه مجاهدین بوجود آورده اند، سر تخمین در بی اجرای مفاصدم تبلیغاتی و سیاسی خویش علیه محاهدین و صدور رای سنگین برای سعادتی می باشد.

اما آنها همچون تمام مرتجعین سحت در انشااهد آنها هرگز نمی توانند محاکمه یک مجاهد در بیدادگاه می که حتی از نظر «فانون» ادعای رژیم نیز، حق محاکمه او را ندارد، در سیدادگاه می که از توکیل مدافع وی خبری نیست و... ذره ای از حقانیت مبارزانی این مجاهد و سازمان وی بگانهند. بسیار رخنه و راست که سردمداران توطئه گری برای ایجاد سوزای و برای اینکه مقاصدم خود را آنطور که خود میخواهند اجراء آورند، اینروزها شغله ساز کرده اند که بلی مجاهدین نیز با کودتاگران مزدور آمریکا می سروری داشته اند! اما این مرتجعین در مقابل سؤال مردم آگاهی که می پرسند آقا پسان! بالاخره مجاهدین خلق «جاسوس» شوروی اند یا همکار کودتاچیان آمریکا؟! چه جواب میدهند! برایستی که دروغگو کم جفا است!



## هدیه ارزنده یگی از رفتای در پند

یکی از رفتای هواداران سازمان که اینک در زندان رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرد با استفاده از جویهای کبریت ستاره زیبائی درست کرده و آن را برای پیکار فرستاده است.

ما تصور این ستاره را که ما سیدلهای انقلابیون آنشی در خود نهفته در دو با احکری به اختری فروزان تبدیل میشود بیاد همه انقلابیون اسیری که اینسنگ استوار و سر بلند در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند در زجرا چاب میکنیم.



## تروز دانش آموز ۱۶ ساله در تبریز

در شماره ۷۵ پیکار رسیده اطلاع هموطنان مبارز و نیرو - های انقلابی رسانندیم که چند سینه جان جوانی در چاه ها هر - تریز توسط راننده یک کامیون پیدا شده است. در همانجا همدارادیم که به احتمال زیاد این یک ترور سیاسی مشابه با ترور رفتای پیکارگر شهید مسعود لاجی را دوطیب نجم الدینی دودانشجوی کمیونیست هوادار سازمان میباشند.

اینک اطلاع یافتیم جوانی که نام او نامرندانه ترور شده است، رفیق حمیدرضا حتمی دانش آموز سال سوم هوادار «راه کارگر» میباشند. این رفیق روزی که

## باز هم تروز فاشیستی فرزندان انقلابی خلق

هنوز خون پاک پیکارگران شهیدرمان مسعود لاجی - را دوطیب نجم الدینی که در تبریز بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ترور شدند نخشکیده است که ارتجاع در نقطه ای دیگر از خاک میهن فاجعه آفرید.

تروز پنجشنبه ۱۳ شهریور ماه مردم محله مسعود بهر سگی رشت تا همدسایت هولناکی بودند. در اینروز پاسداران سرمایه ریشی «حسن مالچی» را هسکا میکشه شغول ورزش بودند و بر سرچشمان مردم بهر سگی رگلوله می بندند.

رژیم مدخلی جمهوری اسلامی که از اجامه عتاصر انقلابی هموخت دار دو خاطر آنها را نیز نیز بر سران می کند از هتمید همدسرتی شهید را در «تازه آباد» دفن کنند و مردم شرکت کنند در مراسم جوی و جمای حمله کرده و عده زیادی را دستگیر و زخمی می نماید.

رژیم جمهوری اسلامی و حترزه و وحشیانه میکوشد جدا نغلاسیون را از دسترس مردم دور کند مانعیتواند به همد که انقلابیون شهید در سینه های خلق جاودا نسه می شوند و دستان آلوده رژیم را به سینه های پر طبعش مردم راهی نیست.

دستگیر شده است جلوسیم آسیا واقع در خیابان محیوبه متحدین شمالی تبریز مشغول فروختن شریه راه کارگر بوده که توسط پاسداران دستگیر مشود و همداسجا مورد ضرب و شتم شدید قرار میگردد. مردمی که در آنجا سودسعی میکنند و از دست پاسداران ارتجاع نجات دهند ولی آنها ادعا میکنند که از نظر سیاسی قانوسی آزادخواهند نمود!

... بدین ترتیب رفیق حمید را بزور سوار ما نیست کرده و با خود میبرد و روز بعد چند سینه جان ش در جاده پیدای می شود! وی هم اکنون در بیمارستان خمینی تبریز بستری است و در صورت زنده ماندن احتمالاً لاجی خواهد شد.



# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست